

مرزده آن بندگان مرا که سخن ها گوش فرامیدهند و از بهترین آنها پیروی میکنند

انقلاب اسلامی

در هجرت

ابوالحسن بنی صدر
پرسشها در باره اتم و پاسخها - ۲

نقش اتم در رابطه های قوا

گفتگوهای امریکا با ایران ، بر سر عراق ، مافیاهای نظامی - مالی را متقاعد کرده اند که هرگاه ایران به سلاح اتمی مجهز شود، بر منطقه مسلط می شود. از دید این مافیاهای امریکا ناگزیر است عراق را تخلیه کند. بنا بر این ، بحران را باید « تا آخر رفت » تا بتوان بعد از تخلیه عراق ، سلطه ایران را نخست بر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و سپس بر تمامی منطقه مستقر ساخت . مجهز شدن ایران به سلاح اتمی، امریکا و اسرائیل را از مقابله نظامی با سلطه ایران بر منطقه باز می دارد. آیا این استدلال پایه ای دارد ؟

* پرسش سوم : به فرض که قصد نظام ولایت فقیه، دستیابی به بمب اتم بوده باشد، داشتن بمب اتم برای آینده این نظام در منطقه چه سود و فایده ای در بردارد؟ :

در حال حاضر، هنوز که بمب اتمی نساخته و نداشته، بر ضد ایران جبهه تشکیل شده است. می توان تصور کرد چه وضعی پیش می آید هرگاه قصد رژیم بر ساختن بمب اتمی ، قطعی شود. به دنبال اظهار نظر البرادعی ، کشورهای عرب گفتند آنها نیز به دنبال مجهز شدن به تکنولوژی اتمی می روند . هرگاه جبهه بندی کنونی ادامه پیدا کند،

۱ - تعادل ضعفهای دو طرف ، امریکای بازنده در جنگهای عراق و افغانستان را برنده می کند. زیرا تقابل دو طرف از راه صدور باز هم بیشتر نفت و گاز (روند شتاب گیر ضعف اقتصادی) و، به ضرورت ، افزایش واردات، بخصوص واردات اسلحه، انجام می گیرد. به سخن دیگر ، بیناگرایی و نادانی بوش که سبب تشدید روند انحطاط امریکا بمناب « تنها ابر قدرت » گشته است را نادانی و زورمداری حاکمان بر ایران و استبدادبان منطقه، چند برابر ، جبران می کند. زیرا بی آنکه نیاز به فرستادن یک سرباز و خرج یک دلار داشته باشد، کشورهای درگیر را جانشین خود در هزینه ها و در همان حال رساندن حداکثر سود به امریکا می کند.

۲ - گسترش نفوذ در خاورمیانه باتکای بمب اتمی ، نیاز به هزینه های سنگین دارد. اثر بحران اتمی و بحرانهای داخلی و منطقه ای (پاک کردن اسرائیل از صفحه تاریخ و انکار هولوکاست و وضعیت در عراق و افغانستان و آسیای میانه) و بحرانهای داخلی بر اقتصاد کشور، وضعیت اقتصادی کنونی است. می توان اثر تشدید مجازاتهای شورای امنیت و انزوای منطقه ای و جهانی را بر گریز استعدادهای و سرمایه ها از کشور و سنگین تر شدن هزینه های دولت و در نتیجه ناتوان شدنش از سرمایه گذاریهای لازم تصور کرد.

۳ - گسترش فقر ناشی از انجام تکرفتن سرمایه گذاریها و شدت گرفتن تورم و اثر آن بر تشدید تضادهای اجتماعی و وسعت و شدت گرفتن آسیبها و نابسامانیهای اجتماعی از سوئی و بیشتر شدن فرصتهای رانت خواری (بخاطر جانشین تولید شدن واردات و تمرکز پولها در دست یک اقلیت کوچک) از سوی دیگر ، جریان ضعیف شدن ایران را از درون شدید تر و پرشتاب تر می کند. به تریبی که هنوز « ابر قدرت » منطقه نشده ، در درون ، از پا در می آید ..

در صفحه ۲

شماره ۶۷۳ از ۲۱ خرداد تا ۳ تیر ۱۳۸۶

توریه !؟

◀ «فتوای» خامنه ای : «توریه» آنها در نماز!؟ و کاربردهای آن

در سر کوبگریها: ص ۳

◀ ضرغامی نامزد ریاست جمهوری؟ - گروه بندیها در سپاه - درگیریها

- دولت واقعی کیست - دو حکومت در حکومت احمدی نژاد و...: ص ۴

◀ حضور نظامی امریکا در عراق دائمی می شود؟ - گفتگو بر سر عراق مثبت

یا بی نتیجه؟ - وصل شدن امنیت عراق به اتم؟ و...: ص ۸

◀ روز نخست : گفتگوی ۵ ساعته بر سر اتم نتیجه بخش بود و روزهای بعد :

بر فشار به ایران باید افزود!؟ ص ۱۱

◀ وابستگی بودجه و اقتصاد به نفت از سوئی و فساد از سوی دیگر، اقتصاد را

بی جان کرده است: ص ۱۲

◀ اعدامها ، دستگیریها و تجاوزها به حقوق دانشجویان و کارگران و...: ص ۱۴

ج- پاکنژاد

«توریه» جواز شرعی گناه کبیره و دامن آن!

در آستانه سالگرد مرگ آقای خمینی مطبوعات و رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی پر از مقالات و مطالب اغراق آمیزی است که در مورد وی نوشته ویا به زبان زور پرستان ابراز شده اند تا جایی که در تلویزیون جمهوری اسلامی فیلمهای سینمایی ای به نمایش گذاشته شدند که از جمله از معجزات "امام" حکایت میکرد. این همه در حالی است که نیرنگی که توسط فقه، رنگ دین به خود گرفته و برای حرام خدا که جزء گناهان کبیره شمرده میشود یعنی دروغ مجوز شرعی میتراشیده در یک سؤال و جواب و به صورت فتوایی از جانب آقای خامنه ای رو آمده و به روز شده است. نام این نیرنگ توریه است و بنا بر آن نه تنها تمامی این ادعاها بلکه رفتار آقای خمینی در خلال سالهای مبارزه و بیاناتی که او در نوفل لوشاتو اظهار داشت را به زیر سؤال میبرد. این سوال مطرح میشود که اگر او نیز در تمامی این سالها توریه میکرد پس کدام بیان او حقیقت داشته است؟ اگر مردم ایران اعم از تحصیلکرده و مردم عامی کوچه و بازار میدانستند که او توریه میکند و آنچه را بر زبان می آورد دروغ مصلحت آمیز برای کسب قدرت است باز هم از وی پیروی میکردند؟ آنچه که دیروز و امروز مقامات و مسئولین جمهوری اسلامی در باره آقای خمینی میگویند، از آزادادخواهی او، احترام به رای مردم و ادعای اخیر مبنی بر قائل بودن او به کرامت انسان، همه از باب توریه بر زبانها و قلمها می آیند و قصد شان حفظ کردن جای خود در قدرت حاکم است.

در صفحه ۱۵

انقلاب اسلامی : هر از چندی ، « فتوائی » ، « نظریه » ای از قلم افراد شاخص ملاتاریا تراوش می کند و یا بر زبان آنها می آید بسیار گویا . گویای این واقعیت که چگونه با استفاده از فلسفه ارسطویی و منطق صوری او، اسلام را در بیان قدرت از خود بیگانه کرده اند . « النصر بالربح » خامنه ای و « حرکت قسری » و « جنگ و جهاد » مصباح یزدی و « انسان و آزادی » جوادی آملی و فتوای امثال شیخ حسین همدانی و فاضل لنکرانی ، از این نوع « فتوی » ها و نظرها هستند . اما فتوای خامنه ای در باره « توریه » یا « دروغ مصلحت آمیز ، نه تنها صدور جواز دروغگوئی حتی در نمازی است که مخاطب آن خدا است ، بلکه بروشنی کاربرد منطق صوری را نشان می دهد که صورتی ساختن و با آن واقعیت را پوشاندن است. بدیهی است رژیمی که دروغ و اشکال دیگر زورگوئی را روش می کند و جنایتها و خیانتها و فسادها را با « توریه » توجیه می کند، نه صفت اسلامی که صفت ضد اسلامی دارد .

مروج دروغ و اشکال دیگر زور گوئی می شود . جامعه را از ارزشها و اخلاق خالی و از ضد ارزشها و اخلاق گریزی و بلکه اخلاق ستیزی پر می کند . فصل اول را به « فتوا » خامنه ای و توضیح او در باره « توریه » و نمونه هایی از کار برد آن ، اختصاص می دهیم .

در فصل دوم، گزارشی حاوی یک رشته خبرها را از نظر خوانندگان می گذرانیم . این خبرها همه انطباق عمل مافیاهای حاکم را با « نظریه » ضد اسلامی « رهبر » گزارش می کنند . در همان حال، درون بسختی آشفته رژیم را بازهم آشکارتر می کنند .

فصل سوم را به گفتگوهای بغداد اختصاص می دهیم . رژیم می کوشد گفتگو بر سر عراق و در واقع پایان خون ریزی در عراق را با کوتاه آمدن امریکا در مورد « برنامه اتمی ایران » ربط دهد . غافل از این که حکومت بوش در فکر دراز مدت گرداندن حضور نظامی امریکا در عراق است .

در فصل چهارم ، خبرهای راجع به بحران اتمی را می آوریم . تهدید وزیران خارجه ۸ کشور صنعتی و نیز بیانیه ۴۰ وزیر خارجه و گفتگوی لاریجانی با وزیر خارجه آلمان روزی پیش از شروع کنفرانس سران ۸ کشور و موضوع بحث بودن بحران اتمی در این کنفرانس، به خواننده می گویند ایران در چه موقعیتی است .

در فصل پنجم داده ها و خبرهای اقتصادی از نظر خوانندگان می گذرند . این داده و خبر می گویند وضعیت اقتصادی کشور همچنان به وخامت می گراید و عامل اصلی گرایش به وخامت نیز مافیاهای نظامی - مالی و حکومت دسته نشانده شان است .

در فصل ششم ، خبرهای تجاوزها به حقوق بشر را می آوریم .

در صفحه ۳



در حقیقت، هرگاه مافیاهای نظامی - مالی در انحطاط امریکا که « تنها ابر قدرت جهان » نیز شده است و بر منابع مالی عظیم متعلق به مردم جهان سلطه دارد و بودجه نظامی به اندازه تمامی بودجه نظامی جهان است، تأمل می کردند، در می یافتند که کشوری با منابع مالی ایران و در پر حادثه ترین مناطق جهان، نمی تواند از راه مسابقه نظامی و تکیه بر سلاح اتمی غیر قابل مصرف، « ابر قدرت منطقه » شود. تنها کاری که می کند، جبهه در برابر اسرائیل را به جبهه، بسا با تفاق اسرائیل، بر ضد ایران می گرداند. و

۵ - ای بسا، کشورهای نفتخیز همان جنگ نفتی را از سر بگیرند که در دوران جنگ ایران و عراق، به راه انداختند و بهای نفت را تا بشکه ای زیر ۱۰ دلار پائین آوردند. هرچند پائین آمدن قیمت نفت به موقعیت دلار صدمه جدی می زند، اما با « پترودلارها » بی که کشور های نفت خیز در اختیارش می گذارند، دلار می تواند جنگ نفت را تا از پا در آمدن اقتصاد ایران، تحمل کند.

۶ - در منطقه، غیر از ایران، ترکیه و مصر و عربستان نیز وجود دارند. هرگاه کار به رویارویی رسد، در غرب کشور، کشورهای عرب و نیز سنی های عراق، ناگزیر جذب محور عربستان - مصر، می شوند. هرگاه کار به نزاع خونین برسد، ایران نه تنها موقعیت خود را در منطقه و جهان اسلام از دست می دهد، بلکه عامل جنگ و ضعف و بی اعتباری مسلمانان در جهان معرفی می شود. در آسیای میانه نیز، امکانها و فرصتها در اختیار ترکیه قرار داده می شوند. روسیه نیز بر آن می شود خلاء را با حضور مجدد خود پر کند. هم اکنون، در این منطقه، امریکا مانع از هرگونه حضور اقتصادی ایران است. هرگاه خلاء پر شود، ایران در درون مرزهای خود نیز آسیب پذیر می شود:

۷ - در این مرحله، واواک مدعی است چند گروه جاسوس را کشف کرده است که برای امریکا کار می کنند. بدون تردید امریکا به گروههای مسلح خائن به ایران، در شرق و غرب کشور اسلحه و پول می دهد. هرگاه رویارویی همگانی شود، از چهار سو، تجاوز « پوشیده » به ایران، خطرهای جدید برای موجودیت کشور بیار می آورد. افزون بر این،

۸ - رویارویی نابرابر است: فرض کنیم ایران مجهز به بمب اتمی بگردد. اما تحریم فروش اسلحه به ایران و پل هوایی که امریکا برای ارسال اسلحه به کشورهای منطقه بر قرار می کند، ضعف ایران را بازهم شدید تر می کند. بخصوص که

۱۰ - استفاده از سلاح اتمی نا ممکن است. نه تنها به این دلیل که

الف - در منطقه جایی نیست که بتوان با بمب اتمی بمباران کرد بدون این که به دیگران صدمه زند و ب - بعمل خیال بافی مافیاهای نظامی - مالی، « خطر اتمی ایران » کشور را در معرض بمباران با سلاح اتمی تاکتیکی از سوی اسرائیل و امریکا قرار می دهد و این خطر دائمی است.

۱۱ - استفاده از اقلیتهای دینی و قومی به زبان ایران، با سرکوب اقلیتهای دینی (شیعه) در منطقه و بسا در تمامی

پرسشها در باره اتم ۲ نقش اتم در رابطه های قوا

سرزمینهای اسلام، همراه می شود. این همان تهدیدی است که ملک عبدالله در دیدار با آقایان احمدی نژاد و لاریجانی به عمل آورده است. ۱۲ - از آنجا که رژیم نکران بود یک جنبش همگانی به عمرش پایان دهد، نخست در ایران، سازمانهای مسلح (سپاه و کمیته ها و بسیج و پلیس قضائی و...) را جانشین مردم کرد و مردم را ایران راند. بلافاصله، همین کار را در لبنان و افغانستان کرد. در جریان جنگ ۸ ساله، سپاه بدر را ایجاد کرد و پس از حمله امریکا به عراق، در این کشور نیز، گروههای مسلح را جانشین مردم عراق کرد. در طول زمان، همین روش را در هر کشوری که آقای سیستانی کوشید مردم را وارد صحنه سیاسی کند اما افسوس که یا منصرف شد و یا او را منصرف کردند. نتیجه اینست که در افغانستان و ایران و عراق و لبنان و فلسطین مردم نه تصمیم گیرنده اند و نه بعنوان تصمیم گیرنده در صحنه حضور دارند. رژیم مافیاهای تهدید می کند که هرگاه به ایران حمله شود، در این منطقه وسیع، فعالیتهای گروههای مسلح را چند برابر خواهد کرد. اما هرگاه بنا بر رویارویی در خاورمیانه شود، ایران با دو دشمن روبرو خواهد شد: یکی مردم کشورهای منطقه که می باید پی آمدهای جنگ و ترور را تحمل کنند و دیگری کشورهای منطقه که از حمایت امریکا و بسا اروپا و اسرائیل برخوردار می شوند. سلاحی که امروز رژیم بکار می برد، فردا بسا بر ضد ایران بکار خواهد رفت.

* آیا رژیم نمی تواند روش دیگری در پیش بگیرد؟

در دوران مرجع انقلاب ایران که ایرانیان سرشار از اعتماد به نفس و امید بودند و بعنوان تصمیم گیرنده در صحنه حضور داشتند، میل به جنبش در ملتهای منطقه برانگیخته می شد. ترسی که رژیمهای استبدادی و فاسد را از خیزش ملتهای خود، در بر گرفته بود، بسی شدید بود. تا بدانجا که پیشنهاد ایران در باره افزایش بهای نفت تا ۳ برابر پذیرفته شد و هر بشکه نفت ۳۴ دلار در بازار رسمی بها یافت. میل به جنبش در مردم عراق شدید تر بود. آقای خمینی پیشنهاد آشتی و همکاری صدام را رد کرد. زیرا گمان می برد رژیم صدام ۶ ماه بیشتر دوام نمی آورد.

ادامه آن روش و تجربه تا پیروزی بر استبداد در سطح منطقه، نیاز به باز ترین نظامهای اجتماعی در ایران و حقوق مدار شدن دولت و استقرار دموکراسی با وسیع ترین عرصه آزادی در ایران داشت. اما پیش از آنکه آقای خمینی و ملاتاریا سازمانهای مسلح را جانشین مردم کنند، قدرت پرستها این کار را در کردستان و

ترکمستان و هر جای دیگر که دستشان رسید، کردند. انتخابات شورای شهر سنج که با توافق و امضای تعهدنامه انجام گرفت، کوششی بود برای آنکه مردم مقام تصمیم گیرنده بمانند و گروههای سیاسی جانشین آنها نشوند. و چون نتیجه انتخابات بسود گروههای مسلح نشد، با انداختن نارنجک به خانه های منتخبان، آنها را وادار به استعفاء کردند. این سازمانها، با عمل خود، نشان دادند که از حضور مردم در صحنه، بسیار بیشتر از حضور قوای دولت مرکزی وحشت دارند. تجربه سنج قابل آزادی و زور و حضور مردم در صحنه و حضور گروههای مسلح در صحنه بود. افسوس که پی آمد رفتار زورپرستانه خود را در سطح کشور برآورد نکردند و از عوامل جانشین مردم شدن گروههای مسلح در سطح کشور شدند. از آن پس، رژیم استبداد و ددمنشی رویه کرد و البته جز این نمی توانست، که همان کار را در کشورهای دیگر بکند که در ایران کرده بود. در نتیجه، هم ایران را از بسط جنبش همگانی در سطح منطقه و تمامی دنیای اسلام محروم کرد و هم رژیمهای استبدادی وابسته را تثبیت کرد و هم ایران را گرفتار محاصره اقتصادی و جنگ ۸ ساله گرداند و هم عامل گسترش فقر و قهر در ایران و منطقه شد.

و مجهز شدن ایران به بمب اتمی، حضور مردم کشورهای استبداد زده را در صحنه، بازهم مشکل تر و ثبات این رژیم ها را بیشتر خواهد کرد. اما رژیم مافیاهای نظامی - مالی نمی تواند روش دیگری در پیش بگیرد. زیرا نخست می باید در ایران به دوران مرجع انقلاب بازگردد و سپس به نقش سیاسی نیروهای مسلح پایان بدهد و ولایت را به جمهور مردم بازگرداند به تریبی که مردم مقام تصمیم گیرنده را بازبندند. آن دموکراسی که می تواند وضعیت را از افغانستان و پاکستان تا مراکش و از آسیای میانه تا خلیج فارس تغییر دهد و به ایران، نقش قلب را در حوزه تمدن اسلامی بازپس دهد، بی آنکه نیاز به خرج کردن یک دینار باشد، این دموکراسی است و نه آن صورت آرائی امریکا در افغانستان و عراق.

رژیم، در بحران سازی، تا جایی پیش رفته است که راه پس و پیش را به روی خود بسته است. زیرا هرگاه کوتاه بیاید و قطعنامه شورای امنیت را بپذیرد، موقعیت ضعیفی می جوید و زیر فشارهای غرب و دولتهای منطقه، می باید به عقب نشینی های دیگری تن بدهد. و هرگاه تن ندهد و « تا آخر برود » خود را در تنگنایی قرار می دهد که تشریح شد و می شود. در گذشته، هر بار که ایران در چنین وضعیتی قرار می گرفت، مردم وارد عمل می شدند (جنبش تنباکو، انقلاب مشروطیت، نهضت ملی کردن نفت و انقلاب ۵۷) و رجال وطن دوست و استقلال طلب تصدی امور را در دست می گرفتند و کشور را از تنگنا خارج

می کردند. در حال حاضر، رژیم آن توان را ندارد که اختیار را به چنین رجالی بازگذارد. بنا بر این، تنها مردم کشور هستند که می توانند وارد عمل شوند. تکرار کنیم که ایران در موقعیتی است که اگر مردم مقام تصمیم گیرنده را باز جویند و گروههای مسلح و مافیاهای از صحنه سیاست و اقتصاد و دین و فرهنگ و حتی روابط اجتماعی مردم بیرون روند، جنبش می تواند منطقه را فراگیرد و استبداد ها را با دموکراسی ها جانشین کند.

* پرسش چهارم: رفتار قدرتهای خارجی با نظام ولایت فقیه آیا با نظام هایی همانند کره شمالی و پاکستان و هند و ... که به بمب اتم دست یافته اند متفاوت است؟ و اگر آری در چه ابعادی؟

این رفتار آشکارا متفاوت است. امریکا و اروپا نیز پنهان نمی کنند که رفتارشان متفاوت است. توجیهی که برای این رفتار متفاوت می کنند، تفاوت موقعیت ایران و رویه ای است که رژیم مافیاهای نظامی - مالی در پیش گرفته است. اما دلایل واقعیت تفاوت رفتار با ایران، عبارتند از

۱ - غیر از این که ایران نفت و گاز دارد، وسط دو اقیانوس نفت و گاز قرار گرفته است. نقش نفت در بالا نگاه داشتن نیاز دنیا به دلار، بنا بر این، برداشت امریکا از اقتصاد جهان، به موقعیت ایران اهمیت بازهم بیشتری می دهد. این موقعیت است که سبب شده است غرب و شرق بخواهند ایران کشوری ضعیف، بخصوص از لحاظ اقتصادی بماند. بسا این همه های و هوی در باره قصد رژیم به تولید سلاح اتمی و قصد این رژیم به سلطه بر منطقه، این هدف را تعقیب می کند که ایران را از پرداختن به اقتصاد خویش و ایجاد اقتصادی مستقل و رشد یاب، باز دارند. در عمل، رژیم نه تنها به دنبال ایجاد این اقتصاد نیست، بلکه خود بزرگ ترین عامل تخریب این اقتصاد است.

۲ - نیاز امریکا بمتابه تنها ابر قدرت و نیز نیاز اسرائیل به دشمن و تأمین این نیاز از سوی رژیم و « تروریسم اسلامی » عامل دوم است. جنگ با تروریسم جهانی و ایران را مرکز این تروریسم خواندن و این تبلیغ که هرگاه ایران بمب اتمی بسازد و آن را در اختیار سازمانهای تروریست قرار دهد، شهرهای اروپا و امریکا در معرض نابودی قرار خواهند گرفت، دلیل دیگر تفاوت رفتار غرب و حتی روسیه و چین با ایران است.

۳ - در انقلاب ایران، اسلام به مثابه بیان آزادی، اندیشه راهنما شد. هرگاه این اسلام بر جامعه های مسلمان شناخته شود و این جامعه ها به جنبش در آیند، بزرگ ترین حوزه تمدنی جهان، با بیشترین منابع از جنگ سلطه

گران بیرون می رود. از این رو است که از انقلاب ایران بدین سو، غرب دو روش را اتخاذ کرده است:

• سانسور کردن اسلام بمتابه بیان آزادی. و

• بزرگ کردن خطر « انتگریم اسلامی » و « تروریسم اسلامی » و گسترده ترین تبلیغ بر ضد اسلام. در این کارزار تبلیغاتی، تنها قلم بدستان امریکائی و اروپائی نیستند که شرکت دارند. مزدبگیرهائی از کشورهای اسلامی را نیز بدین اسلام ستیزی واداشته اند.

با اینهمه، اثر این دو روش ناچیز است. اثر بس و ویرانگر را ملاتاریا و رژیم مافیاهای نظامی - مالی و القاعده و سازمانهای خون ریزی دارند که سرزمینهای اسلامی را ویران می کنند و در این سرزمینها خون می ریزند.

آشتی لائیکها با کلیسا و کنیسه و تحول لائیسیتیه از دشمنی با این دو دین به همکاری با این دو دین و دشمنی آن با اسلام، فرآورده خیانت زورپرستان و کارزار تبلیغاتی غرب است.

۴ - وجود اسرائیل در خاورمیانه و سیاست غرب بر حفظ تقوق نظامی آن بر مجموع قوای نظامی منطقه، دلیل چهارم تفاوت رفتار غرب با ایران است. در جریان اکتبر سورپرایز و جنگ ۸ ساله و اقتضاهای ایران گیت ها، اسرائیل نقش واسطه را میان رژیم ملاتاریا و غرب بازی می کرد. از آن پس، از دو سو، سیاست ستیز و سازش، رویه شده است.

با وجود این، انحطاط امریکا بمتابه تنها ابر قدرت و بیزاری افکار عمومی جهان از رفتارهای ددمنشانه اسرائیل با فلسطینیان و کاهش میل به جنگ در جوانان اسرائیل، وضعیتی را بوجود آورده است که در آن، اسرائیل، با وجود داشتن بمب اتمی، نگران موجودیت خویش است. شارون کوشید از راه سبانه ترین رفتارهای نظامی، آینده اسرائیل را تضمین کند. نتوانست. شکست اسرائیل در حمله به

لبنان و ناتوانیهای دیگری که بروز می دهد، این ترس را بیشتر نیز کرده است. اگر بخشی از کشورهای اروپائی به این نتیجه رسیده اند که نباید اسرائیل را تنها متحد تلقی کرد و رابطه با اسرائیل را محور رابطه با کشورهای دیگر منطقه کرد، حکومت بوش هنوز به این نتیجه نرسیده است. نتیجه اینست که تا وقتی اسرائیل دست از تجاوز گری برندارد و دست کم زمینهای را که در ۱۹۶۷ تصرف کرده است پس ندهد، به دشمن نیاز دارد و تقدم بخشیدن به حیات و امنیت اسرائیل، غرب را بر آن خواهد داشت که با کشورهای منطقه و بنا بر این، ایران، سیاستی داشته باشند که با کشورهای هم که بمب اتمی دارند، این سیاست را ندارند.



● قتل‌های بعدی: گفته بودند که دختر و پسر فاسدی هستند. جلویشان را در جاده گرفتیم. آنها را به چاله پر از آب هفت‌باغ بردیم و هر دو را در آنجا خفه کردیم. بعد اجسادشان را داخل پژو گذاشتیم و به بیابان بردیم، پس از آنکه اجساد را به بیرون انداختیم، ماشین پژو را به آتش کشیدیم و موبایل‌ها را برداشتیم (به گفته خانواده این دختر و پسر جوان آنها با هم نامزد و عقد کرده بودند).

ششمین آدم‌ربایی: پسر جوانی را طعمه قرار دادیم اما پس از ربودن، او را آزاد کردیم. پس از اینکه او را ربودیم ۳ بار برای کشتن او استخاره کردیم، اما خوش نیامد، موبایلش را گرفتیم و او را رها کردیم.... هادی بزدا نقر که از دست عاملان قتلها جان سالم بدر برده، در جلسه دادگاه متهمان را به ضرب و شتم، آدم ربایی متهم کرد و گفت: «به من می‌گفتند فاسد، اما خودشان نماز صبح نمی‌خواندند.»

● پرده دوم:

امام جمعه کرمان نیز با حضور در جمع اعضای ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، اصناف و بازاریان گفت: عده‌ای نادان به نام امر به معروف و نهی از منکر کارهای غلطی کرده‌اند.

گزارش‌ها حاکی از این است که فرزند یکی از مقامهای استان با عنوان سردار «ر، ک» نیز در میان متهمان است اما حاضر نشده است در دادگاه حضور یابد. محاکمه به صورت غیر علنی و پشت درهای بسته انجام می‌گیرد. پس از پایان تحقیقات و ارسال پرونده به شعبه نهم دادگاه عمومی کرمان قاضی امیری تبار اعضای باند را محاکمه و آنها را محکوم کرد.

طبق رای دادگاه سردسته باند به اتهام شرکت در چهار فقره قتل به قصاص و اعدام در ملاعام و به خاطر ۶ فقره آدم ربایی به ۱۵ سال حبس، به خاطر سرقت اموال آنها به تحمل سه سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم و متهم ردیف دوم به اتهام مشارکت در چهار فقره قتل به ۴ بار قصاص و مشارکت در ربودن آنها به ۱۵ سال حبس و رابطه نامشروع به ۹۹ ضربه شلاق محکوم شد. همچنین متهم ردیف سوم به اتهام مشارکت در سه فقره قتل به قصاص و اعدام در ملاعام و ۵ فقره آدم ربایی به ۱۵ سال حبس، سرقت اموال مقتولان به سه سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. متهم ردیف چهارم نیز به اتهام دو فقره قتل به قصاص در ملاعام، به جرم سرقت اموال مقتولان به سه سال حبس، ۶ فقره آدم ربایی به ۱۵ سال حبس و ارتباط با زنان فاسد به ۹۹ ضربه شلاق محکوم شد.

متهم ردیف پنجم به جرم مشارکت در یک فقره قتل به قصاص در ملاعام، مشارکت در سه فقره آدم ربایی به ۱۵ سال حبس و سرقت اموال مقتولان به سه سال حبس و متهم ردیف ششم به خاطر مشارکت در یک فقره آدم‌ربایی به ۱۵ سال حبس و مشارکت در یک فقره قتل به قصاص در ملاعام و رابطه نامشروع با یک دختر جوان به ۹۹ ضربه شلاق محکوم شد.

● پرده سوم:

حکم در دیوان عالی کشور نقض شد و قضات دیوان اعلام کردند چون متهمان با اعتقاد به مهدورالدم بودن این قتل‌ها را انجام داده‌اند مجازات قصاص شامل آنها نخواهد شد.

به این ترتیب پرونده مجدداً به شعبه هم عرض فرستاده شد و دادگاه

دوم متهمان ردیف یک و دو را به قصاص محکوم کرد اما با توجه به اینکه خانواده دو تن از مقتولان اعلام رضایت کرده بودند سایر متهمان را تبرئه کرد. پرونده برای بار دوم به دیوان رفت اما باز هم حکم نقض و پرونده برای سومین بار به شعبه هم عرض فرستاده شد. قاضی سوم رسیدگی کننده به پرونده مطابق نظر دیوان عالی کشور چون متهمان ادعا کرده بودند قربانیان را با اعتقاد به مهدورالدم بودن به قتل رسانده‌اند، آنها را تبرئه کرد. این بار حکم مورد اعتراض اولیای دم قرار گرفت و پرونده مجدداً به دیوان عالی کشور ارسال شد اما دیوان عالی کشور اعتراض اولیای دم را نپذیرفت و حکم براثت قاتلان محفلی کرمان را تایید کرد.

در رای صادره شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور آمده است: محمد حمزه (سردسته باند)، «محمد س.»، «محمد ی.»، «چنگیز س.» و «س. ج.» از اتهام قتل عمدی تبرئه شده و اعتراض اولیای دم وارد نیست و رای صادره تایید می‌شود. یکی از وکلای دیگر متهمان گفت: قضات نخواستند سابقه مقتولان را استعلام کنند تا مقرون به صحت بودن ادعای متهمان مشخص شود، نه مهدورالدم بودن قربانیان. وی افزود: «ما هیچگاه نخواستیم این مهدورالدم بودن مقتولان را اثبات کنیم، اما موضوع مهدورالدم بودن در قوانین کشور وجود دارد و جاری است.»

● عرصه قضا و قانون:

رای حاکم = قاضی شعبه ۲۴ دیوان عالی ایران: «آنجا که چند نفر راجع به عده خاص نظر دارند و به عنوان مثال دو قبیله در یک شهر نسبت به یکدیگر نظر دارند، چون برای عموم ایجاد رعب و وحشت نمی‌کند و بقیه مردم در ترس و نگرانی نیستند، شدت افساد در حد مجازات اعدام نیست.»

فتوای شیخ = در دادگاه «قتل‌های محفلی» کرمان، دادستان متن نامه ای از آیت الله مصباح یزدی را قرائت کرد که صدور فتوا را تکذیب کرده ولی نوشته بود که هر چه در سخنرانی کرمان گفته «استنساخ از منابع معتبر فقهی بوده است» و همین بخش، مستند وکلای مدافع قاتلان قرار گرفت که به عنوان عمل به تکالیف مذهبی، از آنها دفاع کردند. متهمان گفته‌اند که چون قربانیان را مهدورالدم می‌شناختند از عمل خود هنوز هم پشیمان نیستند و محکمترین سند وکلای آنان، پاسخ‌های برخی آیات عظام بود که همگی به بیان‌های مختلف نوشته‌اند چنانچه فردی با اعتقاد به مهدورالدم بودن کسی را کشته، قتل واقع شده شبه عمد و مجازات آن، پرداخت دیه است.

حکم قانون = ماده ۲۹۵ (تبصره ۲) در موارد زیر دیه پرداخت می‌شود: در صورتی که شخصی کسی را به اعتقاد قصاص یا به اعتقاد مهدورالدم بودن بکشد و این امر بر دادگاه ثابت شود و بعداً معلوم گردد که مجنی علیه

توریه!؟

مورد قصاص و یا مهدورالدم نبوده است قتل به منزله خطای شبه عمد است و اگر ادعای خود را در مورد مهدورالدم بودن مقتول به اثبات برساند قصاص و دیه از او ساقط است.

● حکایت آخر:

هفته نامه حدیث کرمان به دلیل انتشار اخباری در باره قتل‌های زنجیره ای کرمان، توقیف می‌شود!!!

* سرکوب دراویش گنابادی

ادامه دارد. از میان برداشتن از راه ایجاد تصادف یکی از روشهای دژخیمان رژیم است:

◀ دراویش گنابادی قربانیان سیاست سرکوب مداوم: دکتر علی تابنده، مراد دراویش گنابادی به زادگاه خود گناباد می‌رود. روستاییان یک روستا او را به روستای خود دعوت می‌کنند. قوای سرکوب سر می‌رسند و او را به جبر با خود به مشهد می‌برند. سوار هواپیما کرده به تهران می‌آورند. در فرودگاه، اجتماعی بزرگی از مریدان او گرد می‌آیند. مانع از دیدار او با مریدانش می‌شوند. او و بردارش را که پزشک بود، به خانه اش می‌برند. برادر را مجبور می‌کنند خانه را ترک کند. او سوار خود رو خود می‌شود و بسوی خانه اش می‌رود. در راه، تصادفی ترتیب می‌دهند و او در این تصادف کشته می‌شود. از زمان حمله به حسینیه این دراویش در قم و ویران کردن آن، این نوزدهمین تصادفی است که برای افراد این جمعیت ترتیب می‌دهند.

* رفتار قوای سرکوب با

اراذل «عمل به رذالت و ناقض کرامت انسان و تعلیم خشونت کور، مورد تصدیق «قوه قضائیه رژیم است:

◀ پس از آنکه عکسهای گزارشگر رفتار بس سبعانه و ناقض کرامت و حقوق انسان قوای سرکوب با «اراذل و اوباش» انتشار یافتند، به نوشته اعتماد ملی (۹ خرداد ۸۶)، علیرضا جمشیدی «سختگوی قوه قضائیه»، در مقام توجیه برآمده و در تشریح مواد «۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰ و ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی» گفته است: در ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی صریحاً آمده است که کسانی که به وسیله چاقو و یا هر وسیله دیگری قدرت‌نمایی و موجبات مزاحمت اشخاص را ایجاد و آنها را تهدید کنند، مجازات شدیدی دارند.

سختگوی قوه قضائیه با اینکه از هدف اجرای این طرح استقبال کرد اما اشاره‌ای به نحوه برخورد با این افراد و دستگیری آنها نکرد و در این باره توضیحی نداد. به همین دلیل خبرنگار اعتماد ملی از او پرسید: آیا ستاد پیشگیری که مسوول طراحی این طرح بود نحوه برخورد با این افراد را هم تشریح کرده و دستور داده که شبانه و با کتک متهمان بازداشت شوند؟

سختگوی قوه قضائیه هم با همان آرامش همیشگی در این مورد گفت: شیوه دستگیری، بر اساس فهم قاضی از احکام، صادر می‌شود، اما این شرایط با در نظر گرفتن سختی کار نیروی انتظامی در دستگیری این دسته از افراد باید مورد توجه قرار گیرد، زیرا این شرایط با شرایط عادی متفاوت است.

اما همان خبرنگار بار دیگر به سختگو یادآوری کرد که بازداشت و دستگیری بحث دیگری است و با خدشه‌دار کردن چهره متهمان و مجبور کردن آنها به افتابه به دهان گرفتن کاملاً متفاوت است! آیا این برخوردها قانونی است؟! و آیا فکر نمی‌کنید این روش، روشی برای برخورد با دیگر متهمان می‌شود؟ جمشیدی این بار با تاکید گفت: این نحوه برخورد به هیچ عنوان به جرائم و یا بازداشت متهمان دیگر تفسیر پیدا نمی‌کند و رفتار در شرایط خاص است و به نیروی انتظامی کمک می‌کند در شرایط اضطراری متهم را کنترل کند.

* بنا بر فتوای توکلی که بهنگام

پاسدار کمیته بودن، زن جوان آبستنی را اعدام کرده بود، زنان در محل کار می‌باید «حجاب کامل داشته باشند:

◀ به تازگی در مرکز پژوهشهای مجلس که توسط توکلی اداره می‌شود دستور داده شده است که به همه زنان شاغل در این مرکز چادر داده شود. علت آن اینست که کارکنان زن این مرکز بدانند اگر مایل به بر سر کردن چادر نبستند باید کار خود را در این مرکز رها کرده بروند.

انقلاب اسلامی: خبرهایی که از ایران دریافت کردیم و خود دو سه خبر منتشره را بر آنها افزوده ایم، نمونه‌های دیگری از کاربرد بیان قدرت واپس مانده ای هستند که راهنمای ملاتاریا و مافیاهای نظامی - مالی است:

ضرغامی نامزد ریاست جمهوری؟ - گروه بندیها در سپاه - درگیریها - دولت واقعی کیست - دو حکومت در حکومت احمدی نژاد و...:

* از تجربه احمدی نژاد پند

نگرفته‌اند و دارند زمینه به ریاست جمهوری رساندن ضرغامی را فراهم می‌آورند:

◀ بنا بر اطلاع، قرار است زمینه برای رساندن ضرغامی رییس صدا و سیما به

ریاست جمهوری فراهم شود. در «انتخابات» آینده ریاست جمهوری، او از سوی خامنه‌ای و گروههایی از سپاه، او باید به ریاست جمهوری برسد. این شخص دخیل در تروهای سیاسی و از اعضای گروه تصرف کننده سفارت امریکا و گروگانگیری است. در ریاست علی لاریجانی بر صدا و سیما معاون او بود و بعد از او، از سوی خامنه‌ای رییس صدا و سیما شد.

◀ دولت واقعی کیست سپاه یا

سه قوه، خامنه‌ای یا سپاه!؟

احمدی نژاد از رحیم صفوی فرمانده سپاه پاسداران خواسته است به او نیرو معرفی کند زیرا او می‌خواهد ۸ استاندار را تغییر دهد. رحیم صفوی، در پاسخ او گفته است: اگر شما واقعا به حجت شرعی و عقلی رسیده‌ای که باید هشت استاندار را عوض کنی و به جای آنها نیروی‌های جدید منصوب کنی من حرفی ندارم و هشت نفر معرفی می‌کنم. اما یاد آور می‌شوم که تغییرات سریع در نیروها مضراتی برای دولت دارد و بهتر است در این باره کامل بیشتری کنید!

* درگیریها در دستگاه اداری و

در سپاه خوزستان:

◀ بعد از سخنرانی حمید زنگنه، نماینده «اهواز»، که در آن، گفته است بیش از ۱۲ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می‌کنند و ۴ میلیون نفر بیکار هستند، مشکلاتی برای او ایجاد کرده‌اند. کارش به جایی رسیده است که مشغول توجیه «اشتباه» خود در آن سخنرانی است.

◀ درگیری در میان نیروهای سپاه افزایش یافته است: به دنبال استعفا استاندار خوزستان که از سرداران سپاه بوده است و علت آن دخالت های احمدی نژاد و باند او در کارهای استانی بوده است، این فرمانده به نیروهای تحت امر خود در سپاه و نزدیکان خود گفته است که از اشتباهات استراتژیکی که سپاه در این سالها انجام داده حمایت از فردی کوتاه بین و خود محور و لجوج مانند احمدی نژاد بوده است.

به دنبال ایراد این سخنان، احمدی نژاد دستور برکناری او را داده و برکناری او منجر به اختلافاتی گسترده در سپاه جنوب کشور شده است. با وجود این، برکناری استاندار خوزستان مسبوق به درگیری احمدی نژاد با محسن رضانی است:

به دنبال اختلافاتی که میان باند احمدی نژاد با باند محسن رضانی به وجود آمد، احمدی نژاد استاندار خوزستان را عزل کرد. گفته می‌شود که با درگیری‌هایی که در شهرهای آبادان و خرمشهر به خاطر عزل عباسی مدیر مرکز منطقه تجارت آزاد به وجود آمد میان گروه سپاهی حامی احمدی نژاد و گروه حامی استاندار که از نیروهای وابسته به محسن رضانی بود اختلافاتی پیش آمد. استاندار کلیه مقامهای شهردار و بخشدار و معاونت



های خود را به افراد سپاهی هوادار محسن رضایی سپرده بود. این امر سبب شده بود که باند احمدی نژاد در این استان کاره ای نباشند. احمدی نژاد که خود این استاندار را نصب کرده بود، دیر به خود آمده و دست به تغییر او زده است. اما چون رویه او اینست که بدون مطالعه، عجولانه تصمیم می گیرد، این تغییر را به ترتیبی انجام داد که وضعیت استان بهم ریخت و ناامنی و هرج و مرج بر استان حاکم شد.

◀ در همان حال، در این روزها، در آبادان و خرمشهر، به دنبال برکناری غیر مترقبه مدیر منطقه تجاری خوزستان، درگیری هایی در این دو شهر به وجود آمده اند: مدیریت اقتصادی این منطقه تجاری به فردی از نیروهای سپاه پاسداران به نام عباسی داده شده بود که از اتفاق، در مدت مسئولیت خوب کار کرده است. خوب کار کردن او موجب شده بود برخی از افراد سپاه که او زیر بارشان نمی رفته، اقدام کنند و بدون اینکه به عباسی اطلاع دهند و بدون هماهنگی با مسئولان استان، فرد دیگری را به جای او نصب کرده اند. زمانی که وی قصد سخنرانی در یک مجمع را داشت با نامه انتخاب جانشین خود مواجه شد و این امر موجب شد مردم این دو شهر دست به تظاهرات بزنند و به دنبال آن، نیروهای گارد وارد این دو شهر شوند و به مقابله با مردم بپردازند. امام جمعه خرمشهر از مسئولین می خواهد این نیروها را از خیابانها جمع کنند و گرنه هرگونه مسئولیت این برخوردها بر عهده آنها خواهد بود. امام جمعه در سخنرانی خود از کارهای خوب عباسی دفاع و از مردم می خواهد از او حکایت کنند:

این طور به نظر می رسد که اختلافات در خوزستان، این استان مرزی، بسیار سخت و پیچیده شده اند. به گونه ای که سپاه این استان که خود مسئله دار بوده به تازگی با خطر از هم پاشیدگی روبرو شده است و احتمال درگیری هایی در این خود سپاه بوجود آمده است.

با توجه به تغییر پی در پی مدیران در کشور، عمر یک مدیر در ایران به سه روز رسیده است و این مایه پیدایش اختلال در اداره امور کشور شده است. عموماً مدیران از افراد رده های دو و سه سپاه پاسداران و یا دانش آموختگان دانشگاه امام صادق و امام حسین و... می باشند که در امور مدیریت فاقد صلاحیت هستند. به همین دلیل به صورت پی در پی دچار تغییر می شوند. هنوز مدیری نیامده تا جای خود را پیدا کند حکم برکناری او بر اساس بغض ها و حب ها داده می شود.

* پدر زن نیز از احمدی نژاد برید:

◀ سردار خورشید که پدر همسر احمدی نژاد است، از در مخالفت با داماد خود در آمده است. از این رو از کلیه کارهایی که به او سپرده بود، بر کنارش کرده اند. او که گروه حمایت از رییس جمهوری را رهبری

می کرد، در این روزها، به خاطر اعمال نسنجیده احمدی نژاد، از او کناره گرفته است. این شخص، در جریان انتخاب احمدی نژاد، با دخالت های بسیار در مراکز بسیج و سپاه و مذاکرات پی در پی، زمینه نامزدی ریاست جمهوری و رسیدن احمدی نژاد به این مقام را فراهم آورده بود.

* حسین شریعتمداری و نقش او:

◀ حسین شریعتمداری این مهره ووابسته و بحران ساز در کلیه امور کشور دخالت های آشکار و پنهان دارد. او حیطه نفوذ خود را روز به روز گسترش می دهد. این مهره آلوده به جنایت و کشتار، معلوم نشد در روزهای اول انقلاب از کجا سر در آورد. اما ماهیت قدرت پرستانی را شناخت که در پی تصرف دولت بودند. پس کار خود را با در آمدن به خدمت کمیته ها شروع کرد. سپس با ورود به سازمان صدا و سیما کار «پاکسازی» را شروع کرد.

همزمان، در دادگاههای انقلاب و دادستانی و در کنار لاجوردی قرار گرفت و تواب گری را شیوه کرد. از راه بازجویی های وحشیانه مخالفان استبدادیان، توانست عده بسیاری را توبه دهد. باز او یکی از عوامل تحریک دانشجویان در لانه جاسوسی بود. و در روزهایی که سفارت امریکا در اشغال «دانشجویان خط امام» بود، برای دانشجویان، دعا تفسیر می کرد. همزمان با همه این کارها، در بخش بررسی های سپاه پاسداران، در بحران سازی، دست بکار شد. بعد از کودتای خرداد ۶۰ و تشکیل واواک، در کنار سعید امامی و ذوالقدر و صفار هرنندی، در ارتکاب همه جنایت ها، شرکت جست.

او را مدیر مسئول کیهان کردند. از آن پس، پرونده سازی شد که با انتشار پرونده های ساختگی در کیهان، زمینه ساز دست بکار سرکوب شدن دادگاه انقلاب شد. با همکاری واواک و صدا و سیما و دادگاههای انقلاب، به جان شخصیت های سیاسی آزادیخواه و سازمان های سیاسی برنامه های هویت را برای سعید امامی تولید کرد و از صدا و سیما پخش کرد. بعد از آن برنامه چراغ را تولید کرد و صدا و سیما آن را پخش کرد.

او مدیر و مدرس سازمانی نیز بود که افراد، از جمله آنتانی را که از حوزه علمیه قم به خدمت دادگاه انقلاب و واواک می رفتند را تعلیم می داد.

او در حال حاضر با نزدیکی به گروه احمدی نژاد، از قدرت بسیار زیاد برخوردار است. مرکز تحقیقات کیهان با واواک و به عنوان زیر مجموعه این وزارت کار می کند.

تقریباً کلیه اعضای کیهان به کارهای کلیدی در حکومت احمدی نژاد منصوب شده اند. تقریباً کلیه مقامهای وزارت ارشاد در دست افراد کیهان هستند.

توریه!؟

او اینک خود را «رهبر بچرخان» و رییس جمهوری تراش و حکومت ساز می بیند و ارتباطات نزدیکی با برخی از وابستگان به انگلیس دارد.

* چگونگی وزیر شدن در این رژیم:

◀ اسکندری چگونه به وزارت کشاورزی رسید؟ بنا بر آنچه مدیران این وزارت خانه می گویند این شخص از کارکنار رده دهم این وزارتخانه بوده است. نه معلومات لازم و نه تجربه و نه کفایت تصدی این مقام را دارد. لازم شد چگونگی وزیر شدنش تحقیق شود. نتیجه تحقیق این شد که او از بستگان موسوی جزایری، «نماینده ولی فقیه در استان خوزستان» می باشد. در زمانی که قرار بوده است وزرا میان قدرتمندارها تقسیم شوند، با اینهمه، جلالی، از مدیران با سابقه و کارآمد وزارت کشاورزی به این مقام برگزیده می شود، موسوی جزایری پس از شنیدن خبر، اسکندری را با خود از خوزستان به «بیت رهبری» می آورد و می گوید: تا مقام وزارت کشاورزی را برای اسکندری بگیرم، از بیت خارج نخواهم شد.

مسئولان «بیت رهبری» سعی می کنند به او حالی کنند که وزیر کشاورزی انتخاب شده است. اما از عهده او بر نمی آیند. سرانجام، این وزارتخانه را به این فرد نادان و بی کفایت می سپرند. طرفه این که از افرادی که با این وزیر به این وزارت خانه آمده اند، یکی جوانی است حدود ۲۶ ساله که معاونت جوانان این وزارت خانه را برعهده دارد. نام او فیضی خواه است. زمانی که به تهران آمد حتی پول اجاره خانه را به تهران نداشت. اما در این دو سال، او توانسته است خانه ای در حدود ۲ میلیارد تومان در خیابان شریعتی تهران برای خود خریداری نماید.

* گروه بندیها و اختلافها در سپاه دارند شکل قطعی بخود می گیرند:

• گروههای محسن رضایی و شمخانی و قالیباف و علایی کم کم در حال نزدیکتر شدن و نزدیکتر کردن نیروهای هوادار خود در سپاه هستند. این ائتلاف در حال بررسی اختلافهای به وجود آمده در سپاه و جمع آوری نیروهایی هستند که از اطراف احمدی نژاد پراکنده می شوند.

محسن رضایی در «همایش ایران ۱۴۰۴ از حرف تا عمل» که روزنامه خراسان ترتیب داده، گفته است: احمدی نژاد، صادق محصولی و فتاح، اینها نیروهای دست شش هستند. افرادی مانند فتاح و محصولی از کسانی بوده اند که در سپاه به حساب نمی آمده اند. او در مورد احمدی نژاد هم گفته است: او توان ریاست جمهوری را ندارد. تنها در حد یک استاندار قابلیت دارد. به همین دلیل است که می بینیم برخی اوقات واکنش هایی آنچنانی از خود نشان می دهد. او در حد آقای هاشمی و آقای خاتمی نیست. آنها سالها در سیاست بوده اند و آقای احمدی نژاد در یک استان استاندار بوده است. او نمی باید به ریاست جمهوری می رسید.

• در همان حال، شمخانی که از شرکت کنندگان در کودتای سال ۶۰ بود، در یک سخنرانی، در همایش

از آن سرپیچی نمایند خود راسا آن را به اجرا می گذارند. در کارهایی که در این دوره ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد راسا دستور داده و تصمیم گیری کرده است این گروه بوده اند که در این تصمیمات دخیل بوده اند و وزرا در این موارد نه نظر داده اند و نه صاحب رأی بوده اند. نمونه هایی از تصمیم های حکومت اصلی:

- تغییر ندادن ساعت در شبانه روز
- تغییر ساعت کار بانکها
- پایین آوردن سود بانکی که در بلاروس انجام شد با تمام مخالفت هایی که مسئولین اقتصادی کردند.
- تغییر مدیران و بر سر کار آوردن مدیران جوان و بی تجربه بدون در نظر گرفتن سابقه. تازه ترین موارد آنها، تغییر مدیر عامل شرکت بیمه و استاندار خوزستان بودند که واکنش برانگیختند.

- سیاست هسته ای خاص احمدی نژاد که با سیاستی که لاریجانی باید به اجرا بگذارد نیز هم آهنگ نیست.
- انتخابات شورای شهر و مجلس خبرگان
- دخالت در جریانات سیاسی در

کشورهای دیگر
- انکار هولوکاست و اسرائیل می باید از صفحه تاریخ پاک شود. که این روزها، منکر می شود و برایش این و آن توجیه را می سازد.
- بدرقه رسمی ملوانان و تفنگداران انگلیسی
- و ...

و کارهایی هم هستند که احمدی نژاد واکنش می شود و انجام می دهد: مثل ماجرای بخشیدن روستای خسرو شیرین به ابهر و سخن او در باره تجدید رابطه با مصر و...

* گروه دومی که در حکومت احمدی نژاد، حکومت تشکیل داده اند را متصدیان ترورهای سیاسی، آدم ربائی ها و کشتار زندانیان تشکیل می دهند:

◀ یکی از چهره های اصلی ترورها و ربایش های سیاسی ها به کمک یاران خود آمده است: خسرو از جمله کسانی بود که زمانی که انقلاب شد و قرار شد به حوزه برود، نام خود را به روح الله تغییر داد. آقا خسرو می دانست که به کارهایی وارد می شود که به نام در خور خود نیاز دارند.

آقا خسرو بعد از ورود به حوزه علمیه، به مدرسه حقانی رفت. نزدیک شدنش با مصباح یزدی و همدستانش، او را به این نتیجه رساند که خشونت، آنهم از نوع «اسلام انقلابی و ولایتی» می تواند او را صاحب همه چیز کند. وقتی که سال ۶۰ شد و کودتا بر ضد رییس جمهوری منتخب مردم توسط کودتاگران انجام شد و انقلاب مردم مهربان ایران توسط عده ای که بویی از انقلاب نبرده بودند به بهانه های مختلف از دست صاحبان اصلی آن ربوده شد، درگیری هایی در کشور برای برگرداندن انقلاب به راه اصلی خود آغاز شد.

در صفحه ۶

پیشکسوتان جبهه و جنگ و رزمندگان، گفته است: اصولگرایی که به جبهه نرفته باشد مانند مسلمانی است که نماز نخوانده باشد. این حرف را در باره افرادی زده است که به تازگی به مقام مدیریت رسیده اند و ادعای اصولگرایی می کنند.

شمخانی در یک دیدار خصوصی با برخی از نزدیکان خود در سپاه گفته است: این بچه های تازه به دوران رسیده که در دور و بر آقای احمدی نژاد هستند چنان رفتار می کنند که گویا من و حاج محسن از امریکا به ایران آمده ایم. تحمل این رفتار خیلی برای ما سخت است. بچه هایی که در دوران مقاومت هنوز به مدرسه می رفته اند حالا بیایند و ادعا کنند که آنها هستند که باید در مورد ایران و انقلاب ایران تصمیم بگیرند.

• با توجه به عمق نارضائی و شدت اختلافها که اینگونه اظهارات بازگو می کنند، در حال حاضر، در سپاه گروه بندی های زیر شکل گرفته اند:
۱- گروه به اصطلاح کودتاگران. رضایی و شمخانی سر این گروه هستند.

۲- گروه رحیم صفوی که اصلاً احمدی نژاد را جزء آدم به حساب نمی آورند و می گویند: اینها کف روی آب هستند و از ما نیستند. به همین دلیل است که هواداران رحیم صفوی وارد این بازی ها نشده اند و تنها بخش اقتصادی را در دست دارند
۳- گروه هوادار احمدی نژاد
۴- گروه هوادار ذوالقدر
۵- گروه هوادار مرتضی رضایی
۶- گروه «اقتصادیون»

این گروهها سپاه را به هم ریخته اند

• «اقتصادیون» سپاه که فکر می کردند با استفاده از کار ارزان سربازان می توانند کارهای عظیم اقتصادی را انجام دهند، به مشکل برخوردند. بسیاری از طرح که قراردادشان را با حکومت و صنایع دولتی بسته اند، به خاطر عدم توانایی انجامشان، به شرکتهای خصوصی واگذار کرده اند. قرار شده است در سال جاری، سپاه کارها را با بستن قرارداد از حکومت بگیرد و به دریافت درصد، به شرکتهای خصوصی واگذار کند.

* حکومت در حکومت یا حکومت اصلی که در سایه تصمیم ها را می گیرد و به وزیران ابلاغ می کند:

احمدی نژاد دو حکومت تشکیل داده است: حکومتی که تصمیم ها را می گیرد و در سایه قرار دارد و هیأت وزیران او. اعضای حکومت اصلی او عبارتند از:

علی سعید لو - زریبافان - هاشمی ثمره - مجتبی اعلائی - برقی - صادق محصولی - محمد علی رامین - بذر پاش
اعضای این گروه همواره با هم هستند. در مورد مسائل بدون اینکه به دیگران و نظرات کارشناسان و مشاور و معاون و وزیر توجه کنند، خود به تنهایی، تصمیم می گیرند و به وزرا ابلاغ می کنند. در صورتی که وزرا



ولی کودتاگران و در رأس آنها، خمینی و دستیارانش، هاشمی رفسنجانی و بهشتی و خامنه ای و موسوی اردبیلی و گروه امریکاییان و ... همه با هم در یک خط قرار گرفتند و در سرکوب مردم از یکدیگر پیشی می گرفتند

در این میان، جلادان و جنایتکاران برای اینکه بتوانند مردم را به راحتی سرکوب کنند عده ای جوجه آخوند که روحیه جنایتکاری در آنان مشهود بود را برای آموزش جنایتکاری، به دادگاههای انقلاب ساخته شده توسط خمینی فرستادند تا در آنجا بدون اینکه اطلاعی از دادگاه و حق و حقوق و عدل و داد و ... داشته باشند، آنگونه که خود تشخیص می دهند در خدمت دولت سلسله روحانیت، قرار گیرند و موانع استقرار این دولت را سر به نیست کنند. اجازه یافتند هر چقدر از مردم را که خواستند بکشند. در این میان به افرادی همچون میر حجازی - فلاحیان - - نیری - محمدی عراقی - حسینیان - علی رازینی - رهبر پور - محسنی اژه ای - مبشری - اراکی - پورمحمدی بیریا - هادی غفاری - موسوی تبریزی و دعاگو و تحت نظر بزرگان خود، همچون خزعلی و جنتی و بهشتی و موسوی اردبیلی و ... به حرفه جنایت مشغول شدند. این عده نه درسی خوانده بودند و نه تجربه داشتند. کار خود را با صدور حکم اعدام و قتل شروع کردند. حسینیان بی جا نمی گفت: ما خود یک پا قاتلم.

به هر حال، آن زمان این بچه آخوند ها را برای تشخیص و نابود کردن جوانان به دادگاههای استانها فرستادند تا در آنجا دوره آموزشی خود را بگذرانند و هر کس در این مدت کوتاه توانسته بود بهتر از همه جوانان را سلاخی کند به مقامهای بالاتر ارتقاء می یافت. از جمله آنها، آقا خسرو بود که ترقی کرد.

وی با جدیت و تلاش بسیار در کوتاه زمان دهها تن از جوانان کشور را به میدان اعدام فرستاد. بعد از آن، در کنار فلاحیان و محسنی اژه ای و رازینی و پورمحمدی و ... قرار گرفت. از آن زمان به بعد، در مقامهای مهم قضایی و اطلاعاتی و مطبوعاتی مانند عقرب حرکت کرد و در هر مقامی که قرار می گرفت، در دادگاه انقلاب و دادگاه ویژه مطبوعات و دادگاه ویژه روحانیت و دادگاه انقلاب و دادگاه مخصوص فتوای اعدام مرتدین و دادگاه های ویژه وزارت اطلاعات و دادستانی های مختلف، تنها به فکر ماندن بر قدرت و صعود در سلسله مراتب بود. برای وصول به مقصود، از هیچ جنایتی روی گردان نبود و به هیچ کس رحم نمی کرد.

آقا خسرو بارها در حمایت از سعید امامی مهره بیچاره ای دفاع کرد که به دست دوستان خود به قتل رسید. دفاع او آشکار کرد که تمام ترورهای سیاسیون در داخل و خارج از کشور، توسط سازمان ترور انجام گرفته و افراد سطح بالای اوواک و سپاه در آنها نقش اصلی رداشته اند. این آقا خسرو که تنها خود را می بیند و هر نظر مخالف را ارتداد می خواند، از جمله سه قاضی ای بود که در جنایتهای سیاسی که رژیم به آنها

توریه!؟

اما باید به این نکته اشاره کرد که باند حاکم بر ایران همانهایی هستند که در زمان سعید امامی از یاران و همکاران او بوده اند و هم اکنون نیز آنها هستند که در حکومت احمدی نژاد مقامهایی را یافته اند که آنها را به ارتکاب جنایتهای توانا می کند.

● به دنبال تهیه طرح سرکوب دانشجویان و از صدا انداختن دانشگاهها، نقشه های دیگری تهیه و به اجرا گذاشته اند:

- دستگیری با برنامه، برخی از ایرانیانی که در آمریکا، برای پایان دادن به تنش شدید میان امریکا و ایران فعالیت می کنند. اینها از حامیان اصلاح طلبها هستند. هاله اسفندیاری به علت داشتن تماس با هاشمی رفسنجانی توقیف شد. روشی که در توقیف او و دیگران بکار رفته است، همان روش کار است که سازمان ترور و باند مخوف تروریست و آدم ربا داشته اند:

در زمانی که هاشمی رفسنجانی رییس جمهوری بود و علی فلاحیان وزیر و اوواک و حسینیان قاضی زندان اوین بودند، به ناگاه شاخه خروج نویسنده ایرانی فرج سرکوهی در ایران پیچید. به این صورت که مسئولین اوواک می گفتند او از ایران به سوی آلمان پرواز کرده و در آلمان نیز پاسپورت او مهر ورود خورده است. حال آنکه او را در فرودگاه ربوده و به زندان برده بودند. هرگاه در همان روز، محل زندان او، در یک خانه تیمی متعلق به اوواک، در خارج از کشور اعلان نشده بود، ای بسا او را سر به نیست می کردند.

● این روزها علی شاکری را ربوده اند. در امریکا، در دانشگاهی، او در مؤسسه ای کار می کند که مخالف جنگ است و برای صلح کار می کند. او را در فرودگاه ربوده اند. مسئولین اوواک می گویند: او دو بار از فرانسه با خانواده اش تماس گرفته است اما دوستان و خانواده اش می گویند وسایل او را در فرودگاه، از قسمت بار، پس گرفته اند. این گونه آدم ربائی ها در تخصص اوواک است و بارها دست به آدم ربائی زده است. بسیاری را ربوده و کشته و جنازه هاشان را در گوشه کوچکی ای، بیابانی، انداخته است. گم شدن علی شاکری گویای آنست که اوواک و دیگر سر دسته های سرکوب و ترور و مافیاهای نظام ولایت بار دیگر با تمام قوا وارد عمل شده اند. جالب اینجاست که بدانیم از زمانی که خسرو حسینیان مشاور احمدی نژاد شده است این گونه عملیات بیشتر شده اند.

* چرا وزیر آموزش و پرورش استیضاح نشد؟ *

روزی که قرار بود وزیر آموزش و پرورش استیضاح شود، بنا بر نقشه ای که هیات ریسه مجلس مافیها کشیده بود، برخی از « نمایندگان » استیضاح کننده وزیر آموزش و پرورش به ماموریت هایی به استانهای لرستان و گلستان فرستاده بودند تا نتوانند در استیضاح و رأی دادن شرکت داشته باشند. علاوه بر این، عده ای از نمایندگان را هم تهدید کردند که اگر وزیر آموزش و پرورش استیضاح شود وزیر نفت را بر کنار خواهیم کرد.

* اعتراف و دروغ گوئی رحیم صفوی :

در یک برنامه تلویزیونی شخصی به نام رضا رشید پور - که از فرزندان کشته شده ها در جنگ است و از کسانی است که به به صدا و سیما راه یافته اند - در برنامه ای تلویزیونی، از رحیم صفوی پرسیده است:

آقای رحیم صفوی آیا درست است در زمانی که خرمشهر را عراق تصرف کرده بود آقای بنی صدر دستور عقب نشینی داده بود و گفته بود که ما از خرمشهر عقب نشینی کنیم و بعدا با جنگ هایی مانند پارتیان می توانیم آنجا را نجات دهیم؟

رحیم صفوی پاسخ داد او نشنیده است بنی صدر دستور عقب نشینی از خرمشهر را داده باشد و تنها می داند زمانی که خرمشهر تسخیر شده بود و همه گریه می کردند، او گفت: از دست دادن خرمشهر اینقدر مهم نیست که همه اینگونه نارحت شوند و حتی اگر اهواز را هم گرفتند ما به کوههای خوزستان و دز قول میرویم و در آنجا در مقابل عراق دفاع می کنیم و با جنگهایی که مانند پارتی ها بود در برابر آنها می ایستیم و کشور را آزاد می کنیم (۱)

در این گفتگو، رحیم صفوی این اعتراف را بر زبان آورد: ما اصلا انتظار حمله عراق را نداشتیم ولی زمانی که عراق حمله کرد بسیار قدرتمند شده بود و ما توان مقاومت در مقابل نیروهای مجهز آن را نداشتیم ولی با این وجود در خرمشهر حدود ۲۴ روز مقاومت کردیم و در نهایت تنها بخشی از آن را به عراق واگذار کردیم (۲) او که متوجه شد با اعتراف خود، دروغهای سه دهه سران رژیم و نظائر خود را در باره بنی صدر تکذیب کرده است، دروغ دیگری گفت: آقای بنی صدر به نیروهای بسیجی کمک نمی کرد. (۳) بر این دروغ، دروغ دیگری افزود: آقای بنی صدر سیاستش این بود که با مذاکره با امریکا بتواند مقابل هجوم عراق بایستد ولی نیروهای ارتشی و بسیجی خود راسا در این کار دخالت کردند و در مقابل عراق ایستادند. (۴)

۱ - به ترتیبی که در کتاب نامه ها(نامه های آقای بنی صدر به آقای خمینی) آمده است، پیش از حمله عراق به ایران، در کرمانشاه، در اجتماع مسئولان ارتش و سپاه و با حضور رجائی، نخست وزیری که خمینی تحمیل کرده بود، سرلشکر شهید فلاحی، جانشین رئیس ستاد ارتش گفت: با توجه به بلائی که بر سر ارتش آمده است (از هم پاشیدن شیرازه آن توسط ملاتاریا)، در صورت حمله عراق، بیشتر از ۴ روز نمی توانیم مقاومت کنیم. مسئولان سپاه گفتند: مهم نیست. می گذاریم قوای عراق مناطقی را اشغال کنند بعد بشیوه چریکی به جان آنها می افتیم!

رئیس جمهوری خطاب به مسئولان ارتش و سپاه گفت: از وجب به وجب وطن دفاع می کنیم. شما ۴ روزی را که می توانید با جان و دل با متجاوز بجنگید، از روز پنجم بعد، مسئول دفاع از ایران، مردم ایران و منتخب آنها است.

حال اگر در دروغ رحیم صفوی توجه کنیم می بینیم در دروغی که ۲۶ سال است تکرار می شود، تغییرهای مهم داده است: زمان آن را بعد از تصرف بخشی از خرمشهر گردانده است. مدعی است که بنی صدر گفته است به کوههای خوزستان می رویم و کشور را آزاد می کنیم. دروغگو نمی داند که منطقه جنگ دشت خوزستان

بود و با رفتن به کوهها نمی شد ایران را آزاد کرد. و اگر بنی صدر به نظر مسئولان سپاه عمل می کرد، مناطق نفت خیز خوزستان به تصرف عراق در می آمد و ایران توان مالی و در نتیجه نظامی راندن متجاوز را از دست می داد. و بالاخره، دروغی که می گوید بی اطلاعی او را از شیوه جنگی پارتیها گزارش می کند. در حقیقت، پارتیها زیر فشار دشمن زمین از دست نمی دادند تا بعد بشیوه چریکی دشمن را به ستوه آورند و وادار به رفتن کنند. حمله جنگی بکار می بردند: از برابر دشمن می گریختند و دشمن بگمان شکست قشون ایران، آن را دنبال می کرد و در دام می افتاد.

۲ - خرمشهر را یازده گروهی به تصرف عراق دادند که ملاتاریا فرستاده بودند از شهر دفاع کنند. نه تنها رحیم صفوی دروغ می گوید که بنی صدر گفته است تصرف خرمشهر و حتی اهواز از سوی قوای عراق مهم نیست، بلکه بنی صدر بر سرنوشت وطن خویش که ملاتاریا با آن بازی می کرد، گریست. دستش را از امور نظامی کوتاه کرد. بلادرنگ، لشکر خراسان را مأمور دفاع از خرمشهر و آبادان کرد. این لشکر، آبادان را از سقوط نجات داد و بخشی از خرمشهر را نیز پس گرفت.

۳ - دروغ رسوا تری می گوید وقتی مدعی می شود بنی صدر به قوای بسیج کمک نمی کرد. لابد به نظر این دروغگو بنی صدر می باید می گذاشت شهرهای دیگر خوزستان نیز مثل خرمشهر سقوط می کرد تا بگویند او به بسیج کمک می کرد!

حقیقت اینست که آن زمان، سپاه ۲۰ هزار نفرات داشت که در شهرهای مختلف وسیله استقرار حاکمیت ملاتاریا بود. به قول فرماندهانش افراد سپاه حتی تیراندازی با تفنگ را نیز نیاموخته بودند. یعنی سپاه نیروئی به حساب نبود تا بنی صدر به آن کمک کند. متأسفانه می باید ۸ سال جنگ را ادامه میدادند تا ارتش فرسوده شود و یک نسل قربانی شودو آنگاه سپاه نیروی مسلحی بگردد تا دیروز ستون فقرات رژیم ملاتاریا و امروز ستون فقرات رژیم مافیاهای نظامی - مالی بگردد.

آنچه بنی صدر نمی خواست این بود که جوانان کشور در سازمانی نظامی، به خدمت ملاتاریا در آیند، ستون پایه ای از ستون پایه های استبداد جنایت و خیانت و فساد گستر بگردد و مردمی را که به یمن انقلاب خویش، ولایت را از آن خود کرده و حق تصمیم جسته بودند را از صحنه براند و عامل استبداد وابسته بر ضد مردم، در استقلال و آزادیشان بشود. آنها که در سپاه هستند و کرامت انسانی خویش را از یاد نبرده اند، می دانند حق با چه کسی بود. بر آنها است که ننگ را با پایان دادن به نقش سپاه بمتابیه مهمترین ستون پایه استبداد وابسته، بشویند و به خدمت وطن خویش در آیند.

رحیم صفوی اعتراف مهمی می کند و دروغ ملاتاریا را آشکار می کند وقتی می گوید ماهیچ باور نمی کردیم عراق به ایران حمله کند. زیرا اداره اطلاعات ستاد ارتش گزارشی در باره تدارک عراق برای حمله به ایران تهیه کرده بود. این گزارش، به دستور رئیس جمهوری، توسط سرلشکر فلاحی و سرهنگ کتیبه، رئیس وقت اطلاعات ارتش، برای خمینی تشریح شد. در روزهای بعد، خمینی به بنی صدر گفت: این گزارش دروغ است. هیچکس به ایران حمله نمی کند. این دروغها را قشونی ها می سازند تا پای آخوند را از ارتش قطع کنند!

آیا اعتراف امروز رحیم صفوی به این معنی است که اداره اطلاعات سپاه، یعنی محسن رضایی و دسته او ضد گزارش تهیه کرده و به نژد



خمینی برده و او را مطمئن کرده اند که هیچکس به ایران حمله نمی کند؟
 ۴- رحیم صفوری دروغ بس شکفت و رسوای دیگری ساخته وقتی گفته است بنی صدر سیاستش این بود که با مذاکره با آمریکا بتواند مقابل هجوم عراق بایستد!!

این «توریه» سخت ساده لوحانه ساخته شده است! زیرا
 ۴/۱ - عراق به حمایت آمریکا و عربستان و کشورهای خلیج فارس به ایران حمله کرده بود. بنی صدر خاطر نشان می کرد: از کودتای خرداد ۶۰ بدین سو، نیز آتقدر بر اظهار حقیقت استقامت کرد تا سرانجام،

سندها حقیقت را باز گفتند.
 ۴/۲ - مقامهای وقت آمریکا، یعنی کارتر و مشاور امنیتی او و...، کلمه ای در باره مراجعه بنی صدر به آمریکا نگفته و ننوشتند. در عوض، نوشته و گفته اند بنی صدر آمریکا را متهم می کرد و می کند که عراق را به جنگ با ایران برانگیخته است.

۴/۳ - اما اگر در سندی و در قولی از قولهای مقامهای آمریکا کلمه از مراجعه بنی صدر به آنها نیست، از مراجعه آقای خمینی به آنها شرحهای مفصل انتشار یافته است: بر خلاف قانون اساسی، بدون اطلاع رئیس جمهوری و بدون داشتن اختیار قانونی، خمینی صادق طباطبائی را به نزد کنش، وزیر خارجه وقت آلمان فرستاد تا واسطه گفتگوی او و آمریکائیان شود و کریستوفر، معاون وقت وزارت خارجه آمریکا به آلمان آمد و بر سر آزادی گروهگانی با صادق طباطبائی گفتگو کرد. نشانه مأموریت صادق طباطبائی از سوی خمینی نیز این شد که آمریکا شرایط آزاد شدن گروهگانی را تهیه کند و خمینی همان شرایط را بعنوان شرایط ایران، اعلان کند. و این طور شد.

در همان حال، فرستاده های دیگر خمینی، با گروه ریگان - بوش وارد معامله پنهانی بر سر گروهگانی شد. چون این معامله - که افتضاح اکتبر سورپرایز نام گرفت - انجام شد، گروهگانی پیش از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا آزاد نشدند. پس از آن، حکومت کارتر به قول خودش ایران را نقره داغ کرد و گروهگانی را پس گرفت.

۴/۴ - سیاه و بسیج و...، تحت امر ملاتاریا، جنگ را بمدت ۸ سال، در سود انگلستان و آمریکا و اسرائیل ادامه دادند زیرا می خواستند استبداد ملاتاریا را بپوشانند و سبب را جانشین ارتش و ستون فقرات این استبداد بگردند. توجیه فرماندهان سیاه، بر ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر و پذیرفتن پیشنهاد هیأت کنفرانس اسلامی و نیز پیشنهاد گرامت، بسیار گویا است:

مجلسه پیام انقلاب (۱۶ مرداد ۱۳۶۱)، ارگان سیاه پاسداران انقلاب اسلامی، ادامه جنگ را حتی بعد از فتح خرمشهر، این سان توجیه می کند. یادآور می شود که گفته شده است این بار نیز کشورهای عرب آماده بوده اند به ایران خسارت بپردازند. متن توجیه نیز حاکی از صحت این اطلاع است:

« آمریکا در نظر داشت که با برقراری صلح، به خواستهای رفاهی مردم ما، دامن زده و گروههای مفسد و محارب و آلت دست خویش، در سطح داخل، ضمن تعرض بر حاکمیت خط امام، با تکیه بر ضعفها و کمبودهای طبیعی بعد از جنگ، گروههای وابسته را رشد داده و با حداقل منابع اطلاعاتی و جاسوسی خویش را که در دوران جنگ تا حدود زیادی از دست داده بود، تکمیل کند.»

۴/۵ - آلن گلارک، وزیر دفاع در حکومت تاجر، در دادگاه فروش غیر قانونی اسلحه به ایران و عراق (ایران

توریه!؟

امریکا و سفیر امریکا با صدام بقصد برانگیختن او به تجاوز نظامی به ایران. از این همه، خمینی یکی را هم ندید و پس از آن که جانشین رئیس ستاد و رئیس اطلاعات ارتش گزارشی پیرامون آماده شدن ارتش عراق برای حمله به ایران به او دادند، او به رئیس جمهوری گفت: اینها همه دروغ است. هیچکس به ایران حمله نمی کند. اینها را ارتشی ها ساخته اند پای آخوند را از ارتش قطع کنند!

انقلاب اسلامی: خبر زیر در باره قرارداد خائنه الجزایر است که حکومت رجانی به دستور خمینی، با حکومت کارتر امضاء کرد. در باره این گزارش دانستن این واقعیت ها حق هر ایرانی و در شان انسانهای مسئولیت شناس است:

*گزارش تحقیق و تفحص مجلس مافیایا در باره قرارداد الجزایر: خائنه بود:

◀ در ۶ خرداد ۱۳۸۶ خبر آماده شدن گزارش تحقیق و تفحص مجلس مافیایا در باره قرارداد الجزایر انتشار یافت: به گزارش الف. عسگری نایب رئیس کمیسیون اصل ۹۰ و عضو هیئت تحقیق و تفحص مجلس در باره دیوان داوری لاهه گفت: تحلیل و بررسی فنی و حقوقی « بیانیه الجزایر » و قرارداد امضاء شده بین آقای بهزاد نبوی طرف ایرانی و سایروس ونس وزیر خارجه کارتر طرف آمریکایی، دقت در هزاران برگ سند موجود در لاهه، دفتر خدمات حقوقی، کمیسیون اصل ۹۰، دیوان محاسبات و استماع گزارش مسوولین قبلی پرونده از جمله بهزاد نبوی و افتخار جهرمی و همچنین مسوولین فعلی از جمله معاون حقوقی رئیس جمهور و مسوولان دفتر خدمات حقوقی و داوران و دستیاران آنها در لاهه در گزارش منظور نظر قرار گرفته است.

از فرصت طلایی در اختیار بودن گروهگانیهای آمریکایی و ضعف دولت کارتر با توجه به شکست حمله نظامی آمریکا به ایران در صحرای طیس در قرارداد استفاده نشده است. متأسفانه پذیرش بازگشایی حساب تضمینی با رقم پولی بالا برای برداشت آمریکاییها بشکل یک سوبه و قبول تابعیت مضاعف، سازوکار دیوان را برفع آمریکایی ها رقم زده است.

وی در پاسخ به این سؤال که امام راحل قدس سره حل و فصل قضیه گروهگانیهای آمریکایی در تسخیر لانه جاسوسی را به مجلس سپردند و کمیسیون ویژه مجلس چهارم شرط مهم در این رابطه تعیین کرده بود (۱) آیا به این شرایط عمل شده است یا نه؟ گفت: به تکتک مهمی اشاره کردید، بگذارید ابتدا چهار شرط مجلس شورای اسلامی را مرور کنیم. آن شرایط عبارت بود از:

- ۱- رفع انسداد از دارایی های ایران
 ۲. ختم کلیه دعاوی علیه ایران
 ۳. بازگرداندن اموال شاه و خانواده وی به ایران
 ۴. پذیرفتن عدم دخالت در امور داخلی ایران از سوی آمریکا
- در پاسخ باید عرض کنم: مسوول انعقاد قرارداد در دولت وقت شهید رجایی و طرف مذاکره کننده با مقامهای آمریکایی (بهزاد نبوی)

توضیحاتی را در این رابطه داده اند ولی توضیحات قانع کننده نیست. برای اینکه در عمل رفع انسداد کامل از داراییهای ایران صورت نگرفت و چون داوری مورد پذیرش قرار گرفته در مورد ختم دعاوی آمریکا هم نتیجه عکس شد بطوریکه دعاوی حقوقی زیادی علیه ایران در دیوان لاهه مطرح شده و پس از محکومیت ایران از همان حساب تضمینی ایران که شبیه به ترکمن جای بوده است پول های زیادی برداشت شده و غارت علیه ایران به انجام رسیده است. در مورد شرط سوم که بازگرداندن اموال شاه و خانواده وی به ایران باشد هم کاری صورت نگرفته، با این توجه که اموال زیادی را از کشور این خاندان منحوس به خارج بردند و در خارج به کارهای نامشروع خودشان تاکنون ادامه داده اند. در مورد شرط چهارم هم باید گفت آنچه که عیان است چه حاجت به بیان است، همین سالهای اخیر ما شاهد تصویب بودجه در کنگره آمریکا برای براندازی علیه ایران بوده ایم.

از عسگری سوال شد گزارش هیأت در چه تاریخی در صحن علنی قرائت خواهد شد؟ او پاسخ داد: سوابق امر نشان می دهد با توجه به حساسیت موضوع شاید تمام گزارش مصلحت تام برای قرائت در صحن علنی پیدا نکند همانطور که گزارش یکصدوده صفحه ای با امضاء آیت الله سید محمد خامنه ای به مجلس دوم ارائه شد، در صحن علنی مصلحت قرائت پیدا نکرد. در هر حال در مورد قرائت گزارش و یا عدم قرائت آن از تریبون مجلس ما تابع مصلحت نظام هستیم. البته بسیار بجا و مناسب می دانم افرادی در این رابطه با توجه به مستندات محکمی که وجود دارد تحت پیگرد قضایی قرار بگیرند. (۲) این مطلب نظر شخصی بنده است، آیین نامه مجلس این اجازه را می دهد. امید است کار بنده و دوستان همکارم مرضی خدا باشد و شما هم دعا بکنید عاقبت امر ما نمایندگان ختم بخیر بشود و ارواح طیبه شهداء و امام راحل از ما راضی باشد.

انقلاب اسلامی: در باره قرارداد الجزایر و چگونگی اجرایش یادآوریهای زیر بموقع هستند:

۱- در باره این ۴ اصل، دانستی است که
 ۱/۱ - به تریبی که آمد، این ۴ اصل را وزارت خارجه امریکا تهیه و خمینی اعلان کرده است. امریکا به تریبی این ۴ اصل را تهیه کرده است که دست ایران بسته و دست خودش برای نقره داغ کردن ایران باز باشد و در عمل نیز چنین شد.

۱/۲ - با آنکه بنی صدر در باره این چهار اصل که بیشتر از آن را حکومت کارتر پیش از آن موافقت کرده بود، نامه نوشت و در مجلس نسبت به معایب آنها هشدار داده شد، مجلس به این عذر که این ۴ اصل را « امام اعلان فرموده اند » پس از آن که فرصت پیش از انتخابات ریاست جمهوری امریکا گذشت، رأی داد.

۲ - پس از آنکه مجلس به ۴ اصل تهیه شده توسط امریکا رأی داد و حکومت

رجانی را مأمور اجرای آن کرد، این امور واقع شدند:

۲/۱ - فرزند رجانی و دوست او می گویند: او و بهزاد نبوی عمل به این « چهار شرط » را خیانت تشخیص دادند. نزد خمینی رفتند و در بازگشت گفتند: « چون امام می فرمایند می کنیم! »
 ۲/۲ - قرارداد الجزایر را بهزاد نبوی قرارداد وثوق الدوله خوانده بود. زیرا با اجرای آن، ثروت عظیمی از کف ایران بدر می رفت و رفت. با این حال، آن را امضاء کرد.

۲/۳ - چون می دانستند، بنی صدر، رئیس جمهوری، این قرارداد ننگین را امضاء نمی کند و بنا بر قانون اساسی قراردادها با خارجیان را رئیس جمهوری می باید امضاء می کرد، به آن « بیانیه » نام نهادند و خود امضاء کردند.

۲/۴ - روزی که قرار بود این قرارداد خائنه را امضاء کنند، بنی صدر نامه ای به خمینی نوشت (نامه ۲۹ دی به خمینی صفحات ۲۳۴ و ۲۳۵ کتاب نامه ها) و از او خواست مانع از امضای این سند خیانت بشود. غافل از این که به دستور او امضاء می شود!
 ۲/۵ - بنی صدر از به رجانی و بهزاد نبوی بخاطر امضای این قرارداد اعلام جرم کرد.

رجانی و بهزاد نبوی از مجلس تقاضای تشکیل جلسه غیر علنی کردند. در آن جلسه، بهزاد نبوی گفت: هدف آقای بنی صدر نه ما که امام و شما (هاشمی رفسنجانی و بهشتی و خامنه ای) هستیم. زیرا او می داند که ما مجری امر بوده ایم. بنی صدر از مجلس خواست نوار گفتگوها را در اختیار او بگذارند. اما هاشمی رفسنجانی به این عذر که جزء اسناد مجلس است، حاضر به تسلیم نوار نشد. در حقیقت، نمی خواست سند خیانت خود و خمینی و... را در اختیار رئیس جمهوری بگذارد.

۲/۶ - قاضی رسیدگی کننده به اعلام جرم، وقوع جرم را مسلم یافت و آماده صدور دستور توقیف رجانی و بهزاد نبوی شد. موسوی اردبیلی پرونده را از قاضی گرفت و بایگانی کرد. در ایام ریاست غیر قانونی او بر شورای عالی قضایی بود که کودتای خرداد ۶۰ روی داد و ماشین اعدام بکار افتاد. او که امروز مدعی مرجعیت نیز شده است، دستگاهی را اداره می کرد که مرتکب جنایتهای بی مانند در تاریخ ایران شد. از جمله کارهای او و حسن حبیبی که وزیر دادگستری در دوران ارتکاب جنایتهای بزرگ بود، کتاب « غائله ۱۴ اسفند » است. این کتاب سندی ماندگار بر استقامت بنی صدر و دوستان او بر سر استقلال و آزادی و حقوق انسان و در همان حال گزارشی مستند بر آلت استبداد خون ریز و خائن و فاسد ملاتاریا است.

* افزایش شمار بسیجیان در دانشگاه ها بقصد مهار دانشگاهها:

بگزارش ایسنا در دیدار بسیجیان دانشگاهها با خامنه ای (۳۱ اردیبهشت ۸۶) دکتر محمدرضا مردانی رئیس سازمان بسیج دانشجویی در گزارشی از وضع بسیج دانشجویی گفت: هم اکنون ۶۴۹ هزار دانشجو در ۲۶۰۰ دفتر بسیج دانشجویی مستقر در ۷۰۰ دانشگاه سراسر کشور مشغول فعالیتند.

یعنی با توجه به اینکه حدود دو میلیون دانشجو در دانشگاههای دولتی ایران که سهمیه ای هستند در حال تحصیل می باشند می توان گفت که حدود یک سوم تا یک چهارم از دانشجویان از سهمیه استفاده کرده اند و یا از



افرادی هستند که برای مهار دانشگاهها، وارد آن شده اند.

این ارقام نشان می دهند که رژیم همچنان می کوشد با کنترل کامل دانشگاهها، از هر گونه حرکت دانشجویی پیشگیری کند.

افراد در خدمت نیروهای مسلح ایران، ۵ میلیون نفر است. از آنها، حدود ۴ میلیون برای سرکوب و جلوگیری از حرکت مردم است. این ارقام می گویند رژیم بیشتر سرمایه های کشور را صرف تثبیت حکومت خود و تخریب نیروی محرکه ای می کند که جوان ایرانی است.

*هزینه سفرهای خارجی « مقامات نظام »:

هزینه سفرهای خارجی « مقامات نظام » در سال ۸۵ حدود ۷۴ میلیارد تومان بوده است و این نشان می دهد که مارکوبولوهای نظام در این سال چقدر به سفره ای خارجی رفته اند و این در حالی است که حکومت عدالت محور احمدی نژاد دستور به صرفه جویی داده است. میزان افزایش این سفرها در این سال نسبت به سال قبل ۴۸ درصد است. بد نیست بدانیم که بزم پاش یکی از مدیران نمونه احمدی نژاد که معاون جوانان او بوده است در این مدت به بیش از ۱۳۰ کشور جهان سفر نموده است و به همین دلیل به مارکوبولوی کوچکولو معروف شده است.

* احمدی نژاد هم دکترای افتخاری گرفت:

احمدی نژاد با دکترای افتخاری تکواندو: تا به حال هرگاه می خواستند به رییس جمهوری عنوانی افتخاری بدهند او را به دانشگاهی می بردند و بنا بر این با آن ملاحظه، به او دکترای افتخاری می دادند. اما از آنجا که تا دهه هفتاد، این رییس جمهوری از سرکوب گرها و تروریست های به نام بود، تنها عنوان افتخاری که او می تواند به دست بیاورد، در سرکوبگری است. بهمین دلیل، در اندونزی به او عنوان جنگجو داده اند و در آلمان تصویر او را در کنار تصویر هیتلر قرار داده اند.

چون دستش از گرفتن عنوان از یک مؤسسه خارجی کوتاه است، به سراغ فدراسیون تکواندوی کشور رفته است و از آن کمربند سیاه دان هشت را گرفته است. دادن این عنوان به او، به پیچیدگی به اعتبار کسانی که تکواندو تعلیم می دهند و یا می گیرند صدمه نمی زند. این ریاست جمهوری او است که به اعتبار ملت و شخصیت های حقیقی و حقوقی ایران، لطمه می زند.

انقلاب اسلامی: گفتگوهای دو هیأت یکی فرستاده رژیم و دیگری برگزیده حکومت بوش، در ۷ خرداد را دو طرف مثبت ارزیابی کرده اند. اما در گروه پرونده اتمی و نیز دستگیریهایی نیز هستند:

حضور نظامی امریکا در عراق دائمی می شود؟ - گفتگو بر سر عراق مثبت یا بی نتیجه؟ - وصل شدن امنیت عراق به اتم؟ و...:

انقلاب اسلامی: یاد آور می شود که رژیم مافیایا گفته بود ۴ امر را موضوع موضوع گفتگوها می کند: امنیت عراق و تخلیه آن از قوای امریکا و سرنوشت گروه رجوی و آزاد کردن دیپلماتهای ایران» و اینک بوش و وزیر دفاع او عراق را با کره جنوبی مقایسه می کنند و حضور دائمی قوای امریکا را برای امنیت و استقرار قطعی مردم سالاری لازم می بیند. رژیم مافیایا نیز سیاست خود را در عراق تعقیب می کند. از این رو، در قسمت اول قصد امریکا بر دائمی کردن حضور نظامی در عراق و سیاست رژیم در عراق و وضعیت عراق، می پردازیم. در قسمت دوم، به گفتگوها و حاصل آن اختصاص می دهیم. اطلاعات و نظریاتی که در قسمت اول می آیند، بر گفتگوی بغداد و حاصل آن پرتو می افکند. در قسمت سوم، اتصال مسئله عراق را به مسئله اتم و و القاعده و دستگیریهایی به اتهام جاسوسی از زبان خبرها و نظرها، بررسی می کنیم و در قسمت چهارم تهدید پوتین غرب را و تهدید ایران به جنگ و تهدید ایران به تشدید مجازتها و جنگ جهانی چهارم، از نظر خوانندگان می گذرند:

انحطاط امریکا بمتابۀ قدرت جهانی؟ - قوای امریکا در عراق می مانند - وضعیت عراق و سیاست ایران در عراق:

* واپس رفتن های حکومت بوش از دید لوموند (۲۶ مه ۲۰۰۷):

با سقوط پل ولفوویس، یکی دیگر از نمادهای امریکا بعد از ترورهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، فرو ریخت. هرچند مغضوب شدن و کنارگیری از ریاست باتک جهانی، ناشی از خطای شخصی بود، اما تاگزیر از رفتن شدن او در زمانی انجام گرفت که امریکا، با همان انرژی که صرف ساختنش کردند، بکار ویران کردن نظامی هستند: کارهای حکومت بوش نه تنها نزدیک ترین و وفادارترین متحدان امریکا را در بهت فرو برده است بلکه موجب زشت شدن سیمای امریکا در جهان گشته است. و

توریه!؟

هنوز لکه های پلید بر این سیما هستند: گوانتانامو، قوای امریکا بخاطر یافت نشدن راه حل، در عراق هستند و تقویت نیز شده اند. و سواس ناامنی که امریکائیه یافته اند، مانع از آنست که امریکا بتواند میلیونها میهمان را به خاک خود راه دهد.

اما پیروزی دموکراتها در انتخابات ۲۰۰۶ بیانگر تغییر عمیق طرزفکرها در چندین زمینه است. پنداری امریکائیه بعد از خوانی طولانی، بیدار شده اند. امریکائیه نه تنها اشغال امریکا را که خود جنگ با عراق را زیر علامت سؤال قرار داده اند. بوش محبوبیت خود را مرتب از دست می دهد و در همان حال، دموکراتهایی - چون هیلاری کلینتون نامزد ریاست جمهوری - که در ۲۰۰۲ با حمله به عراق موافقت کرده بودند، اینک خواهان تخلیه عراق هستند. بوش در کنگره با کسانی روبرو است که حاضر نیستند بودجه قوای امریکا در عراق را تصویب کنند. کمیسیونهای دو مجلس که به دست دموکراتها افتاده اند، پی در پی جلسات تشکیل می دهند و مسئولان را فرا می خوانند در باره سیاست امنیتی توضیح بدهند. جمهوریکخواه ها نیز خود را در موقعیتی نمی بینند که از حکومت بوش دفاع کنند.

در جریان یکی از این جلسه ها، که در ماه آوریل ترتیب یافت، معلوم شد که وزارت دفاع در تبلیغات دروغ تا آنجا پیش رفته است که عملیات قهرمانانه انجام ناگرفته را فیلم کرده و پخش کرده اند. از جمله، قهرمان کردن پات تیلمن، ستاره سابق فوتبال امریکا، بخاطر تیر خوردن در جنگ افغانستان. در حقیقت، قربانی حادثه تیراندازیهایی واحد خود، شده است ...

جنگ عراق به جنگ میان بوش و کنگره بدل شده است. در این جنگ، بوش موضع دفاعی دارد. بخصوص که محافظه کاران جدید که از نظر ایدئولوژیک جنگ عراق را توجیه می کردند، یا حکومت را ترک گفته اند و با نظر دیروز خویش را منکر می شوند (فرانسيس فوکویاما) و یا ابراز شرمساری می کنند از سرانجامی که جنگ با عراق پیدا کرد (ریچارد پرل). دیگ چنی که پیش از این قدرتمند بود، اینک تضعیف شده است.

بخصوص بر اثر محکوم شدن لوئیس لیبی، رئیس دفتر سابق او بخاطر نقشی که در بی اعتبار کردن مخالفان جنگ با عراق بازی کرده بود. جون بولتن، نماینده امریکا در سازمان ملل از کار بر کنار شده است. دونالد رامسفلد، به دنبال شکست در انتخابات سال پیش، استعفاء کرده است.

جانشین او، روبرت گیت، هیچ فرصتی را برای ابراز فرق خود با رامسفلد از دست نمی دهد. او از کنگره خواسته است به او در یافتن راهی برای بستن زندان گوانتانامو، کمک کند. او با افتضاح بی اعتنائی به درمان زخمی ها در بیمارستانهای نظامی روبرو شده و برخلاف رامسفلد، مسئولان را بر کنار کرده است. و رئیس سابق سیا، ژرژ تنت، در کتابی که به تازگی انتشار داده است، از نقش دیگ چنی و گروه او در ایجاد و اداره جنگ عراق پرده برداشته است.

اما بخصوص این جنگ با عراق است که موضوع سخت ترین انتقادهای

است. انتقادهای بقدری شدید هستند که انتقام ستانی جلوه می کنند. در حقیقت، مطبوعات بصفت رکن چهارم دموکراسی، بر اینست که بمدت ۸ سال حکومت بوش فریبش داده است. رسانه ها که خود را تحقیر شده می بینند، بر آن شده اند که اعتبار خویش را باز جویند. تحقیق در باره زندانیهای مخفی سیا و بیمارستانهای نظامی و انتشار حاصل تحقیق ها، بخاطر اعاده اعتبار است. بر اینها افزوده می شود کتابهایی که در باره دروغ سازی حکومت بوش پیرامون اسلحه کشتار جمعی رژیم صدام انتشار می یابند.

از زمانی که تونی بلر، نظریه « جنگ با تروریسم » را رها کرد، تابو شکست و حالا می توان این دیدگاه را موضوع انتقاد کرد. قانون تحدید آزادیها و ایجاد دم و دستگاه قضائی خاص مبارزه با تروریسم، نیز به زیر علامت سؤال رفته و موضوع انتقاد شده است. در جریان بحثی در پایان ماه آوریل، که مرکز امریکائی - آلمانی تحقیقات مارشال، قاضی دادگاه عالی، استفن بریر، با آنکه تمدا، ه که سخن است، مخالف، خویش را با پرزیدنت بوش در باره آزادی ابراز کرد و افزود: ما نماند قانون دقیقی برای دفاع از آزادیهای همگانی می داشتیم. در همان بحث، تهیه کننده اصلی « Patriot Act »

اعتراف کرد که امریکائیان روز به روز کمتر این قانون را تحمل می کنند. وزیر دادگستری، آلبرتو کنزالس که نقش تعیین کننده ای در توجیه قضائی شکنجه و در توقیف نگاهداشتن بدون محاکمه « رزمندگان دشمن » ایفا کرده است، به لحاظ مسئله دیگری تحت تعقیب است. اما چگونگی تعقیب گویای قصد انتقام از او است. تنها کوندولزا رایس، با آنکه در تصمیم گیری برای جنگ با عراق شرکت داشته است، فعلاً از ضربه هایی که وارد می آیند، مصون است. اما به قیمت سنگین رفتن بسوی گفتگو با کشورهای عضو « محور شر » چون سوریه و ایران و بارها کردن سیاست « استقرار مردم سالاری » در مصر و ... انقلاب اسلامی: اما اگر امریکا چنین رئیس جمهوری و چنین حکومتی را یافته است، نه از راه اتفاق است. این حکومت علامت بیماری، بیماری انحطاط تنها ابر قدرت روی زمین است.

* با وجود اصرار بر زمان بندی شدن خروج قوای امریکا، کنگره بودجه نظامی امریکا در عراق و افغانستان را بدون قید زمان بندی تصویب کرد:

کنگره در ۲۵ مه، لایحه بودجه جنگ را که حکومت بوش پیشنهاد کرده بود، بدون قید زمان بندی خروج قوای امریکا از عراق، تصویب کرد. بعد از سه ماه کشاکش با بوش، رأی دادن به این لایحه، از دید مخالفان جنگ، تسلیم کنگره دموکرات در برابر اراده بوش تلقی شد. در روزهایی که وضعیت قوای امریکا در عراق بدتر می شود، تصویب این لایحه، یک پیروزی بزرگ بود. لوموند (۲۴ مه) می نویسد: دموکراتها تسلیم بوش نشدند تسلیم این واقعیت شدند که با وجود تنها ۵۱ سناتور در مجلس سنا، نمی توانستند از پس وتوی رئیس جمهوری برآیند. جمهوریکخواه ها متحد حامی رئیس

جمهوری ماندند. هرچند میانه روهای آنها نزد رئیس جمهوری رفتند و به او گفتند که در پائیز، دیگر از او حمایت نخواهند کرد.

دموکراتها وعده داده اند که در اول پائیز وقتی بودجه نظامی سال ۲۰۰۸، مطرح می شود، تلافی کنند. نانسی پلوزی، رئیس مجلس نمایندگان که بانفاق رئیس مجلس سنا با رئیس دفتر رئیس جمهوری در باره حذف زمان بندی گفتگو کرده است، می گوید: این معامله را می باید مرحله دیگری از رفتن بسوی پایان این جنگ تلقی کرد. زمان حقیقت، ماه سپتامبر است.

* اما از دید بوش و وزیر دفاع او، زمان حقیقت بس دیر پا است: قوای امریکا در عراق ماندگار می شوند! آیا استقرار دیرپای قوای امریکا در عراق نتیجه توافق با ایران است؟:

استراتفور (۱ ژوئن ۲۰۰۷) مقایسه حضور قوای نظامی امریکا در عراق با حضور این قوا در کره جنوبی، توسط کاخ سفید را موضع ارزیابی و تحلیل قرار داده است:

● معنای اول این مقایسه اینست که امریکا قصد ندارد عراق را به این زودیها تخلیه کند. این مقایسه را تونی اسنو، دبیر مطبوعاتی کاخ سفید، بعد از گفتگوی امریکا با ایران بر سر ثبات و امنیت عراق بعمل آورد. خود گفتگو نتیجه سالها تماسهای پشت پرده است. نفس گفتگو حاکی از پیشرفت و بیرون رفتن از بن بستی است که در آغاز سال مشاهده می شد.

● مقایسه عراق با کره جنوبی نه از راه اتفاق است. این مقایسه گویای توافق عمیقی با ایران است. بدیهی است قوای امریکا کاهش خواهند یافت اما زنده قوا با بیشترین کارائی در عراق خواهد ماند. از پرداختن روز به روز به امنیت عراق خودداری خواهد کرد. ● این باقی ماندن در عراق همان معنی را خواهد داشت که ماندن قوای امریکا در کره جنوبی دارد: حمله به عراق بمنزله حمله به امریکا است. این حضور کمتر به ناسازگاریهای قومی و دینی در عراق و بیشتر به وضعیت در منطقه ربط خواهد داشت: قوای امریکا میان ایران و عربستان سعودی حائل خواهد شد و به امریکا اجازه می دهد در بغداد نفوذی داشته باشد که نفوذ ایران را محدود می کند. عراق کشوری می شود که امریکا امنیت خارجیش را تأمین می کند. هرچند این تضمین، دیرپا نمی تواند باشد. با وجود این،

۱ - برای ایران حضور نظامی حتی وسیع امریکا بهتر از تخلیه عراق توسط قوای امریکا و استقرار یک دولت سنی تحت حمایت است. این همان امری است که تهران بیشتر از همه، از وقوع آن می ترسد.

اگر ایرانیها این راه حل را پذیرفته باشند، امریکا می باید امتیازهای جدی به ایران بدهد.

در رأس فهرست امتیازهای مورد نظر ایران، نقش معنی دار دادن به قوای در امنیت داخلی عراق است که افرادی را ایران تعلیم و تربیت داده است. همراه آن، قوای امریکا بیش از پیش باید از دخالت در امور داخلی ایران بپرهیز کنند. اما امریکا می خواهد بهمان نسبت که از نقش قوای امریکا از عملیات روز به روز در امنیت عراق بکاهد، بر نفوذ خود بر قوای



نظامی و انتظامی عراق بیفزاید. زیرا این نفوذ را وسیله تبدیل نفوذ ایران بر سازمانهای مسلح عراقی می داند.

امتیازی که ایران می خواهد با قصد امریکا (حضور دیرپای قوای خود در عراق) تضاد وجود دارد و بسا ایران حاضر به قبول آن نمی شود. حل این تضاد به اینست که امریکا ایران را در دستگاه نظامی عراق سهیم کند. اگر هم امریکا در اصل با این امر موافقت کند، زمان طولانی لازم است که در عمل نیز با آن موافقت کند. در دو طرف برای عملی کردن چنین سازشی، مهارت بایسته مشاهده نمی شود. وضعیت سخت ناپایدار است. انتخابات امریکا حکومت بوش را ضعیف کرده است و قدرت دولت در عراق از میان رفته است و رژیم ایران دارد بیمار می شود.

● ماندن قوای نظامی امریکا برای دراز مدت با دولت عراق نیز مشکل ایجاد می کند. بسا بعد از آنکه ایران با امریکا به توافق بر سر معامله رسید، ایران نیاز دارد متحدان شیعه خود در عراق را راضی به قبول آن کند. و این امر نیاز به مهار تمامی شیعه ها دارد. سنی ها و کردها بسا معامله را خواهند پذیرفت. با وجود این، شیعه و سنی سخت متشعب هستند. بر آنها سازمانهای اسلام گرای مسلح مسلطند که با حضور درازمدت امریکا در عراق موافق نیستند.

اگر، به احتمال ضعیف، همه اسباب ناموافق با حضور قوای امریکا در عراق به اسباب موافق بدل شوند، قوای امریکا می توانند برای مدتی طولانی در عراق بمانند. گرچه منافع امریکا در مقابله با جهاد گرایان است اما حضور قوای امریکا و مقابله نظامی با جهاد گرایان، بنوبه خود، زمینه ساز قوت گرفتن جهاد گرایان است. از یاد نبریم که عامل پیدایش القاعده، حضور مداوم قوای امریکا در عربستان است.

انقلاب اسلامی: تحلیل ها همواره بی طرف و بی هدف نیستند. تحلیلی از اینگونه بکار بدام انداختن رژیم می آید که وسوسه شود که شریک امریکا در عراق شود. اما غیر از بی آبرو شدن در دنیای اسلام و برانگیختن عراقیها و عربها بر ضد ایران، چنین معامله ای اشتغال به جنگ داخلی عراق را سهم ایران و اشتغال به بردن نفت و مهار اقتصاد عراق را سهم امریکا می کند.

● بعد از دیر مطبوعاتی کاخ سفید، روبرت گیت، وزیر دفاع امریکا نیز گفت: حضور نظامی امریکا در عراق دراز مدت خواهد بود.

* عراق پاره پاره گشته و هر پاره در در دست یکی از گروههای مسلح است:

● امریکائیا در هفته آخر ماه مه، امنیت منطقه کردستان عراق را به کردها واگذار کردند. تازه معلوم شد که این منطقه در دست سه گروه مسلح است و خود به سه منطقه «خودمختار» تقسیم می شود: منطقه ای که اربیل مرکز آنست در دست بارزانیها و منطقه ای که سلیمانیه مرکز آنست در دست اتحادیه میهنی به رهبری جلال طالبانی و منطقه سومی در دست گروه و بسا گروههای مسلح دیگر است.

و از آنجا که ترکیه مدعی است کردستان عراق پایگاه کردهای ترکیه شده است، در روزهای ۳۰ و ۳۱ مه تهدید به حمله نظامی به منطقه کرد نشین عراق را تکرار کرد. امریکا از

ترکیه خواست قوای نظامی خود را وارد کردستان عراق نکند.

● امنیت منطقه نجف در دست نیروهای مسلح شیعه است. در منطقه شیعه نشین، سه گروه مسلح عمده وجود دارند: جیش المهدی و سپاه بدر و گروه مسلحی که به حزبی مخالف ایران تعلق دارد و بر منطقه نفت خیز بصره مسلطه است.

● در منطقه سنی نشین عراق نیز دست کم سه دسته مسلح وجود دارند: القاعده و بعثی ها و سلفی ها. علاوه بر این سه دسته، قبایل و ملی گراها و افراد ارتش عراق که امریکائیا منحل کردند نیز هستند.

از این رو است که هیأت تحقیق انگلیسی به این نتیجه رسید که در عراق چندین جنگ داخلی وجود دارد و در ۳ ژوئن، ژنرال سانشر گفت: امریکا نمی تواند در عراق پیروز شود. انقلاب اسلامی: با توجه به تکه پاره شدن عراق و افتادن هر پاره دست یک گروه مسلح، ببینیم سیاست رژیم در عراق چیست؟

*سیاست دوگانه و متضاد ایران در عراق از دید امریکا:

● لوموند (۲۸ مه)، در روز گفتگوی ایران و امریکا در بغداد، گزارش - تحلیلی در باره سیاست ایران در عراق منتشر کرد. نکات عمده این گزارش عبارتند از:

● امریکا بر این نظر هستند که ایران در عراق سیاست دوگانه و متضادی دارد: از سوئی از حکومت عراق حمایت می کند و از سوی دیگر، گروههای مسلحی را تعلیم می دهد و مسلح می کند که سربازان امریکائی را می کشند و مانع از استقرار امنیت در عراق می شوند.

● اما این سیاست ظاهری از دوگانگی و تضاد دارد. در واقع، ایران، بر اساس تنها منافع خود، سیاست عملگرایانه و وقیحانه ای را رویه کرده است. رژیم ایران برای تأمین حیات خویش که امریکا بخاطر برنامه اتمی، تهدیدش می کند، صورانه استراتژی زبان رسانی را بنا کرده است تا وقتی زمان آن شد، مخاطب اجتناب ناپذیری برای امریکا بگردد. روشی که بکار برده است، نتیجه داده است چرا که امریکا خود را ناگزیر دیده است با ایران گفتگو کند. حکومت بوش که می گفت: تا وقتی ایران غنی سازی اورانیوم را متوقف نکند، از هرگونه گفتگو با این کشور سر باز می زند، امروز با نمایندگان مالاها در بغداد گفتگو می کند.

● ایران دیگر نمی خواهد یک عراق دشمن، همان که در دوران صدام بود، در همسایگی خود داشته باشد. برای تثبیت روابط خود با همسایه های عرب، جمهوری اسلامی از شورایی جمهوری اسلامی عراق، مهمترین تشکل سیاسی شیعه در حکومت عراق حمایت می کند. و این متحدان پابرجا از جمله بکار آن می آیند که مانع از تصویب قانون نفتی بگردند که به زیان ایران باشد.

● اما با توجه به حضور دهها هزار قوای امریکائی در مرزهایش، ایران، بمواظت، در حمایت از مقتدی صدر و جیش المهدی او نیز به خود تردید راه نمی دهد.

توریه!؟

ایران خواهان تخلیه عراق از سوی قوای امریکا است. اما تخلیه ای اعلام شده و برنامه دار. ایران می گوید آماده است به امریکا کمک کند در تخلیه عراق.

● آیا این همکاری سبب می شود که، در عوض، غرب در مسئله اتمی ایران کوتاه بیاید؟ رسماً نه. دو طرف می گویند گفتگویشان تنها مربوط به عراق می شود. اما تماسهای سری میان دو طرف وجود دارند. ایران از آن می ترسد که تخلیه زود هنگام عراق از قوای امریکا، جنگ داخلی عمومیت یافته ای را، در عراق، روی دستش بگذارد. در تهران، تأکید می کنند که می باید «برنامه ای برای تخلیه عراق باشد». بخصوص که ایران نمی تواند روی حمایت شیعه عراق حساب کند. چرا که ایرانی نیستند. بلکه طوایف عرب هستند که قرنها در این منطقه زندگی کرده اند و در جنگ صدام با ایران، از آن رژیم در این جنگ حمایت کرده اند.

● نفوذ ایران در عراق شکننده و در گرو این و آن اتفاق است. چنانکه روابط ایران و مقتدی صدر هر زمان ممکن است ببرند. طرفداران مقتدی صدر به حزب آله شیعه شبیه نیستند که به علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی ایران وفادار باشند. آنها نخست پیرو مقتدی صدرند. و آنگاه مرامشان مخالفت با هرگونه مداخله خارجی است. الا اینکه در برابر قوای امریکا، صدر نیاز به کمک مالی و تسلیحاتی ایران دارد. بخصوص در دوران بحران. چنانکه در تابستان ۲۰۰۴، ایران تا آنجا پیش رفت که پیشنهاد کرد زخمی های جیش المهدی را در ایران درمان کند. با وجود این کوششها بکار رفته برای تحکیم ائتلاف از راه مصلحت هرچه باشد، ایران مشکل می تواند زمینه تفاهم دیرپائی را با صدر - که بیش از پیش نزد شیعه های عراق محبوبیت پیدا می کند - و طرفداران او ایجاد کند. اگر اقامت او در ایران بیش از ۵ ماه بطول انجامید، بدین خاطر بود که دو طرف نمی توانستند بر مسائل اساسی به توافق برسند. از جمله بر سر اشکال رویارویی با امریکائیا و در همان حال کاسنن از برخوردها با گروههای دیگر شیعه.

● به تدریج که که تهدیدهای امریکا دقیق تر می شوند، ایران نیز بر کمکهای خود بر شورشیان عراق می افزاید: تحویل سلاحهای منفرجه بیش از پیش پیشرفته و دخالت سپاه پاسداران در ربودن و کشتن ۵ سرباز امریکائی (که سبب دستگیری ۵ تن از مأموران ایران شد که امریکا متهمشان می کند عوامل اطلاعات ایران هستند) تا جدید ترین افشاگری که مربوط می شود به حمایت ایران از سنی های عراق. تا وقتی قوای امریکا در عراق بمانند، کمکهای مالی و تسلیحاتی ایران نیز به عصیانگران، برغم اختلاف نظر با اینان، ادامه پیدا می کند.

● اما این رویه سبب برانگیخته شدن احساسات ضد ایران نزد شیعه می شود. چنانکه هم اکنون در عراق، گسیل انبوه اسلحه از ایران به این منطقه، سبب ناراحتی روز افزون گشته است. در ماههای اخیر، بخشهایی از جیش المهدی که مخالف نزدیکی با ایران

هستند، جدا شده اند. بر انگیزته شدن احساسات ضد ایرانی سبب تشدید اختلاف نظرها در رژیم ایران نیز گشته است. از جمله، وزیر خارجه نسبت به صدر و طرفدارانش بد گمان است حال آنکه سپاه پاسداران برای اتحاد بر ضد امریکا، آماده برای پرداخت هر بهائی است. اما در این مورد، مثل تمامی موارد استراتژیک، حرف آخر را رهبر جمهوری اسلامی می زند.

* استراتفور: بازگشت صدر و آفتابی شدنش در ۲۵ مه حاصل معامله امریکا با ایران است:

● استراتفور (۲۵ مه ۲۰۰۷) براینست که بازگشت مقتدی صدر از ایران و ظاهر شدنش در نماز جمعه کوفه، حاصل معامله ایران و امریکا و هدف از آن، تسهیل گفتگو میان ایران و امریکا است. بنا بر سنت، صدر و هواداران او از ایران فاصله می گرفتند تا خود را نه دست نشانده دیگر ایران که جنبشی ملی گرا معرفی کنند. ایرانیها از فقدان امنیت و تعرض امریکا به جیش المهدی استفاده کردند تا او را به زیر چتر حمایت خود آورند. بخش قطعی گفتگوهای ایران و امریکا بر سر عراق اینست که ایران به گروههای شیعه کمک نخواهد کرد تا که خود محوری کنند و مانع استقرار امنیت و صلح در عراق شوند. برای این که ایران بتواند این قول را بدهد، نیاز داشت صدر و گروه به ایران بخاطر حمایت از خود، وابسته گردند. تا بهنگام گفتگو با امریکا، ایران بتواند بگوید گروههای عمده شیعه در مهار اویند. و نیز ایران به مهار گروه صدر نیاز دارد زیرا وقتی گفتگوها به نتیجه رسیدند و زمان عمل شدند، باید بتواند گروههای مسلح شیعه را به عمل به توافق برانگیزد.

● طولانی شدن اقامت او در ایران این خطر را پدید آورد که جیش المهدی او از درون بیاشد و او دیگر توانا به مهار طرفداران خود نباشد. و صدر می باید عناصر خود سر را تصفیه کند، فرصت گفتگوی ایران با امریکا بهترین فرصت بود و صدر آن را مغتنم شمرد.

● وقتی در نماز جمعه ظاهر شد، او از جیش المهدی خواست از زد و خورد با قوای عراق خودداری کنند. این رویه نتیجه توافق او با ایران است. با آنکه بعد از نماز جمعه ۲۵ مه، قوای عملیات ویژه عراق و سربازان انگلیسی ابوقادر، فرمانده جیش المهدی را کشتند، صدر و قوای تحت امر آماده همکاری هستند.

گفتگو بی نتیجه یا مثبت بود؟ - گفتگوئی دیگر

و تشکیل کمیته سه جانبه!؟

* در ۷ خرداد، در دفتر المالکی، هیأتهای ایران و امریکا، بر سر عراقی به گفتگو نشستند:

● از سوی رژیم و دستگاه تبلیغاتی این نظرها در باره گفتگو بعمل آمده اند:

● قول حسین شریعتمداری در باره این گفتگو اینست: رفتیم و به امریکا تفهیم اتمام کردیم.

● احمدی نژاد: تلاش می کنیم نتایج مذاکرات به نفع مردم عراق باشد.

● منوچهر متکی «وزیر» خارجه: اگر اراده طرف مقابل اراده شکلی و ظاهری نباشد و برای پوشش تبلیغاتی در افکار عمومی امریکا که به شدت مخالف سیاستهای جاری امریکا در عراق هستند، نباشد و اگر پیروی شکلی از توصیههای بیکر - همیلتون برای مذاکره با ایران نباشد و اراده جدی برای برون رفت از مشکلاتی که با آن مواجه هستند وجود داشته باشد، من معتقد امیدواری برای موفقیت چنین گفت و گوهایی و تداوم این گفت و گوها وجود دارد.

● از سوی مقامات و مطبوعات امریکا: ● کروکر، سفیر امریکا در عراق: مذاکرات قابل قبول بودند. ایران جلسه گفتگوی دیگری را پیشنهاد کرده است. ایران خواهان تشکیل کمیته سه جانبه ایران و امریکا و عراق است: او به ایرانی های حاضر در مذاکرات گفته است که لازم است جمهوری اسلامی درباره رفتار خود مراقب باشد و تجهیز، تزریق مالی و آموزش شبه نظامیان را متوقف کند.

● من به ایرانی ها موضوعات مشخصی را متذکر شدم درباره رفتارشان در عراق و حمایتی که از شبه نظامیان انجام می دهند تا بر شد نیروهای عراقی و ائتلاف بجنگند.

● نماینده جمهوری اسلامی پیشنهاد کرد کمیته سه جانبه امریکا و عراق و ایران برای برداشتن گام های عملی درباره عراق تشکیل شود. این پیشنهاد برای تصمیم گیری به واشنگتن ارسال خواهد شد.

● ایرانی ها در این مذاکرات به حضور نیروهای خارجی در عراق اعتراض کردند و آنها را «اشغالگر» نامیدند و خواستار تحویل سریعتر امور امنیتی به نیروهای عراقی شدند. ما در جواب گفتیم: حضور نیروهای خارجی بر اساس قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل بوده و در حال حاضر نیز این نیروها به درخواست دولت عراق در این کشور حضور دارند.

● هیات ایرانی به جز پیشنهاد تشکیل کمیته سه جانبه، موضوع مهمی را در جلسه مطرح نکرد. پاسخ دقیقی به سئوالات مطرح شده نیز نداد.

● از سوی مقامات حکومت عراق این نظرها اظهار شده اند:

● المالکی، نخست وزیر عراق، در سخنان افتتاحیه خود گفته است: عراق محلی برای حمله به کشورهای همسایه اش نیست. اشاره نخست وزیر عراق به نگرانی های تهران از حمله احتمالی امریکا به ایران بود. نیروهای امریکایی تا کامل کردن آموزش نیروهای عراقی در این کشور باقی خواهند ماند. ما خواهان عدم دخالت دیگران در امور داخلی خود است. ما اطمینان داریم که این نشست بدون شک پل های اعتماد سازی میان دو کشور را ارتقاء خواهد بخشید و فضای مثبتی ایجاد خواهد کرد.

● سخنگوی حکومت عراق: میان ایران و امریکا حسن نیت و تفاهم و تهدد وجود دارد.

● اما خبرگزاری فرانسه در باره این



گفتگوی ۴ ساعته که رئیس هیأت ایران حسن کاظمی قمی بوده، گزارشی را مخابره کرده است دارای این نکات:

- ایران و آمریکا یکدیگر را متهم کردند که عامل خون ریزی در عراق هستند:

ران کروکر، سفیر آمریکا در عراق ایران را متهم کرد که دادن پول و اسلحه به گروههای عراقی و تعلیم دادن افراد آنها موجب بی ثباتی و خون ریزی در عراق شده است و از ایران خواست با ترک حمایت از این گروهها، به قول خود عمل کند و به تثبیت وضعیت عراق کمک کند.

در برابر، حسن کاظمی قمی، ارتش آمریکا را متهم کرد که کار لازم را برای تعلیم و تجهیز قوای عراق بعمل نمی آورد. ایران آماده است این مهم را بر عهده بگیرد.

کروکر می گوید: با طرف ایرانی گفتگو کنیم: شما به قول خود در باره حمایت از حکومت المالکی با قطع کمک به گروههای افراطی عمل کنید. کروکر توضیح می دهد: ایرانیها می دانند چه می کنند. آنچه آنها می کنند برای عراق خطرناک است. ما و ایرانیها از اصول حاکم بر سیاست خود در عراق، سخن بمیان آوردیم. ما به آنها گفتیم: بسیار خوب! عمل خویش را با اصولی که اظهار می کنید، سازگار کنید. ایرانیها پیشنهاد کردند کمیته امنیتی سه جانبه ای تشکیل شود. اما آنچه امروز ما می کنیم همان کمیته امنیتی است. اگر مقصود تشکیل یک کمیته سیاسی است، چنین کمیته ای بگاری نمی آید.

کاظمی قمی گفتگوی ۴ ساعته را مثبت ارزیابی کرد اما وجود خشونت در عراق ناشی از حضور قوای آمریکا در این کشور را مورد سرزنش قرار داد. او همچنین پیشنهاد کرد ایران قوای عراق را مسلح کند.

* سه ارزیابی از گفتگوی بغداد از لوموند و فیکارو و نیویورک تایمز:

◀ لوموند (۲۸ مه) گفتگوی ایران و آمریکا بر سر عراق بی نتیجه شد: هرچند کروکر و حسن کاظمی قمی گفتگو را مثبت ارزیابی کردند و بر ضرورت تثبیت وضعیت عراق تأکید کردند، اما نتیجه مثبتی از گفتگوهای ۴ ساعته آنها حاصل نشد.

روزی پیش از گفتگوها، یک شبه ۲۷ مه، ایران آمریکا را متهم کرد که در ایران شبکه های جاسوسی ایجاد کرده است. و واشنگتن نیز فکر مبادله ایرانی را که در توقیف دارد با امریکائیان ایرانی تبار را که دوایر اطلاعاتی ایران توقیف کرده اند، رد کرد. ایرانیهایی که در توقیف امریکائیه هستند، متهمند که بمبهای منفجره در اختیار گروههای مسلح عراق قرار داده اند و ایرانی تبارهایی که ایران توقیف کرده است متهمند که قصد سرنگون کردن رژیم ایران را داشته اند.

◀ فیکارو (۲۹ مه ۲۰۰۷) سرمقاله خود را به این گفتگو اختصاص داده است: این گفتگو بر بی اعتمادی دو طرف به یکدیگر، بنا گرفته است. با وجود این، بعد از ۲۷ سال، گفتگویی رسمی و علنی در باره امور جدی انجام گرفته است.

پیش از این، در حاشیه کنفرانسها، در ماه مارس در بغداد و در اول این ماه در شرم الشيخ، جمله های کوتاهی میان رؤسای هیأت های ایران و آمریکا

مبادله شده اند. اما گفتگوی ۲۸ مه، نخستین گفتگوی رسمی دوطرف است. پس از آنکه مدتهای دراز آمریکا، بدین خاطر که موجب تقویت افراطی ها در رژیم ایران می شود، از هرگونه گفتگو با ایران خود داری می کرد، سرانجام به این نتیجه رسید که برای بیرون بردن قوای خود از عراق، به ایران نیاز دارد. ایرانیها نیز سودی در تخلیه زود هنگام قوای آمریکا و فروماندن عراق در فاجعه جنگ داخلی ندارند. از این رو، به خود گفته اند بهتر اینست با حکومت بوش تضعیف شده گفتگو کنند تا با رئیس جمهوری دموکراتی که در پایان دوره ریاست جمهوری بوش، انتخاب خواهد شد. بخصوص که می داند آمریکا خدمت به خروج آبرومندان از عراق و گرفتار خروج مفتضحانه ای چون خروج از ویتنام نشدن را قدر خواهد شناخت و ما به عوض بایسته را به ایران خواهد داد.

عراق می باید متحد بماند. ایران می خواهد آمریکا این امر را تصدیق و تضمین کند. چرا که بدگمان است که آمریکا بخواهد علای را از نو نخست وزیر عراق کند و وحدت عراق از میان برود.

◀ نیویورک تایمز (۲۴ مه) ۴ روز پیش از گفتگوی آمریکا با ایران، مقاله ای به قلم روثل مارک گرش، افسر سابق سیا که اینک در مؤسسه اینتر پرایز (متعلق به محافظه کاران جدید) انتشار داده است. بنظر نویسنده، نفس گفتگوی حکومت بوش با رژیم ایران، گویای شکست آمریکا است. زیرا آمریکا و اروپا از ناگزیر کردن ایران به تن دادن به راه حل دیپلماتیک (برای مسئله اتمی) ناتوان شده اند. در میان کارشناسان امور عراق که من یکی از آنها هستم، اغلب بر این نظر هستند که حکومت بوش و نه رژیم مالاها، است که بعد از ترورهای ۱۱ سپتامبر، درب گفتگو را باز نگاه داشته است.

جواد ظریف، نماینده ایران در سازمان ملل متحد، ایرانی که در آمریکا درس خوانده است، گفت: حکومت بوش فرصتها برای بهبود روابط دو کشور را از دست داده است و موقع ها را برای استقرار صلح در منطقه مغتنم نشموده است.

اما می باید روشن باشد که عکس این صحیح است: رژیم مالاها دیگر علاقه ای به رسیدن به صلح با آمریکا را ندارند. همانطور که در ۱۹۹۰، بیل کلینتون، رئیس جمهوری و خانم آلبرایت وزیر خارجه اش خواستار گفتگو با پرزیدنت خاتمی شدند و پاسخ مساعد دریافت نکردند.

دلیل دیگر بر این که این ایران است که فرصتها را مغتنم نمی شمارد: از ۸ مه، هاله اسفندیاری در زندان مشهور اوین بسر می برد. اما که مدیر قسمت خاورمیانه مؤسسه وودرو ویلسون انترنیشنال سنتر است، سالها بخاطر بهبود روابط آمریکا و ایران کار کرده است. همانطور که هامیلتون، رئیس مؤسسه می گوید: او مؤسسه را به وسیله ای برای سیاسی بکار برده است که آشنی آمریکا با رژیم ایران را ببار آورد. هامیلتون و بیکر نیز پیشنهاد کنندگان گفتگو با ایران هستند. با توقیف هاله اسفندیاری که برای دیدار با مادر ۹۳ ساله خود به ایران رفته بود، رژیم ایران به هامیلتون پیام روشنی داد: برای باز کردن باب گفتگو و

توریه!؟

عادی کردن روابط ایران و آمریکا نکوشید. هامیلتون به احمدی نژاد نامه نوشت هاله اسفندیاری را رها کنید به آمریکا باز گردد، در پاسخ او را جاسوس آمریکا و صهیونیسم خواندند که مأمور براندازی رژیم ایران شده است! دستگیری استاد ۶۷ ساله ای که بارها به ایران سفر کرده است و با ایرانیان، از جمله روحانیان دیدار و در باب برقرار کردن روابط حسنه با آمریکا با آنها گفتگو کرده است، گویای انزجار رژیم از ایرانیانی است که می خواهند میان ایران و آمریکا پل ارتباطی بسازند.

◀ در ۱ ژوئن، خبرگزاری فرانسه اطلاعاتی را انتشار داد که نیویورک تایمز منتشر کرده است: ارتش آمریکا در عراق، مدرک جدیدی از دخالت ایران در امور عراق از راه تحویل اسلحه به گروههای شیعه، ارائه کرده است. مدرک جدید همان سیلندرهایی پر از مواد منفجره هستند که بسیار کشنده توصیف می شوند. این سیلندرها حتی تانک را نیز از کار می اندازند. در سه ماهه آخر سال ۲۰۰۶، تعداد زیادی از سربازان امریکائی توسط این سلاح کشته شده اند.

روبرت گیت، وزیر دفاع آمریکا، در ۱ ژوئن، در حاشیه اجلاس ناتو، توضیح داده است که شماره سری این سلاح مسلم می کند ساخت ایران است. علاوه بر آن، انبارهای اسلحه که کشف شده اند، دلیل قطعی هستند بر تحویل اسلحه توسط ایران به سازمانهای عراقی.

رابط پیدا کردن گفتگوی عراق به مسئله اتمی، با « شبکه جاسوسی»، با القاعده و به دستگیری امریکائیان ایرانی تبار توسط رژیم مافیایها:

* لاریجانی: گفتگوی بغداد با گفتگو بر سر مسئله اتمی ربط پیدا می کند:

◀ در ۹ خرداد، لاریجانی در پاسخ به سؤال ایسنا مبنی بر اینکه آیا مذاکرات ایران و آمریکا بر سر عراق می تواند بر فضای کلی مذاکرات شما با سولانا و به طور کلی مساله هسته ای تأثیر گذار باشد، گفته است: مساله هسته ای و مذاکرات عراق از یکدیگر جدا هستند. البته در عالم سیاست هیچ چیز از یکدیگر جدا نیست. به طور کلی مذاکرات عراق بر مساله هسته ای تأثیر خواهد داشت. مطالبی که در مذاکرات هفتم خرداد مطرح شد مطالبی جدی بوده است. باید فرصت داد روی آن مطالعه جدی شود. اگر آنها بخواهند رفتار گذشته شان را تصحیح کنند و از راهکارهای صحیح برای ایجاد امنیت در عراق استفاده کنند این مسیر باز است.

◀ در این باره، بی بی سی (۳۱ مه) قول لاریجانی را نقل کرده و افزوده

است: اما آمریکا خواستار تصویب قطعنامه ای شامل مجازاتهای سنگین شده است چرا که ایران دستور شورای امنیت را در باره تعلیق غنی سازی اورانیوم اجرا نکرده است. در همان حال که مطبوعات متعلق به افراطیهای رژیم می کوشند گفتگوی بغداد را بی اهمیت جلوه دهند، لاریجانی این گفتگو را در سطح منطقه و جهان مهم ارزیابی می کند.

* رژیم مافیایها از طریق سفارت سوئیس، به آمریکا بخاطر ایجاد شبکه جاسوسی در ایران، بشدت اعتراض می کند:

◀ ایسنا (۸ خرداد ۸۶): مدیر کل ضد جاسوسی وزارت اطلاعات نسبت به در معرض استفاده ای اطلاعاتی قرار گرفتن اسناد دانشگاه از سوی سرویس های اطلاعاتی کشورهای خارجی هشدار داد. در نشست خبری که عصر روز سه شنبه پیرامون اقدام اخیر وزارت اطلاعات در ضربه زدن به چند شبکه جاسوسی مربوط به سرویس های اطلاعاتی اشغالگران عراق، مدیرکل ضد جاسوسی وزارت اطلاعات با بیان اینکه ما نگران برخی اقداماتی که در مناطق مرزی و بعضا مرکزی و حتی تهران شکل می گیرد، هستیم اظهار داشت: « لازم است که مردم مطلع شوند تا بیگانهگان نتوانند از برخی ظرفیت هایی که در مناطق مرزی ما وجود دارد، سواستفاده کنند.»

شبکه شناسایی شده توسط وزارت اطلاعات با سرویس های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس مرتبط بوده و از جانب گروههایی در عراق حمایت می شده، حوزه فعالیت این شبکه در ایران، آذربایجان غربی، کردستان، خوزستان، کرمانشاه، همدان و تهران بوده اند. خوشبختانه این شبکه شناسایی شد و ضربه خورد و توفیقات خوبی نیز به دست آمد.

افراد این شبکه در اقصی نقاط کشور پراکنده بودند. ما با شگردهای خاص اطلاعاتی و حرکت های به موقع توانستیم این افراد را شناسایی و اقداماتشان را خنثی کنیم. فعالین این شبکه جاسوسی تلاش داشتند به افراد و مناطق مهم و حساس کشور دسترسی پیدا کرده و با نفوذ در این مراکز و به کارگیری افراد مورد نظرشان بهره های اطلاعاتی داشته باشند. آنها تلاش می کردند اطلاعات طبقه بندی شده که مورد نیاز سرویس های اطلاعاتی اشغالگران است را از داخل ایران کسب کنند.»

انجام عملیات های تخریبی، بمب گذاری، ترور، ربایش افراد، فیلمبرداری و عکسبرداری از مراکز حساس با نظارت سرویس های اطلاعاتی اشغالگران را از جمله اقدامات این شبکه بوده اند. همچنین آنها با اقدامات نرم افزاری و عملیات روانی در مناطق مرزی سعی در این داشتند که گسست و واگرایی قومی نسبت به نظام در مناطق مرزی ایجاد کنند و با استفاده از عناصر ضد انقلاب در مناطق مرزی سعی داشتند به اختلافات دامن بزنند.

* حکومت بوش بی ثباتی و ناامنی عراق را زیر سر القاعده می داند:

◀ به گزارش خبرگزاری فرانسه (۲۴ مه) در آکادمی گارد مرزی، بوش، رئیس جمهوری آمریکا، به تفصیل در باره « جنگ با تروریسم بین المللی » سخن گفته است. به قول او، جنگ با رژیم صدام، جنگ با مرکز این تروریسم بوده است. او همان اطلاعی را تکرار کرد که دروغ بودنش آشکار شده بود: ارتباط رژیم صدام با القاعده. بنا بر قول او، اسامه بن لادن، در ژانویه ۲۰۰۵، ابومسیب الزرقاوی را مأمور کرد شبکه ای در عراق ایجاد کند. این شبکه می باید حمله ها را بر ضد قوای آمریکا، ترتیب دهد.

این اطلاعات که بوش مهر سری بودنشان را شکست، در گزارش مارس ۲۰۰۵ از اداره امنیت داخلی آمده اند. از ۱۱ سپتامبر بعد، القاعده سه توطئه بزرگ را طراحی کردند: یکی در لندن می باید اجرا می شد و عبارت بود از انفجار همزمان چندین هواپیمای مسافربری که اسکانلند یارد کشف کرد. دیگری منفجر کردن یک آسمان خراش در لوس آنجلس در سال ۲۰۰۲ بود و سومی ربودن چندین هواپیما در ۲۰۰۳.

قصد او از اظهار این اطلاعات اینست که مردم آمریکا را حامی سیاست خود در عراق کند و آنها متوجه شوند که بیرون بردن شتاب آلود قوای آمریکا از عراق، در اختیار القاعده گذاشتن یک کشور امن است. بهترین روش دفاع از خود بردن جنگ نزد دشمن است.

* دستگیری های ایرانی - امریکائیهایی مانعی بر سر راه ادامه گفتگوها در باره عراق!؟:

◀ به دنبال دستگیری هاله اسفندیاری، سه ایرانی دیگر نیز دستگیر شده اند: کیان تاج زاده ۴۵ ساله که جامعه شناس است در ۱۱ مه در تهران دستگیر شده است. علی شاکری که در مرکز بنای صلح در دانشگاه کالیفرنیا کار می کند.

لیبراسیون ۳۰ مه گزارش می کند: این هر سه مخالف رژیم نبوده اند. مخالف جنگ آمریکا با ایران و حامی اصلاح طلبان و عمل گرایان میانه رو بوده اند و بیشتر از نمایندگان رژیم در آمریکا، برایش کار کرده اند.

◀ افزون بر این سه تن، پرناز عظیما که در رادیو فردا کار می کند، نیز توقیف شده است. او را آزاد کرده اما خروجش را از ایران ممنوع کرده اند. خبرنگار فایننشال تایمز (۳۱ مه) از تهران گزارش می کند که او نخست متهم بود از آمریکا حقوق می گیرد و در رادیو فردا بر ضد رژیم تبلیغ می کند. اما اینک متهم است که چون ۳ تن دیگر، برای آمریکا جاسوسی می کند و در خدمت « براندازی نرم » رژیم است. محمد حسین آقاسی و کیل عظیما می گوید: کار او را در رادیو فردا جرم می دانند و می گویند: تمامی حقوقی را که دریافت کرده است می باید به حساب دولت ایران واریز کند.



◀ فیگارو (۳۱ مه) توقیف این ۴ تن را کار جناح سخت سر رژیم می داند. اما روزنامه محافظه کار نیویورک سان بر اینست که این عده پس از آن دستگیر شدند که ای بی سی نیوز افشا کرد که سیا اجازه یافته است طرح بی ثبات کردن رژیم را بدون توسل به زور به اجرا بگذارد.

◀ توقیف این عده هم ربط پیدا می کند با نزاع بر سر قدرت در درون رژیم و هم به گفتگوی ایران و آمریکا در ۲۸ مه. کندولزا رایس گفته است توقیف شدگان هم ملیت ایرانی دارند و هم ملیت امریکائی و بهیچرو جاسوس نیستند. آنها برای بهبود وضعیت مردم ایران و برخورداریشان از آزادی می کوشند، کار خوبی است. او ربط میان این دستگیرها و دستگیری ۵ عضو سپاه پاسداران را رد کرد. هامیلتون، رئیس مرکز وودرو ویلسون که هاله اسفندیاری رئیس قسمت خاورمیانه آنست توضیح می دهد که این مرکز دیناری از دولت آمریکا برای ترویج دموکراسی در ایران، دریافت نمی کند.

و اوپن سوسایتی (جامعه باز) توضیح می دهد که تاج بخش زمانی مشاور وزارت کشور ایران و بیمه اجتماعی بوده است.

در صورتی که ماجرا کش پیدا کند، خطر آن وجود دارد که گفتگوی روز دو شنبه، ۲۸ مه، بغداد دنباله پیدا نکند و عقیم بماند.

◀ یک دانشجوی دختر روزنامه نگاری که تابعیت ایران و فرانسه را دارد، به نام مهرنوش سلوکی، بهنگام ورودش به ایران، در اواسط فوریه دستگیر شده است. او را در ۱۹ مارس، با وثیقه ۸۰ هزار اورو، رها کرده اند. اما گذرنامه او را گرفته اند و او نمی تواند ایران را ترک کند.

روسیه اروپا و آمریکا را تهدید می کند - گیت خواستار تشدید مجازات ایران است - محافظه کاران جدید از جنگ جهانی چهارم دم می زنند و خواهان حمله آمریکا به ایران هستند!

* پوتین در آستانه تشکیل کنفرانس سران ۸ کشور در آلمان در ۶ ژوئن و دیدار خود با بوش تهدید می کند: رادارها و سامانه ضد موشکی که آمریکا در چک و لهستان مستقر می کند، تهدید مستقیم امنیت روسیه است. موشکهای ایران و کره شمالی خطری در بر ندارند و ما ناگزیر می شویم موشکهای خود را بطرف اروپا نشانه گیری کنیم:

◀ واکنش اول روسیه، آزمایش موشکهایی با برد ۱۰ هزار کیلومتر در روزهای پایانی ماه مه ۲۰۰۷ بود.

پوتین این آزمایش را واکنش روسیه نسبت به تهدیدی توصیف کرد که استقرار ضد موشکها و رادارهای امریکائی در لهستان و چک متوجه امنیتش می کند. آمریکا توضیح داد که هدف از استقرار این رادارها و ضد موشکها مقابله با خطر حمله موشکی ایران است و پیشنهاد کرد: آمریکا رادارها و ضد موشکهای خود را در کنار رادارها و ضد موشکهای روسیه قرار دهد و دو کشور، از راه مبادله اطلاعات، با یکدیگر همکاری کنند و روسیه مطمئن شود آمریکا قصد ندارد امنیت روسیه را تهدید کند.

◀ در مصاحبه با روزنامه ایتالیایی کوریه دولا سرا (۳ ژوئن)، پوتین توضیح داد و تهدید کرد:

• موشکهای ایران و کره شمالی خطری برای اروپا ندارند.

• استقرار ضد موشکها و رادارهای امریکائی در لهستان و چک امنیت روسیه را تهدید می کند.

• آمریکا دارد مسابقه تسلیحاتی جدیدی را به جهان تحمیل می کند.

• روسیه این وضعیت را بوجود نیاورده و خواستار آن نبوده است. اما نمی تواند نسبت به امنیت خود لاقید بماند. بنا بر این، هرگاه آمریکا ضد موشکها و رادارهای خود را مستقر کند، روسیه موشکهای خود را به طرف اروپا هدف گیری خواهند کرد.

از سقوط رژیم کمونیستی در روسیه، روسیه اروپا را تهدید نکرده بود و موشکهای خود را بسوی اروپا نشانه گیری نکرده بود.

* روبرت گیت وزیر دفاع

آمریکا: فشار بر ایران را تشدید کنید. بر مجازاتها بیفزائید و گرنه

ایران به سلاح اتمی مجهز خواهد شد:

◀ به گزارش آسوشیتدپرس (۲ ژوئن) ، روبرت گیت، وزیر دفاع آمریکا گفته است: نه سال آینده، هم اکنون بر فشار به ایران باید افزود و مجازاتها را سنگین باید کرد و گرنه ایران به سلاح اتمی مجهز می شود. او توضیح داده است که گزینش نظامی برای جلوگیری از مجهز شدن ایران به سلاح اتمی، جاذبه ندارد.

او که خطاب به افسران و مقامات حکومت و شخصیتهای غیر دولتی سخن می گفت، توضیح داد که بسا هر یک از ما که در این جا گرد آمده ایم خواستار آتیم مسئله راه حل دیپلماتیک پیدا کند. این پرسش که ایران در چه زمان قادر به تولید سلاح اتمی می شود، پرسشی درخوری نیست. زیرا بلادرنگ می باید ایران را از افتادن در این راه، باز داشت.

با وجود این که گیت می گوید گزینش نظامی جاذبه ندارد و کندولزا رایس می گوید: آمریکا آماده حمله به ایران نیست، دیگ چنی گفته است گزینش نظامی روی میز است و محافظه کاران جدید بر حمله نظامی به ایران مصر هستند:

* جنگ جهانی چهارم!؟

محافظه کاران جدید امیدوارند و دعا می کنند که بوش ایران را بمباران کند:

توریه!؟

◀ نورمن پودورتز Podhoretz که از محافظه کاران جدید معروف است، در وال استریت جورنال مقاله ای را انتشار داده است در باره ضرورت حمله نظامی به ایران. روستوری (۳۰ مه) چکیده نظر او را انتشار داده است:

• بسیاری منکر هستند اما من همچنان بر این باورم که ترورهای ۱۱ سپتامبر، آمریکا را وارد یک جنگ جهانی کرده است. من این جنگ جدید را جنگ بین المللی چهارم می خوانم. زیرا جنگ جهانی سوم همان جنگ سرد بود و این جنگ، بلحاظ نزاعهای نظامی بزرگ، شبیه به جنگ جهانی دوم است.

• حقیقت کامل و خشن اینست که می باید ایران را از دست یافتن به سلاح اتمی باز داشت. این کار، راه و روشی جز حمله نظامی به ایران ندارد. چنانکه هیتلر نیز راه حلی جز متوقف کردنش در سال ۱۹۳۸ نداشت.

حال که حمله به ایران از راه زمین به دلایل مختلف مورد ندارد، دست کم از راه هوا می باید به ایران حمله کرد. می گویند: تأسیسات اتمی ایران پراکنده اند و برخی از آنها در زیر زمین، در پناه استحکامات بتونی کار گذاشته شده اند، می گویند:

اسرائیل به تنهایی نمی تواند از پس حمله مؤثر به تأسیسات اتمی ایران برآید، پس این امریکا است که می باید حمله به تأسیسات اتمی ایران را انجام دهد. حمله امریکا به تأسیسات اتمی ایران نه تنها برای سالها دست یابیش را به بمب اتمی به تأخیر می اندازد، بلکه سبب سرنوشتی رژیم ملاحا نیز می شود.

• پودورتز فکر می کند بوش قصد دارد در ۲۱ ماهی که از دوره ریاست جمهوری او باقی است، دستور حمله هوایی به تأسیسات اتمی ایران را صادر کند.

اما این رئیس جمهوری را دشمنان سیاست او در خاورمیانه، به خصوص در عراق، تضعیف کرده اند. آیا با وجود این تضعیف، او به تنها اقدامی دست خواهد زد که می تواند ایران را از دست یابی به سلاح اتمی محروم کند؟

او اینطور پاسخ می دهد: بعنوان امریکائی و بعنوان یهودی، دعا می کنم که او این کار را نکند. تنها و یا همراه با اسرائیل.

* حکومت بوش عملیات

پوشیده جدی بر ضد ایران را از اداره عملیات پوشیده وزارت

دفاع آمریکا، بیرون برده است.

به سیا اجازه عملیات پوشیده دیگری را داده است که بر ضد چند کشور خاورمیانه، از جمله ایران و سوریه و لبنان هستند:

◀ رو استوری (۴ ژوئن)، بار دیگر، گزارش می کند که سیا اجازه یافته است بر ضد ایران و سوریه و لبنان دست به «جنگ اطلاعاتی» بزند.

بعلاوه، حکومت بوش عملیات پوشیده بر ضد این کشورها را از وزارت دفاع که کنگره بر فعالیتهاش اشراف دارد، ستانده اند.

مقامات پیشین و کنونی سیا به رو استوری گفته اند که در سالهای گذشته، رئیس جمهوری دو دستور العمل امضاء کرده است. این دو دستور به سیا اجازه می دهد دست به جنگ اطلاعاتی آشکار و پنهان بزند.

در این عملیات، از گروههای مسلح برای دست زدن به عملیات خشونت آمیز استفاده نمیشود. بلکه از تبلیغات است که سیا به هدف می رسد.

سخنگوی سیا، پل گیمیکلیانو، حاضر نشد در باره سری که ABCnews فاش کرد، توضیحی بدهد و گفت: سیا مجاز نیست ادعاها در باره عملیات سری این سازمان را موضوع بحث و قبول و تکذیب کند. اما گفت: عملیات سری سیا تحت مهار جدی کنگره هستند.

بنا بر قول مقامات کنونی و پیشین سیا، دستورالعملهایی که بوش امضاء کرده اند، خاص ایران نیستند. بلکه چند کشور خاورمیانه از جمله سوریه و لبنان را نیز در بر می گیرند. هدف فعالیتها سیا حمایت از دموکراسی در ایران است و حمایت آشکار از گروههای طرفدار دموکراسی بعمل می آورد.

هر چند مکانیسم عملیات پوشیده سیا بر ما معلوم نیست اما یک مقام سابق سیا می گوید: این عملیات در خارج از خاورمیانه، با هدف یافتن متحدان بالقوه و بکار بردن متحدان موجود در این جنگ اطلاعاتی است.

منابع نزدیک به کمیته اطلاعات سنا برای ما توضیح می دهند که کمیته هیچیک از جنبه های سیا و یا دستور العمل های رئیس جمهوری را موضوع بحث قرار نمی دهند. این قلمرونی است که نمی توان وارد آن شد.

◀ عملیات وزارت دفاع در حمایت از سازمانهای تروریست نیز از کنترل کنگره بیرون است. رو استوری آگاه شده است که وزارت دفاع چندین عمل تهاجمی «سیاه» را که شورای امنیت ملی و دفتر معاون ریاست جمهوری تصویب کرده اند، انجام می دهد.

مقامات کنونی و پیشین سیا به رو استوری می گویند عملیات پوشیده خاص بر ضد ایران، بلحاظ اینکه بسیار حساس تر از عملیات سیا هستند و خطر لو رفتنشان بالا است، از اداره عملیات پوشیده وزارت دفاع که تحت کنترل کنگره است، بیرون برده شده اند.

این عملیات بلافاصله بعد از جنگ عراق شروع شده اند و چند سال است که ادامه یافته اند. بدین خاطر که جزء عملیات جنگی محسوب می شوند، نیاز به اجازه کنگره ندارند. عمده این عملیات در وزارت رامسفلد، توسط اداره دفاع و تحت نظارت دفتر دیگ چنی، معاون رئیس جمهوری و رونالد رامسفلد انجام می گرفتند: در سال ۲۰۰۳، وزارت دفاع شروع کرد به کار با برخی از گروههای مخالف و تروریست بقصد بی ثبات کردن رژیم ایران. یکی از سازمانهای که وزارت دفاع بکار برد، سازمان مجاهدین خلق بود.

در ۲۰۰۶، در دو استان ایران عملیات مسلحانه ای انجام گرفتند که چندین کشته و دهها زخمی بر جا گذاشتند.

این فعالیتها اغلب توسط همان کسانی اداره می شوند که عملیات مخفی را انجام می دادند که اقتضاح ایران گیت را بیار آوردند. اقتضاح ایران گیت موجب تصویب قانونی شد که بنا بر آن، هر فعالیت محرمانه ای که به اجرا گذاشته می شود، می باید بطور شفاف تعریف شود.

منابع ما می گویند: سازمان مجاهدین خلق برای تحصیل اطلاعات از ایران نیز بکار می رود. حکومت بوش از گروههای دیگری که چون سازمان مجاهدین خلق فعالیتهای مسلحانه می کنند، استفاده می کند.

◀ عملیات پوشیده اقتصادی: قلمرو دیگر عملیات پوشیده ای که سیا مأمور آنست، اقتصادی هستند. هدف این عملیات ضربه وارد کردن به منافع اقتصادی ایران است. در این ضربه زدن، سیا اجازه بکار بردن خشونت را ندارد. سیا اجازه یافته است فشار اقتصادی به ایران را افزایش دهد بدون اینکه فشار اقتصادی تعریف شده باشد.

منابع وزارت خارجه می گویند: قصد از فشار اقتصادی جلوگیری از سرمایه گذاری در نفت و گاز ایران است. و نیز، متقاعد کردن بانکها و مؤسسات مالی به قطع کردن و یا محدود کردن معاملات خود با ایران است.

انقلاب اسلامی: چون نیک نظر کرد، پر خویش در آن دید -گفتا زکه نالیم که از ما است که بر ماست.

بدین سان، خائنان به ایران، همچنان سه راس مثلث زور پرست هستند: ضربه به اقتصاد کشور و بحران سازی بقصد محور کردن آمریکا در سیاست داخلی و خارجی ایران را ملاتاریا و مافیاهای نظامی - مالی تصدی می کنند. «عملیات پوشیده» را گروه رجوی و گروههای خائن همانند او و «جنگ اطلاعاتی» را باز گروه رجوی و پهلوی طلبها، تحت امر وزارت دفاع و سیا انجام می دهند.

بحران اتمی به قول یک مقام امریکائی، هنوز سالها موضوع مناقشه آمریکا و غرب با ایران خواهد بود:

روز نخست: گفتگوی

۵ ساعته بر سر اتم

نتیجه بخش بود و

روزهای بعد: بر فشار

به ایران باید افزود!؟

* در ۱ ژوئن ۲۰۰۷، گفتگوی لاریجانی - سولانا بمدت ۵ ساعت انجام گرفت و دو طرف در باره آن گفتند:

◀ در ۳۱ مه ۲۰۰۷، علی لاریجانی و خاویر سولانا، در کاخ تاریخی «لاکیتا» گفتگوی خود را آغاز و پس از ۵ ساعت گفتگوی بدون وقفه، در نیمه شب پنجشنبه به پایان بردند

• علی لاریجانی از برخی «پیشرفتها» در «موضوعات حساس» در صفحه ۱۲



پرونده هسته‌ای سخن گفت.
خاور سولانا نیز گفت: نشست روز پنجشنبه، یک نشست فشرده و اساسی بود و در جریان آن در مورد برخی موضوعات مهم توانستیم پیشرفت کنیم هر چند که تحولی ایجاد نشد. یک نشست اساسی بود تا بتوانیم برای آماده‌سازی مرحله گفت و گوهای رسمی با ایران پیشرفت کنیم و در جریان آن، موضوعات مختلفی مطرح شد.

* دو بیانیه: بیانیه گروه ۸ که سران در ۶ ژوئن در آلمان بمدت ۳ روز اجلاس می‌کنند و بیانیه ۴۰ وزیر امور خارجه:

در ۳۰ مه، وزرای خارجه چهار کشور اروپایی و آسیایی حاضر در نشست «اروپا-آسیا»، با صدور بیانیه مشترکی، پس از تأکید بر لزوم حل مساله هسته‌ای ایران با استفاده از روش‌های صلح‌آمیز، از تهران خواستند با تعلیق غنی‌سازی اورانیوم زمینه حل مسالمت‌آمیز مشکل را فراهم آورد.

وزیران خارجه ۴۰ کشور نگرانی خود را نیز از احتمال دستیابی ایران به سلاح اتمی ظرف ۳ تا ۸ سال آینده اظهار و بر ضرورت اجرای الزامات قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت در ایران تأکید کردند.

در ۳۱ مه، روزی پیش از گفتگوهای لاریجانی - سولانا و در روز پایان گرفتن مهلتی که برابر قطعنامه ۱۷۴۷، شورای امنیت به ایران داده بود، وزیران خارجه ۸ کشور بزرگ صنعتی جهان در بیانیه پایانی اجلاس خود در پوتسدام آلمان، ایران را تهدید کردند: «اگر ایران همچنان خواسته‌های شورای امنیت را نادیده بگیرد ما از تصویب اقدامات مناسب بیشتر بر ضد این کشور هماکنون که در قطعنامه ۱۷۴۷ به آن اشاره شده حمایت خواهیم کرد».

* آسوشیند پرس (۳۱ مه) گزارش می‌کند: ایران آماده بود روند فعالیتهای اتمی خود را کند کند اما:

تهران اخیراً پیشنهاد کرد غنی‌سازی اورانیوم را جزاً بحال تعلیق درآورد اما آمریکا و متحدان اعلی‌ش پیشهاد را رد کردند و ایران نیز آن را رها کرد.

با بازگشت دو طرف به مواضع سخت خود، مشکل بنظر می‌رسد که گفتگوهای لاریجانی - سولانا به نتیجه برسد.

علامت دیگر بی‌اعتمادی، اظهارات احمدی نژاد است. او گفت: نیروهای مسلح ایران چنان قدرتی را یافته‌اند که هیچ دشمنی جرأت حمله به ایران را پیدا نمی‌کند.

لاریجانی، بهنگام ورود به مادرید، آمریکا را بخاطر آنکه بن بست بوجود آورده و مانع از انجام گفتگوهای رسمی است، مورد سرزنش قرار داد. و کندولزا رایس نیز گفت: دنیا نباید موضع خویش را در قبال ایران نرم کند. این کار اشتباه است.

* ایران غنی‌سازی اورانیوم را رها نمی‌کند و ۶ کشور در تهیه قطعنامه جدید هستند:

به گزارش آسوشیند پرس (۳۱ مه) سولانا در اظهارات خود بعد از پایان گفتگوها فهماند که ایران دست از غنی‌سازی اورانیوم بر نمی‌دارد. با وجود این، او تصریح کرد: جو بسیار مساعد است. لاریجانی گفت: آژانس می‌تواند نماینده خود را به تهران بفرستد تا مسائل روشن نشده را روشن کند. او همچنین گفت: ایران آماده است تضمین‌های لازم را بپردازد که فعالیتهای اتمیش به تولید بمب اتمی منحرف نخواهد شد.

در مصاحبه با فیگارو (۲۵ مه) لاریجانی، در پاسخ این پرسش که چگونه باید از بن بست خارج شد؟ گفته است: وسائل وجود دارند برای اینکه گفتگوها بدون پیش شرط آغاز شوند. در این باره، سارکوزی، رئیس جمهوری جدید فرانسه، می‌تواند نقش یک میانجی صادق را ایفا کند. زیرا سیمای فرانسه نزد ایرانیان بسیار خوب است. هیچگاه بر ایران فشارهای استعماری وارد کرده است و امام خمینی وقتی تحت تهدید شاه بود، به فرانسه پناه برد.

انقلاب اسلامی: بدین سان، پناه بردن خمینی به فرانسه عملی نیکو است اما اگر مخالفان رژیم ملاتاریا - مافیاهای نظامی - مالی همین کار را بکنند، فرار کرده‌اند و...!

لوموند (۲ ژوئن) گزارش می‌کند که دو گفتگو میان خاور سولانا و لاریجانی، یکی در ۳۱ مه و دیگری در ۱ ژوئن، نتوانستند پرونده اتمی ایران را از بن بست خارج کنند. ایران همچنان بر غنی‌سازی اورانیوم مصر است.

کشور آمریکا و انگلستان و آلمان و چین و روسیه و فرانسه دست بکار تهیه قطعنامه جدید شده‌اند. این قطعنامه در تابستان به رأی اعضای شورای امنیت گذاشته می‌شود و شامل مجازاتی مالی خواهد بود.

قرار است لاریجانی و سولانا در دو هفته دیگر، دیدار و گفتگو کنند. اما محتمل به نظر نمی‌رسد که مشکل غنی‌سازی اورانیوم حل شود.

بنا بر آخرین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران ۱۳۲۰ سانتریفوژ را بکار انداخته است. ۳۲۸ سانتریفوژ دیگر را دارد آزمایش می‌کند. و در کار نصب ۴۹۲ سانتریفوژ دیگر است. ممکن است در ماه ژوئن، شمار سانتریفوژها به ۳۰۰۰ هزار برسد. این تعداد سانتریفوژ اگر بلاانقطاع کار کنند و مشکل فنی پدید نیاید، ظرف یک سال می‌تواند میزان لازم اورانیوم غنی شده برای تولید یک بمب اتمی را تولید کند.

در هفته‌های اخیر، چندین تلاش برای متوقف کردن مسابقه میان مجازاتها و نصب سانتریفوژها بعمل آمده‌اند:

● دیپلماسی سوئیس پیشنهاد کرد ایران غنی‌سازی و شورای امنیت اجرای قطعنامه‌ها را متوقف کنند و بعد مذاکرات انجام شوند.

● در ماه مه، البرادعی برای جلوگیری از بروز جنگ، پیشنهاد کرد به ایران اجازه داده شود برخی از تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم را نگهدارد و در عوض، در عوض تمامی برنامه اتمی خود را شفاف کند. یعنی بخشی را نیز شفاف کند که مورد سوء ظن است.

پیشنهاد البرادعی مورد انتقاد دولتهای غرب قرار گرفت. زیرا به رها کردن فشار بر ایران ارزیابی و موجب

توریه!؟

هدر رفتن کوششهای مشترک تلقی شد. البرادعی متهم شد که بازی تهران را می‌کند.

در گفتگوی روز جمعه، لاریجانی پیشنهاد البرادعی را دست‌مایه کرد و گفت: ایران آماده است هرآنچه در ابهام مانده است را، بتدریج، شفاف بگرداند. اما حاضر نیست غنی‌سازی را متوقف کند.

کندولزا رایس موضع ایران را مبهم توصیف کرد و تأکید کرد: ممکن نیست به ایران اجازه داده شود تکنولوژی اتمی خویش را کامل کند.

در ۳۰ مه، روزی پیش از گفتگو، خاور سولانا، در مصاحبه با روزنامه ژاپنی «نیکی» گفته است: «اتحادیه اروپا آماده هرگونه همکاری با ایران در زمینه دستیابی به فن‌آوری هسته‌ای است، اگر تهران به ما این ضمانت را بدهد که از این تکنولوژی تنها استفاده صلح‌آمیز خواهد کرد».

اما در ۱ ژوئن، علی لاریجانی گفتگوها را بسیار جدی و روشن توصیف کرده و گفته است: در خلال این مذاکرات، ایده‌های خوبی از سوی آقای سولانا و من مطرح و قرار شد روی این ایده‌ها بیشتر کار کنیم. وی افزود: معاوین ما هفته آینده تحرک بیشتری در این زمینه خواهند داشت و من و آقای سولانا نیز مذاکرات خود را حدود دو هفته دیگر ادامه می‌دهیم.

وی توضیح داد: در نشست روز پنجشنبه درباره مسایل باقیمانده با آژانس و نحوه حل و فصل آن هم بحث شد که باید مدتی روی آن کار شود، اما همه اینها موضوعات بسیار حساسی هستند که نوعی پیشرفت را در مذاکرات نشان می‌دهند.

لاریجانی در پاسخ به سئوالی درباره پیش شرط غرب برای تعلیق غنی‌سازی اورانیوم از سوی ایران، از گذشتن از این مرحله در مذاکرات خبر داد. وی با انتقاد از عملکرد رسانه‌ها در این زمینه گفت: نمی‌دانم چرا شما رسانه‌ها، بیشتر از سیاسیون به موضوع تعلیق علاقه‌مند هستید. مساله تعلیق امروز به یک بازی رسانه‌ای تبدیل شده است. ما داریم آن را رها می‌کنیم، شما چرا از آن دست بر نمی‌دارید؟

* به دنبال اظهار نظر البرادعی، آمریکا و اروپا به او اخطار کردند و رایس تأکید کرد: بهیچوجه از شرط غنی‌سازی اورانیوم صرف نظر نمی‌کنیم:

واشنگتن پست (۳۱ مه) قول رایس، وزیر خارجه آمریکا را عنوان گزارش خود کرده است: آمریکا شرایط مقرر برای گفتگو با ایران را تغییر نخواهد داد. ایران می‌باید پیش از گفتگو در باره مساله اتمی، غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند. زمان آن رسیده است که ایران تاکتیکهای خود را تغییر دهد. رایس روز جمعه برای گفتگو با مقامات اسپانیا وارد مادرید شد. لاریجانی نیز در این شهر بود. احتمال داده شد میان این دو گفتگویی انجام شود. اما، در علن، گفتگویی انجام نشد.

* ایران آماده است با روسیه بر سر تکمیل نیروگاه اتمی به

توافق برسد و روسیه می‌گوید رویه ایران مابوسش کرده است:

خبرگزاری فرانسه (در ۲۹ مه) گزارش کرده است: سرگئی کیسلیاک، معاون وزیر خارجه روسیه با تاخیری چند روزه در واکنش به گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران با بیان اینکه امتناع ایران از پذیرش خواسته‌های جامعه جهانی مبنی بر تعلیق غنی‌سازی بسیار ناامید کننده است، خواستار تجدیدنظر تهران در مواضع هسته‌ای‌اش شد.

با توجه به گزارش اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران، سیاست‌های هسته‌ای این کشور بسیار ناامید کننده است. گزارش آژانس نشان داد که ایران قطعنامه‌های تصویب شده در شورای امنیت سازمان ملل را نپذیرفته است. این امر باعث ناامیدی است و ما امیدواریم تهران در موضع خود تجدیدنظر کند

خبرگزاری فرانسه می‌افزاید: همکاری نزدیک روسیه با برنامه هسته‌ای غیر نظامی ایران در ماه‌های اخیر بسیار کم شده است. روس‌ها می‌گویند ایران پرداخت‌های مالی مربوط به ساخت نیروگاه بوشهر را به طور کامل انجام نداده است. اما تاکنون مسکو به شدت در مقابل فشارهای واشنگتن برای متوقف کردن راه‌اندازی اولین نیروگاه هسته‌ای ایران مقاومت کرده است.

رویتر (۲۷ مه) گزارش کرده است که ایران می‌گوید آماده است با روسیه، بر سر تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر، تفاهم کند.

تهران این اظهار نظر را بعد از آن کرد که روز جمعه، روسیه گفت: محتمل است گفتگوها، با ایران، در باره تکمیل ساختمان نیروگاه، در اواخر ماه در تهران انجام گیرند.

محمد علی جیبینی، سخنگوی وزارت خارجه گفت: گفتگوها میان ایران و روسیه جریان دارند اما مقامات روسیه، نظرهای مختلفی را ابراز می‌کنند.

روسیه می‌گوید: ایران قسط خود را بموقع پرداخت نکرده است. ایرانیها اصرار می‌ورزند که در سر رسید، قسط را پرداخت کرده‌اند. روسیه زیر فشار غرب بهانه‌گیری می‌کند.

* در ۵ ژوئن، یک روز پیش از تشکیل کنفرانس سران ۸ کشور، احمدی نژاد به شورای امنیت هشدار داد: تصویب قطعنامه جدید بازی با دم شیر است! در غرب، اعتقادات بر این که قصد ایران تولید بمب اتمی است، راسخ می‌شوند:

پس از آنکه احمدی نژاد به شورای امنیت هشدار داده است: آنها باید دانسته باشند که ایران یک کشور بزرگ است. برخی می‌گویند: ایران به شیری می‌ماند که آرام در گوشه‌ای نشسته باشد. ما به آنها نصیحت می‌کنیم با دم شیر بازی نکنند. او این سخنان را در گفتگو با روزنامه نگاران خارجی بر زبان آورد.

زیرا می‌دانست موضوع ایران، از موضوعهای مورد بحث سران ۸ کشور می‌شود.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت گزارش کرد که ایران به قطعنامه شورای امنیت، پیش از سر رسید ۲۴ مه، عمل نکرده است. وزرای خارجه این ۸ کشور، در بیانیه خود، خاطر نشان کردند که از شورای امنیت تقاضای صدور قطعنامه جدید شامل مجازاتی بیشتر را خواهند کرد. لوموند (۵ ژوئن)، زیر عنوان «آلمان حلقه ضعیف»، خبر می‌دهد که علی لاریجانی به برلن رفته و در ۵ ژوئن، با وزیر خارجه آلمان دیدار و گفتگو کرده است.

از وزیر خارجه آلمان پرسیده شد آیا گفتگو، به پیشرفتی انجامید؟ ما نمی‌توانیم بگوییم پیشرفتی حاصل شد. من نمی‌توانم به شما بگویم آیا ما به نتیجه‌ای خواهیم رسید.

بنا بر قول دیپلماتها، ایران امیدوار است آلمان را متقاعد کند که در کنفرانس سران ۸ کشور، از او دفاع کند به تریبی که سران ۸ کشور موضع ملایمی در قبال ایران اتخاذ کنند. از جمله با راه حل موافقت کنند که متوقف کردن کامل غنی‌سازی را در بر نگیرد.

یک دیپلمات غربی می‌گوید: ایرانیها آلمان را حلقه ضعیف گمان می‌برند. اما این احتمال که آنجلا مرکل، در این امر، از آمریکا فاصله بگیرد، بسیار ضعیف است.

برنارد کوشنر، وزیر خارجه جدید فرانسه ضمن حمایت از موضع قاطع خاور سولانا، گفت: مسئله بسیار دور از حل است.

در لندن، که کنفرانسی بین‌المللی در باره انرژی تشکیل است، لوئی اچاواری، مدیرعامل آژانس انرژی اتمی (OCDE) سازمان همکاری و رشد اقتصادی) گفت: من متقاعد شده‌ام که برنامه اتمی ایران طبیعتاً نظامی دارد. بنظر من، آنچه ایرانیان طی ۲۰ سال کرده‌اند و می‌کنند قابل توجه نیست. مگر این که قصد واقعیاتان تولید بمب اتمی باشد.

انقلاب اسلامی: در حقیقت، وقتی می‌بینند با چه اسراف و تبذیری منابع نفت و گاز کشور را اداره می‌کنند، وقتی می‌بینند چگونه درآمدهای نفت را تبذیر می‌کنند و ضربه‌های مرگ بار به اقتصاد کشور وارد می‌کنند، دائم بر شمار کسانی که متقاعد می‌شوند رژیم مافیاهای قصد تولید بمب اتمی دارد، افزوده می‌شود.

وابستگی بودجه و اقتصاد به نفت از سوئی و فساد از سوی دیگر، اقتصاد را بی‌جان کرده است:

* افزایش واردات موجب کاهش میزان تورم نگشته و دولت با هزینه‌های سخت‌آغشته به فسادش، عامل واپس رفتن بیش از پیش اقتصاد کشور است:

در ۱۱ خرداد ۸۶، به گزارش «نو اندیش»، در نشست دو هفته‌ای حزب در صفحه ۱۳



جوانان ایران اسلامی تحت عنوان « چشم انداز اقتصادی ایران » سعید لیلاز گفته است :

● رشد صنعتی در دولت نهم تک‌رقمی شده و به رقم ۶ تا ۷ درصد رسیده، در حالی که در دولت خاتمی رشد صنعتی دو رقمی بود.

● بهای واردات کالا و خدمات در سال ۸۵، ۵۰ میلیارد دلار بوده است. اگر نرخ رشد واردات ۲۰ درصد باشد، نرخ تورم ۲۵ درصد می‌شود.

● رشد صادرات در دولت نهم بالا بوده که آن نیز دو دلیل عمده داشته است. اول سرمایه‌گذاری‌های دولت خاتمی به ویژه در پتروشیمی و دوم افزایش قیمت نفت.

● مطالبات موقوفه بانک در ایران تا سال ۸۴ (در دوره صدساله) ۳/۵ هزار میلیارد تومان بوده، ولی در سال ۸۵ به تنهایی به رقم بی‌سابقه ۱۵ هزار میلیارد تومان رسیده است.

● یکی از مقامات ارشد دولت تعرفه گمرکی در دوره گذشته را خائنه خوانده بود اما رقم آن در دولت نهم دو درصد نیز کاهش یافته است.

● در نیمه سال ۸۳ شاخص بورس ۱۳ هزار بود، اما در حال حاضر ۹ هزار و ۴۰۰ است در حالی که براساس رشد نقدینگی سال ۸۴ که ۳۲ درصد بوده شاخص باید ۲۵ هزار بود.

● حجم بازار بورس در حال حاضر ۴ میلیارد دلار است، در حالی که در تبلیغات حجم آن ۴۰ میلیارد دلار ارزیابی می‌شود.

● در دولت نهم حجم دولت افزایش پیدا کرده است. این افزایش، پس از جنگ، بی‌سابقه بود و سهم بخش خصوصی کاهش پیدا کرد. در این دوره رشد هزینه‌های دولتی ۵۰ درصد بوده و پرسنل و هزینه‌های دولت نیز افزایش پیدا کرده است.

● بودجه عمرانی در سال ۸۵ نسبت به سال ۸۴، ۸۰ درصد افزایش یافت. اما این افزایش ۸۰ درصدی به دلیل ریخت و پاش‌ها به افزایش نرخ رشد اقتصادی کمک نکرد.

● چشم‌انداز رشد ۴/۵ تا ۵ درصد را در پیش‌رو داریم که کاهش در رشد محسوب می‌شود و باعث افزایش برداشت از صندوق ذخیره ارزی و تورم در حد ۱۶ تا ۱۷ درصد می‌شود.

● سیاست‌های انبساطی باعث تورم و نارضایتی اجتماعی خواهد شد و کاهش سرمایه‌گذاری و فرار سرمایه و کاهش نرخ بهره‌وری نیز تشدید خواهد شد.

انقلاب اسلامی : این سان صرف کردن درآمدهای نفت در تخریب اقتصاد کشور، پولی برای سرمایه‌گذاری در بهره برداری از منابع نفت و گاز که شیشه عمر رژیم است، باقی نمی‌گذارد. پس باید به سراغ شرکت‌های نفت خور بدون دست:

*** برای افزودن یک میلیون بشکه بر تولید نفت ایران، ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه لازم است و بانکها حاضر به معامله با ایران نیستند :**

ترکان، مدیر عامل شرکت ملی نفت و گاز پارس، در گفتگو با رویتر (۸ خرداد ۸۶) گفته است : تامین سرمایه ارزی و همچنین کساندن پای شرکت‌های غول‌پیکر نفتی به ایران برای توسعه صنعت نفت و گاز و پتروشیمی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر

است و هر روزی که این کار به تاخیر بیفتد جبران آن سخت‌تر می‌شود. در حالی که عبدالمحمد دلپرش، مدیر برنامه‌ریزی شرکت ملی نفت ایران می‌گوید برای افزایش ظرفیت تولید یک میلیون بشکه نفت در روز نیازمند ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری هستیم، اکبر ترکان، خبر می‌دهد که بانک‌های اروپایی از ارائه فاینانس به ایران خودداری می‌کنند.

ترکان به رویتر گفته است : به علت فشارهای آمریکا، بانک‌های اروپایی حاضر به ارائه فاینانس به شرکت‌های ایرانی نیستند و به همین دلیل برای تامین مالی پروژه‌های نفت و گاز مجبور به تاسیس صندوق سرمایه‌گذاری در بحرین یا دبی هستیم. ایران قصد دارد به منظور دور زدن تحریم‌های بانکی آمریکا، صندوق سرمایه‌گذاری در خارج از کشور ایجاد کند تا از طریق این صندوق هزینه پروژه‌های عظیم پارس جنوبی را تامین کند.

احتمالا ایران صندوق سرمایه‌گذاری فوق را در بحرین و دبی که مراکز مالی منطقه هستند تاسیس خواهد کرد. چنین صندوقی تحت تحریم قرار نخواهد گرفت.

وی اضافه کرد: تاسیس این صندوق به تأیید نهایی دولت نیاز دارد، اما مطمئنم که صندوق سرمایه‌گذاری پارس جنوبی، طی یک ماه تأییدیه رسمی دولت را به دست خواهد آورد.

فشارهای آمریکا اکنون به شرکت‌های نفتی توتال و استات‌ویل نیز رسیده است و رویال داچ شل و توتال که از سرمایه‌گذاران در ایران هستند، علنا اعلام کرده‌اند تگرانی‌های سیاسی می‌تواند هرگونه طرح سرمایه‌گذاری جدید را تحت تأثیر قرار دهد. به گزارش رویتر، طرح تاسیس صندوق سرمایه‌گذاری پس از کنار کشیدن بانک سوسیته ژنرال فرانسه از تامین مالی فازهای ۱۷ و ۱۸ پارس جنوبی مطرح شد.

ترکان در این باره گفته است: پس از کنار کشیدن سوسیته ژنرال، دولت ۷۲۰ میلیون دلار از حساب ذخیره ارزی برای این فازها اختصاص داد اما این پروژه به رقمی معادل ۵ میلیارد دلار اعتبار نیاز دارد.

قرارداد ۲۵ میلیارد دلاری ایران با شرکت ملی نفت فراساحل چین در اواخر ماه آگوست به امضا خواهد رسید.

عبدالمحمد دلپرش گفته است : اکتشاف گسترده، توسعه بیشتر مبادین نفتی، تزریق گاز به جاه‌ها و واردات تکنولوژی‌های پیشرفته از جمله اقدامات لازم برای افزایش تولید نفت ایران به پنج میلیون بشکه نفت در روز هستند. برای تحقق این هدف به مشارکت شرکت‌های خارجی نیازمند هستیم و رقم ۱۰۰ میلیارد دلار حداقل مبلغی است که در این زمینه پیش‌بینی می‌شود.

انقلاب اسلامی : وقتی پول برای سرمایه‌گذاری در نفت و گاز نیست و فرصت‌های رانت خواری بسیار است، در بخش‌های دیگر اقتصاد سرمایه‌گذاری نیز نمی‌شود و صادرات غیر نفتی در پتروشیمی ناچیز می‌شود :

توریه!؟

*** صادرات غیر نفتی نمی‌توانند رشد کنند و وابستگی بودجه و اقتصاد به نفت عامل بازدارنده رشد اقتصادی است :**

◀ نشریه سرمایه (۸ خرداد ۸۶)، از قول استادان دانشگاه، توضیح می‌دهد چرا صادرات غیر نفتی افزایش نمی‌یابند و چرا وابستگی بودجه و اقتصاد کشور به نفت، مانع اصلی رشد اقتصادی است : انعطاف‌ناپذیری قیمت‌ها و شاخص‌های کلان اقتصادی موضوعی است که همواره ذهن اقتصاددانان کشور را در سه دهه اخیر به خود معطوف کرده است. بسیاری مواقع دیده شده که تصمیم‌گیران اقتصاد کشور نمی‌توانند بر روی انعطاف‌پذیری شاخص‌ها و متغیرها حساب کنند تا بتوانند تغییرات مورد انتظار خود را ایجاد و وضعیت شاخص‌ها را سامان‌دهی کنند.

به عنوان مثال، با این که نرخ ارز از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۴ رو به افزایش بود و پس از یک دوره وقفه زمانی و تثبیت نرخ ارز، دوباره شناور شد و تا ۹۳۰ تومان به ازای هر دلار، بالا رفت، اما انتظار مورد نظر کارشناسان برای رشد صادرات غیر نفتی را محقق نکرد و صادرات غیر نفتی غیر از محصولات پتروشیمی همواره در حد محدودی بود.

عباس شاکری رییس دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبایی با اشاره به تحقیقی که پیرامون انعطاف‌ناپذیری متغیرها و قیمت‌ها در اقتصاد ایران انجام داده گفت: «از آن‌جا که صادرات غیر نفتی ایران سستی و شامل پسته، فرش، مواد معدنی و صنایع دستی است در نتیجه رقم صادرات غیر نفتی دارای مشتریان خاص در آلمان، اروپا و کشورهای دیگر نظیر امارات است و میزان ثابت را تشکیل می‌دهد.»

وی افزود: «تکنولوژی ساخت کالاهای ایرانی نیز تکنولوژی روز نیست و متناسب با سلیقه و تقاضای روز بازارهای جهان پیش نمی‌رود و هر گونه تغییر در نرخ ارز قیمت کالاها، هزینه تمام شده، نرخ سود بانکی و موارد دیگر باعث رشد بیش‌تر صادرات غیر نفتی نمی‌شود.»

محمد زند وکیلی عضو کانون دانش‌آموختگان نیز در این باره گفت: «صادرات بخش پتروشیمی و صنایع و کالاهای وابسته به نفت نیز که از سال ۷۹ به بعد رشد کرده متاثر از تغییرات نرخ ارز با سایر متغیرهای کلان نبوده و با این که نرخ ارز ثابت است اما صادرات پتروشیمی به خاطر رشد شدید قیمت نفت در بازار جهانی، اثر انرژتی ارزان و برخورداری ایران از ذخایر نفت افزایش شدیدی داشته است.»

بنابراین وقتی صادرات غیر نفتی و پتروشیمی بدون اثرپذیری از نرخ ارز و متغیرهای دیگر افزایش یا کاهش پیدا می‌کند این نتیجه را به ما می‌دهد که مهم‌ترین عامل انعطاف‌پذیری در اقتصاد ایران، نفت، قیمت نفت، درآمد نفت، وابستگی بودجه دولت به نفت و بارانه‌های نفتی است. بنابراین هر تغییر و تحول در شاخص‌های اقتصادی را باید متاثر از درآمد نفت تحلیل کرد و سهم سایر متغیرهای کلان از تحولات اقتصادی دیگر کم است زیرا ساختار

اقتصادی ایران وابسته به نفت است و با پس‌افتادگی‌های متعدد روبه‌رو است و ساختار تولید کالایی نیز یا سنتی است و یا از تکنولوژی و دانش فنی روز جهان فاصله دارد. به عنوان مثال، با وجود تولید یک میلیون دستگاه خودرو، صادرات خودرو و قطعات آن رقم بسیار اندکی از کل صادرات غیر نفتی کشور را تشکیل می‌دهد و تنها به چند کشور سوریه، بلاروس و ونزولا خودرو صادر می‌شود که دلیل عمده این وضعیت بالا بودن هزینه تولید و کارایی پایین تولید، کیفیت پایین، فاصله تکنولوژی و دانش فنی خطوط تولید تا تکنولوژی روز، مدیریت ناکارآمد خودروسازان، بازاریابی عقب افتاده کشور و تش موجود بین کشورها است که باعث می‌شود انعطاف لازم در میزان تولید، قیمت کالا و صادرات را شاهد نباشیم.»

انقلاب اسلامی : بودجه ویرانگر اقتصاد و فقدان سرمایه، نیاز به قرضه خارجی را افزایش می‌دهد :

*** با وجود در آمد نفتی بسیار، قرضه خارجی ایران افزایش می‌یابد :**

◀ بنا بر ارزیابی موسسه بیزینس مانیتور، در گزارش سه ماهه سوم ۲۰۰۷ خود، با عنوان "The IRAN Q3 Buiness Forecast Report 2007" (ایسنا ۸ خرداد) میزان بدهی‌های خارجی ایران در سال گذشته را ۲۲ میلیارد و ۲۳۰ میلیون دلار برآورد و پیش‌بینی کرد که این میزان در سال جاری با یک میلیارد و ۴۹۰ میلیون دلار افزایش به ۲۳ میلیارد و ۷۲۰ میلیون دلار برسد.

افزایش بیش از دو میلیارد دلاری مجموع بدهی‌های خارجی ایران در سال ۸۷ منجر به ثبت رقم ۲۵ میلیارد و ۹۵۰ میلیون دلار برای این شاخص خواهد شد که با کمتر از دو میلیارد دلار افزایش این شاخص در سال ۸۸ به ۲۷ میلیارد و ۷۴۰ میلیون دلار خواهد رسید.

سال ۸۹ سالی خواهد بود که انتظار می‌رود مجموع بدهی‌های خارجی ایران به ۲۸ میلیارد و ۷۸۰ میلیون دلار برسد که با حدود یک میلیارد دلار افزایش در سال ۱۳۹۰ رقم ۲۹ میلیارد و ۶۸۰ میلیون دلار برای مجموع بدهی‌های خارجی کشور به ثبت خواهد رسید.

مجموع بدهی‌های خارجی ایران در سال ۱۳۹۰ در حدود هفت میلیارد و ۴۵۰ میلیون دلار بیشتر از سال ۸۵ و پنج میلیارد و ۹۶۰ میلیون دلار بیشتر از سال ۸۶ خواهد بود.

*** شرکتهای دولتی و خصوصی نیز به وامهای خارجی (= در آمده آینده از محل فروش نفت و گاز) متکی هستند :**

◀ فارس (۱۱ خرداد) گزارش کرده است : شرکت های دولتی و غیردولتی ایران طی هشت سال منتهی

به ۲۰۰۶ بیش از ۱۸ میلیارد دلار وام از منابع خارجی دریافت کرده اند. به گزارش بانک جهانی شرکت های خصوصی و دولتی ایران طی سال های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۶ در مجموع ۱۸/۷ میلیارد دلار از منابع بانکی خارجی وام دریافت کردند. در حالی که انتشار اوراق قرضه، فروش اوراق سهام و اخذ وام سه منبع تامین سرمایه مورد نیاز شرکت ها از منابع خارجی است شرکت های ایرانی طی سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۶ تنها از یک منبع برای افزایش سرمایه خود استفاده کرده اند و آن اخذ وام است. بر اساس این گزارش طی مدت مذکور شرکت های دولتی و غیردولتی ایران در مجموع ۱۸/۷ میلیارد دلار از منابع خارجی وام دریافت کردند. در میان ۲۰ کشور در حال توسعه، ایران از نظر میزان اخذ وام توسط شرکت های دولتی و غیردولتی خود از منابع خارجی در جایگاه شانزدهم قرار گرفته است. شرکت های برزیلی بیشترین اخذ وام در مدت مذکور را داشته اند. این شرکت ها طی هشت سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۶ در مجموع ۱۰۰ میلیارد دلار وام از منابع خارجی دریافت کردند. پس از برزیل، روسیه با ۹۸ میلیارد دلار، مکزیک با ۹۷ میلیارد دلار، چین با ۸۰ میلیارد دلار، ترکیه با ۷۲ میلیارد دلار، هند با ۴۹ میلیارد دلار، شیلی با ۴۳ میلیارد دلار و مالزی با ۳۸ میلیارد دلار به ترتیب در مراتب بعدی قرار گرفته اند. لبنان نیز با اخذ ۳۴۴ میلیون دلار در جایگاه آخر قرار گرفته است.

انقلاب اسلامی : چه جای تعجب اگر از این اقتصاد سرمایه‌ها بگریزند :

*** سرمایه‌ها همچنان از ایران می‌گریزند :**

◀ به گزارش اعتماد ملی (۸ خرداد) : اگرچه « فرار سرمایه » و «امنیت سرمایه» برای دولت نهم بی‌معنا یا حداکثر کم‌اهمیت هستند، از این رو توجیحی به آنها نمی‌کند، اما به نظر می‌رسد دو سال پس از روی کارآمدن دولت نهم این واژه‌ها و ترکیب‌ها به واژه‌هایی معنادارتر از قبل تبدیل شده اند. ترکیب‌هایی که بارها از سوی رئیس قوه قضاییه به شکل‌های مختلف نسبت به آنها هشدار داده شده که البته کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

به گزارش ایسنا، شرکت‌های ثبت‌شده در منطقه آزاد تجاری راس‌الخیمه امارات عربی متحده از مرز ۳ هزار مورد گذشته است.

یک سال از تاسیس و راه‌اندازی منطقه آزاد تجاری راس‌الخیمه امارات می‌گذرد که بیش از ۴ میلیارد درهم از محل ثبت شرکت‌ها در این منطقه عاید دولت این کشور شده است. این منطقه آزاد برای جذب سرمایه‌گذاران تاکنون یکی از موفق‌ترین مناطق آزاد تجاری امارات عربی متحده شناخته شده است.

شیخ فیصل بن صقر القاسمی - مدیر منطقه آزاد تجاری راس‌الخیمه - در سالروز تاسیس این منطقه گفت: در مدت یک سال گذشته بیش از ۳۱۸۶ شرکت از ۱۰۰ کشور جهان در منطقه آزاد تجاری راس‌الخیمه سرمایه‌گذاری کرده‌اند



که سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی بیش از ۴ میلیارد درهم (۱/۱ میلیارد دلار) در این منطقه سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

طبق آخرین آمار منتشر شده در اوایل سال جاری میلادی، بیش از ۳۵۰ شرکت ایرانی در منطقه آزاد تجاری راس‌الخیمه به ثبت رسیده‌اند، اما این همه آمار ایرانیانی که در امارات عربی متحده به سر می‌برند و سرمایه‌های کوچک و بزرگ خود را در اقتصاد این کشور به کار گرفته‌اند، نیست.

بر اساس گزارش‌ها، تا دو سال قبل ۶ هزار و ۵۰۰ شرکت ایرانی فقط در دبی به ثبت رسیده و ایرانیان نزدیک به ۳۵۰ میلیارد دلار در این شیخ‌نشین سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

انقلاب اسلامی: و البته فسادها بزرگ می‌شوند و از فسادگران بزرگ که در حاکمیت استبدادی شریک هستند کسی گرفتار نمی‌شود. با وجود این، نمونه‌هایی از فسادها که از پرده بیرون می‌افتند! گوید وسعت فساد هستند:

* فسادهای بزرگ: دستگیری

بزرگ‌ترین بدهکار شبکه بانکی که ۱۰ هزار میلیارد تومان بدهی معوق بانکها!:

در ۸ خرداد، خبرگزاری فارس گزارش کرده است: ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز با ارائه گزارشی پرده از پرونده یکی از دانه درشتها برداشته که بالغ بر ۲ هزار میلیارد تومان به سیستم بانکی بدهکار است.

«ح.ب.» (حمید باقری درمنی پس از صدور حکم ضبط کالا و جریمه حدود ۱۳ میلیارد ریال، تلاش وسیعی را آغاز کرده تا با جابجایی برچسبها و کارت‌های کالاها، از ضبط کالاها قاجاق خود جلوگیری نماید.

نامبرده با ادعای احداث کارخانه تولید خودروی لوکس به اندازه بنز، بی.ام.و در گرمسار و نصب سوله و اشتغالزایی برای ۱۵۰۰ نفر اقدام به اخذ ۶۰ میلیارد تومان وام می‌نماید و سپس مکان فوق را تبدیل به انبار اجناس قاچاق می‌کند. بهنگام دومین دستگیری وی به حکم بازپرس گرمسار و نیابت اعطایی به دادسرای تهران، علیرغم مقاومت ۲/۵ ساعته و جلوگیری از اجرای حکم، در ساعت ۱۱ شب دستگیر و به پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل می‌شود.

رئیس دفتر هماهنگی و نظارت هیات‌های رسیدگی به تخلفات اداری به وزیر اقتصاد و دارایی، در باره او نوشته است: نامبرده طبق مستندات موجود رقمی بالغ بر ۲۰ هزار میلیارد ریال اعم از ریالی و ارزی به نظام بانکی کشور بدهکار است. عمده دریافتی‌های نامبرده بازگشایی بی ضابطه LC از سوی بانک‌های عامل و بر اساس زد و بند با برخی از پرسنل بوده است.

تاکنون نامبرده یک میلیارد و یکصد و پانزده میلیون دلار تسهیلات ارزی از بانک‌ها دریافت کرده و ۱۰۰ میلیون دلار نیز از صندوق ذخیره ارزی دریافت کرده که تعهدات پرداخت

آن بانک‌های داخلی است و عمدتاً بصورت یوژانس بوده است.

تمامی بررسی‌ها نیز نشان می‌دهد که نامبرده به هیچ یک از تعهدات خود در قبال بانک‌ها عمل نکرده است. ایجاد سپرده به نام خود و اعضای خانواده و سوء استفاده از اعتبارات سپرده جهت کسب اعتبار شرکت زنجیره‌ای غیر فعال از دیگر شگردهای اخذ تسهیلات کلان توسط نامبرده بوده است. از سوی دیگر تمام فعالیت‌های نامبرده در زمینه قاچاق کالا، پولشویی و ایجاد دفاتر بازرگانی در کشور امارات بوده که متأسفانه با نفوذ در گمرکات خرمشهر، سلفچگان، چابهار، سیرجان و جنوب تهران و زد بند با برخی مسئولین گمرکی، مرتکب تخلفات گسترده در زمینه واردات کالا شده است.

هم اکنون چند محموله بزرگ از کالاها قاجاق شده توسط نامبرده و عوامل مربوطه توسط وزارت اطلاعات کشف و ضبط شده است و نامبرده تحت تعقیب قضایی است. بر اساس این گزارش کل بدهی معوق بانکها ۱۰ هزار میلیارد تومان است.

در ۱۴ خرداد، بازتاب خبر داد که با بررسی‌های بعمل آمده، معلوم شده است که میزان خورد و برد این شخص، یک چهل رقمی است که در آغاز اعلان شده است!

حمید باقری درمنی که طبق مستندات موجود بالغ بر ۲۰ هزار میلیارد ریال بدهی بانکی دارد، یک روز پس از دستگیری با اخذ تعهد اخلاقی آزاد شد!!

انقلاب اسلامی: به یاد بیاورید ماجرای قاچاق طلا را که توقیف شد. نخست طلا بود، بعد برنز شد و دست آخر مس گشت! این احتمال وجود دارد که «بررسی» مجدد، برای آسودن خاطر شرکای این شخص و نیز «حفظ آبروی نظام» بوده باشد. در رقمها تأمل کنید تا از شدت آلودگی رژیم به فساد آگاه شوید: یک زد و بند چی، آنهم برای بکار بردن وام بانکی در وارد کردن قاچاق، بنا بر خبر نخست، افزون بر ۲ میلیارد دلار از بانکها کلاهبرداری کرده است (بازتاب بدهی این شخص را ۷۰ میلیارد تومان می‌نویسد که حدود ۸۰ میلیون دلار می‌شود)

و بانکها ۱۱ میلیارد دلار سرمایه متعلق به مردم را در اختیار رانت خوارها گذاشته‌اند که پس نمی‌دهند. طرفه این که از سوئی سرمایه را این سان به جیب فاسدترین رانت خوارها می‌ریزند و دیگر دنبال شرکت‌های بزرگ و بانک‌های خارجی هستند که بیایند در ایران ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری کنند!

* هزینه «ستاد رایحه خوش»

خدمت از راه فساد مالی تأمین می‌شود:

سایت اقتصاد نهان، بدون بردن نام شرکتی که در قاچاق پوشاک خارجی دست داشته، اطلاع داده بود: «شرکت متخلف که موقوفه خاص

توریه!؟

سازمان بهزیستی است، با استفاده از معافیت قانونی آن سازمان، پوشاک خارجی قاچاق را در خارج از کشور از قاچاقچیان، دریافت و در ازای واردات آن به داخل کشور، با استفاده از ۱۰۰ درصد معافیت گمرکی، اقلام مزبور را پس از ترخیص از گمرک و در قبال دریافت مبلغی حدود (یک سوم) عوارض گمرکی در داخل کشور، به قاچاقچیان تحویل می‌داده است.»

پس از انتشار این گزارش، روزنامه شرق (۱۳ خرداد) خبر داده است: شرکت متهم به دست داشتن در قاچاق، «بهزیست بنیاد» نام دارد و اعضای هیات مدیره آن نیز، به اتهام قاچاق تحت پوشش امور خیریه، تحت تعقیب قرار گرفته‌اند. شرکت بهزیست بنیاد با مدیریت محمدرضا قلی زاده شیروان، سید رستم سید آقاخان و امیر قیصرزاده، متهم به واردات انواع کالا از جمله پوشاک تحت پوشش امور خیریه است.»

این شرکت پس از عقد قرارداد با اشخاص، کالاها آنان را تحت پوشش امور خیریه و با تعرفه صفر درصدی وارد و در ازای این اقدام، مبالغ هنگفتی دریافت می‌کرده است.

شرکت «بهزیست بنیاد» پس از عقد قرارداد با یک شخص حقیقی، صدها هزار قلم کالا از قبیل گوشی تلفن، آیفون تصویری، برنج، چای، و لاستیک کامیون را با دریافت چهار میلیارد و ۶۰۰ میلیون ریال، وارد کشور کرده است. در همین گزارش آمده بود که به عنوان نمونه، شرکت «بهزیست بنیاد» پس از عقد قرارداد با یک شخص حقیقی، صدها هزار قلم کالا از قبیل گوشی تلفن، آیفون تصویری، برنج، چای، و لاستیک کامیون را با دریافت چهار میلیارد و ۶۰۰ میلیون ریال، وارد کشور کرده است.

سید رستم سید آقاخان، یکی از سه مدیر این موسسه، از نزدیکان احمدی نژاد است و از نامزدان ستاد حامیان دولت در انتخابات شورای شهر تهران در آذرماه سال ۱۳۸۵ نیز بوده است. او منبع مالی «ستاد رایحه خوش خدمت» است.

موسسه بهزیست بنیاد، در سال ۱۳۸۴ پس از به قدرت رسیدن محمود احمدی نژاد تأسیس شد.

رسوایی دوم بهزیست پترولیوم: روزنامه تهران امروز خبر داده است: یکی دیگر از موسسات وابسته به سازمان بهزیستی با نام «بهزیست پترولیوم» که آن نیز با به ریاست یافتن احمدی نژاد، تأسیس شده است، در قاچاق محصولات پتروشیمی دست دارد.

شرکت «بهزیست پترولیوم»، تحت پوشش شرکت بهزیست بنیاد، برای ورود به صادرات ضایعات پتروشیمی تأسیس شده است و «قصد صادرات ۱۵ هزار تن ضایعات پتروشیمی را از طریق مرز جلفا داشته است». بنا به همین گزارش محموله‌ای که این شرکت می

خواست صادر کند، در حال حاضر توقیف شده است.

دو تن از اعضای هیات مدیره شرکت «بهزیست پترولیوم» که زیرمجموعه موسسه «بهزیست بنیاد» فعالیت می‌کرد، دارای سوابق فساد اقتصادی و جعل و محکومیت بودند و یکی از این افراد اخیراً نیز توسط یک نهاد امنیتی بازداشت شده است.»

به نوشته روزنامه تهران امروز، دو تن از اعضای هیات مدیره شرکت «بهزیست پترولیوم» که زیرمجموعه موسسه «بهزیست بنیاد» فعالیت می‌کرد، دارای سوابق فساد اقتصادی و جعل و محکومیت بودند و یکی از این افراد اخیراً نیز توسط یک نهاد امنیتی بازداشت شده است.»

انقلاب اسلامی: خبرها بی که خوانده اید می‌گویند چرا سرمایه گذاری نمی‌شود و در نتیجه میزان بیکاری افزایش پیدا می‌کند:

* ظرفیتهای بخش دولتی و

خصوصی پر هستند و شمار متقاضیان کار در افزایش و میزان باروری در کاهش:

در ۲۷ اردیبهشت، آفتاب گزارش کرده است: محمد سلجوقی، مدیرکل مرکز توسعه امور کارآفرینان وزارت کار و امور اجتماعی میزان بیکاری را در میان افراد زیر دیپلم هفت درصد و در میان تحصیل کرده‌ها بیش از ۱۵ درصد اعلام کرد و گفت: امروز عرضه نیروی کار ما در حال افزایش است اما در آن سو هیچ خبری نیست. فضای اشتغال کشور در بخش دولتی اشباع شده و اگر قرار باشد دولت کارآفرین باشد باید ۷۰ درصد این نیرو را تعدیل کند و بخش خصوصی هم در حوزه صنعت و کشاورزی ظرفیت خالی ندارد.

در «همایش کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک» میزان خطرپذیری سرمایه‌گذاری را در سوئیس ۱۵ درصد و در ایران ۴۵ درصد ذکر کرده و افزوده است: طی سالهای بعد از انقلاب هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان سرمایه ایرانیان از کشور خارج و فقط در مقابل ۲۰ میلیارد تومان بر روی کاغذ توانستیم سرمایه جذب کنیم که از این میزان هم فقط حدود هفت میلیارد تومان آن محقق شده است.

در اوایل جنگ تحمیلی، میزان باروری نیروی کار ۱/۶۵ درصد بود اما طی این سالها این رقم با ۱/۱ درصد کاهش هم‌اکنون به ۶۴ درصد رسیده است.

سلجوقی تولید ناخالص داخلی کشور را طی سال گذشته ۹۰ میلیارد دلار ذکر کرده و گفته است: اگر این میزان با بهره‌وری ۱/۶۵ درصد محاسبه می‌شد امروز رفاه مردم ما پنج برابر شده بود.

انقلاب اسلامی: هرگاه سلجوقی از خود می‌پرسید چرا در دوران مرجع انقلاب ایران باروری بالا بود و حال حدود یک سوم آن زمان است؟ می‌باید از نقش بودن آزادی و نبودن فساد، بودن حکومت با برنامه و نبودن دولت مافیاهای رانت خوار، لحاظ کردن استقلال در رشد اقتصادی و کوشش برای تابع ملت کردن دولت (که امروز یکسره خارجی شده و کارگزار اقتصاد مسلط است) و... سخن بمیان می‌آورد:

رژیمی با مشخصاتی که داده‌ها و اطلاعات گردآوری در این مجموعه، در اختیار ایرانیان می‌گذارد، جز سرکوب و تجاوز به حقوق انسانها چه می‌تواند بکند!؟

اعدامها، دستگیریه‌ها و تجاوزها به حقوق دانشجویان و کارگران و...

در ۲ خرداد ۸۶، به گزارش کمیته دانشجویی گزارشگران حقوق بشر با مرخصی رفتن تعدادی از زندانیان سیاسی و آزادی شماری از زندانیان سرشناس در زندان اوین همانند ناصر زرافشان، احمد باطبی و... دور جدید فشار بر سایر زندانیان سیاسی آغاز گشته است.

پس از انتقال ۴ تن از زندانیان سیاسی (حمید برهانی- هاشم شاهین‌نیا- ابراهیم مومنی- مجتبی رازق) به اتهام اعتراض به مسئولین بهداری زندان به دلیل عدم رسیدگی به شرایط نامساعد احمد باطبی، حیدرلو رئیس بند ۳۵۰ طی اقدامی سازمان یافته فشارهای خود را بر زندانیان سیاسی افزایش داده است.

در روزهای گذشته با دستور حیدرلو و به بهانه کمبود فضای نگهداری مجرمین در سایر بندها، زندانیان سیاسی وادار شدند که ۲ اتاق خود را تخلیه و به تعدادی از زندانیان عادی واگذار کنند.

به گفته‌ی زندانیان سیاسی، زندانیان مذکور از عوامل حفاظت زندان اوین می‌باشند که برای کنترل هر چه بیشتر بر اعمال زندانیان سیاسی به این بند منتقل شده‌اند.

در ۵ خرداد ۸۶، یک زندانی سقزی به نام مصطفی سلیمی فرزند عبدا... که به اتهام محاربه دستگیر و به اعدام محکوم شده است، در اعتراض به روند دادرسی و صدور حکم سنگین برای خود، دست به اعتصاب غذا زد.

در ۵ خرداد ۸۶، هشت تن از دانشجویان ممنوع‌الوورد دانشکده ادبیات علامه طباطبایی با در دست داشتن پلاکاردهایی در اعتراض به ممنوع‌الووردی خود در مقابل این

در صفحه ۱۵

اشتراک یک ساله: اروپا ۳۵ و خارج از اروپا ۳۸ اورو. اشتراک شش ماهه: اروپا ۱۸ و خارج از اروپا ۲۰ اورو. لطفاً کپی و چک نفرستید، و با اشتراک را تقدیم بایست سفارش یا به حساب بانک واریز فرمایند.

Nr. 673 11 - 24 june 2007.

درج مقالات الزاماً دیدگاه نشریه انقلاب اسلامی نیست و تنها بعنوان بحث آزاد تلقی میگردد

راهنمای حاکم بر حوزه های دینی که مبنای آن بر منطق ارسطو استوار است دین چیزی جز ریا و تزویر و ابزاری برای کسب قدرت نمیتواند باشد. چنین دینی نمیتواند با آزادی مخالف نباشد و دروغ را جایز نشمارد. در این نحله فکری اطاعت از فقیه لازم می آید و حق انسان انکار قدرت مطلقه فقیه و ولایت او بر جان و مال و ناموس "عوام" ثابت می شود. معدودی از اهل تفکر کرده اند همواره اگر از راه ارفاق تکفیر نشده باشند با مشکلات عدیده ای مواجه گشته اند. با دقت به فتوای یاد شده در مورد توره از سوی ولی فقیه حاکم بر ایران، این سؤال به ذهن هر شنونده می آید، مقلد حضرات و یا هر شنونده دیگری از کجا بداند هر حرفی از دهان ایشان واصحاب ولایت مطلقه بر می آید توره نیست؟ مثلاً وقتی امام جمعه تهران میگوید باید با فساد مبارزه کرد در دل عکس آن مراد اوست؟ یا آقای خامنه ای میگوید ما با آمریکا مذاکره نمیکنیم منظور او همان لحظه سخن گفتن است. بنا بر این اصل مقامات جمهوری اسلامی در تمامی مذاکرات خویش به طرف خویش دروغ مصلحتی میگویند. وقتی آقای خامنه ای و یا دیگران میگویند ما قصد نداریم سلاح اتمی بسازیم منظورشان همان لحظه و همان مکان است و لحظه و مکان که تغییر کرد تهدید بر آنها نیست، حال با این طرز تفکر و سالوس بازی چگونه میشود اعتماد سازی کرد کسی که به مردم خویش دروغ میگوید و امام جمعه ها را تشویق میکند که در نماز، در مقابل خدا دروغ بگویند چه ولایتی میتواند بر جان و مال و ناموس مردم داشته باشد؟ از قرار ما مردم نیز نا خواسته و ناخود آگاه توره بکار می بریم و گرنه چگونه مردمی میتوانند این همه دروغ و زور را بپذیرند؟ شاید بدین ترتیب بشود گفت دامن توره وسیع است.

«توریه» جواز شرعی گناه کبیره و دامن آن!

مورد دیگر را از قول ائمه و ضرورت حفظ جان دانسته اند اما چه کسی بهتر از امام حسین(ع) به این امر واقف بود، پس چرا برای حفظ جان خود و اهل بیت و اصحابش به توره توسل نکرد؟ - (در متون حدیث و فقه بویژه اهل سنت کار برد واژه معراض یا معاریض به جای توره هم رایج است و گاه

وقتی رژیم نیاز اسرائیل و آمریکا و بسا تمامی غرب را به دشمن بر می آورد، چرا باید برای غرب خطر داشته باشد؟

برای آنکه هر ایرانی بتواند دیدی باز هم روشن تر بیابد، بر او است که فرض کند که اگر با سقوط رژیم پهلوی، دولت مردم سالار مستقر شده بود و جامعه ایرانی جامعه ای باز شده و رشد کرده بود. با سقوط امپراطوری روسیه، الگوی کشورهای آسیای میانه کدامیک از الگوها می شد؟ جامعه های عرب صاحب نفت به کدام سمت تحول می کردند؟ توانائی کشورهای نفت خیز در اتخاذ سیاست نفتی مشترک چه اندازه می شد؟ توانائی آنها در بکار انداختن سرمایه ها در رشد چه میزان می شد و امروز، منطقه و بسا جهان در چه وضعیتی بود؟ این پرسشها، از لحاظ زمان، حال و آینده نزدیک، اهمیتی تعیین کننده دارند. چرا که به هر ایرانی می گویند: در برخاستن لحظه ای نیز نباید درنگ کند. فرصتی را که بدست آمده است، نباید از دست بدهد. می تواند ایران نیرومند را بسازد و، امروز، قدرتی که بتواند مانع از تحول ایران از درون بگردد نیست. هرگاه برخیزد و در پی آزادی و استقلال شود و در وطن مستقل، راه رشد را در پیش گیرد، ایران را به کشور توانائی دارای نقش جهانی، بدل تواند کرد.

تعبیری دیگر مانند «تاویل» بکار رفته است - برخی از فقها نیز این نکته را یاد آور گشته اند که نباید بر توره کردن مفسده ای مترتب شود و توره مشمول عمل حرامی باشد و گرنه توره حرام است حال چگونه میشود به استناد به عمل توره دروغ را که در قرآن حرام است و گناه شمرده میشود جایز شمرد، ظاهراً این معجزه فقط از فقه ارسطو زده بر می آید. در فکر

در حقیقت، غرب می داند چه سیاستی را می باید در قبال ایران اتخاذ کند تا که مردم ایران توانائی جانشین کردن آن را با دولت مردم سالار پیدا کنند. این سیاست، در هر فرصت به غرب پیشنهاد شده است. اما هیچیک از تدبیرها، از سوی هیچ دولت غربی، بکار برده نشده است. هم اکنون نیز، سیاست غرب (آمریکا و اروپا) اینست که « عمل گرایان » و « اصلاح طلبان » را تقویت و با کار بدست شدن آنها، رژیم تعدیل شود. تأمل در سیاست غرب در ایران، در دوران مرجع انقلاب ایران، هر ایرانی را نخست به این فکر می اندازد که در سیاست غرب، در طول تاریخ دو قرن اخیر، تأمل کند و چون چنین کند، در می یابد که از جنبش تنباکو تا انقلاب ایران، غرب سیاستی ضد جانبداران استقلال و آزادی را داشته است. رفتار غرب در قبال تجربه مردم سالاری در ایران، در قبال تجاوز عراق به ایران، تا خرداد ۱۳۶۰ و رفتار همین غرب بعد از کودتای خرداد ۶۰، جز این واقعیت را نمی گوید، غرب ضد تمایل استقلال و آزادی و یاور تمایل استبداد و وابستگی (خط سید ضیاء) بوده است و هست.

از این رو، رویه ای که در قبال « برنامه اتمی » ایران در پیش گرفته است، روش برانگیختن این رژیم به تولید بمب اتمی است. چرا که می داند ایران آزاد و مستقل و در رشد، به جامعه های آسیای میانه، به همه جامعه های مسلمان اطمینان می دهد. حال آنکه یک ایران اتمی در آنها ترس ایجاد می کند و عامل توجیه استبدادهای وابسته و ثبات آنها می شود. چنین ایرانی برای غرب کمترین خطر را ندارد. وقتی رژیم می گوید: می خواهد به انرژی اتمی دست یابد تا بتواند نفت بیشتری را به بازارهای جهان عرضه کند، چه خطری می تواند برای غرب داشته باشد؟ وقتی رژیم به جای سرمایه گذاری در رشد، ناچیزی از درآمد نفت را، در سفرهای « رهبر » و « رئیس جمهوری » توزیع می کند - که خود موضوع فساد و رانت خواری شده است -، وقتی رژیم چون دشمن به جان اقتصاد کشور می افتد و کشور را بلحاظ منابع و مردم کشور را بلحاظ درآمد، فقیر می کند، چگونه ممکن است برای غرب خطر داشته باشد و چرا داشته باشد؟

رژیم را عامل ضعف ایران بگرداند. در حقیقت، گروگانگیری و چگونگی حل آن، بر غربیان معلوم کرد ملاتاریا پایان گرفتن هر بحران را در شکست، مساعد تثبیت رژیم خود می داند. زیرا می داند هرگاه مسئله نسازد و بحران ایجاد نکند، استبدادش توجیه ناپذیر می شود و بر جا نمی ماند. اما بحران وقتی در شکست به پایان می رسد، هم می تواند بار شکست را بر دوش مردم بگذارد و می گذارد. و هم می تواند جامعه را تحت فشارهای خارجی و سرکوبها در داخل، مهار کند. بیهوده نیست که بحران گروگانگیری در شکست پایان یافت حال آنکه می توانست بوجود نیاید و بر فرض بوجود آمدن، بدون ضرر و زیان، پایان پذیرد. اما ادامه یافت تا جنگ را برانگیخت و جنگ نیز ۸ سال ادامه یافت و با سرکشیدن جام زهر پایان یافت. بحران ترورها نیز با محکومیت فضاحت بار سران در دادگاه میکونوس پایان پذیرفت. چرا بحران اتمی از این قاعده پیروی نکند و در شکست به پایان نرسد؟ در صورت پایان یافتن بحران در شکست، ایرانی که فرار سرمایه ها و استعدادهای و مجازاتهای اقتصادی و تخریب اقتصادش توسط رژیم مافیای بازمه ناتوانترش کرده است، بر جا می ماند. این ایران کدام خطر را برای غرب دارد؟

۷ - تغییر تعادل قوا در جهان، پیدایش قطبهای جدید را امری گردانده که وقوعش قطعی است. می دانیم که ایران، هرگاه نظام اجتماعی باز و دولت مردم سالار بیابد و رشد کند، یکی از این قطبها خواهد شد. با توجه به نقش تاریخی ایران در حوزه تمدن اسلامی، این موقعیت هست که ایران در شمار قطبهای قرار بگیرد که در جهان نقش اول را پیدا می کنند. هرگاه ایران کشوری بشود که سیاست خویش را در جهان، بر اصل سیاست موازنه عدمی برقرار کند، یعنی رابطه با کشورهای دیگر را بر اصل عمل به حقوق ملی خود و رعایت حقوق ملی کشورهای دیگر، استوار کند، بدیهی است که برانگیزنده ملتها در جنبش کردن و از روابط مسلط - زیر سلطه بدر آمدن می شود.

با توجه به این واقعیت که منابع عظیم نفت و گاز و منابع دیگر در کشورهای مسلمان هستند، نقش ایران آزاد و مستقل و در رشد، تعیین کننده می شود. از این رو، حفظ رژیم کنونی - با مقداری تعدیل به نظر برخی از دولتهای اروپائی - اهمیت قطعی پیدا می کند.

پرسشها در باره اتم ۲ نقش اتم در رابطه

های قوا

۵ - ضعف عمومی غرب و برهم خوردن تعادل قوا در جهان، دیگر به غرب امکان نمی دهد که چون در سالهای بعد از جنگ جهانی، از راه دولتهای استبدادی بر کشورهای مسلط شود. با توجه به اثر جنبش ملی کردن صنعت نفت و سپس انقلاب ایران، غرب ملتهای زیر سلطه، خاصه ملتهای خاورمیانه را ملتهائی می شمارد که هر لحظه ممکن است برخیزند و از مهار غرب بدر روند. از این رو است که از انقلاب بدین سو، تبدیل کشورهای منطقه به موزائیک، از راه حمایت مالی و تبلیغاتی و تسلیحاتی از تمایلهای جدائی طلب، بر آنست که در درون این ملتها تعادل ضعفها و میان این ملتها با یکدیگر نیز تعادل ضعفها را برقرار کند، تا خیال خود را از بردن و خوردن ثروت نفت و گاز آسوده سازند. شگفتا! اسرائیل سرزمین فلسطینی ها را به کمک غرب از چنگشان بدر آورده است و هیچگاه حاضر نشده است به عربهایی که وطن خویش را ترک نگشته اند و امروز تبعه اسرائیل بشمار می روند، خود مختاری بدهد. اما دولت اسرائیل، در تمامی منطقه، محرک تجزیه طلبی است. شگفت این که آلت دست شوندهگان از خود نمی پرسند چرا وسیله تجزیه شدن و وابسته به اسرائیل و آمریکا ...

گشتن بهتر از زندگی با مردمی است که با آنها تاریخ و تمدن مشترک دارند در برابر این سیاست، سرکوبگری که رژیم مافیای در ایران و رژیمهای استبدادی در منطقه رویه کرده اند، راه حل نیست. راه حل، رها کردن زور بمنابه محور و باز و تحول پذیر کردن نظام اجتماعی و استقرار دولت مردم سالار و حل مسائل قومی و غیر آن بر حق اشتراک و همبستگی و حق اختلاف و حق استقلال و آزادی که از جمله بمعنای از میان برداشتن تبعیضها در درون و تبعیضها بسود سلطه گران در بیرون است. این دو اصل، ستون پایه های مردم سالاری هستند که در آن، هر فرد حقوق انسانی دارد که ذاتی او هستند و یک رأی دارد و در مسئولیت اداره کشور شرکت می کند.

۶ - یک عامل تفاوت رفتار غرب با رژیم، رویه این رژیم از گروگانگیری بدین سو است. توضیح این که تقدم مطلق بخشیدن به « حفظ نظام »، به غرب آموخته است که می تواند این

نشریه را یاری کنید